

طولانی ترین مصاحبه آیت الله هاشمی؛

## مرد مصلحت چگونه می اندیشید / گفت و گویی ۲۰۰ صفحه ای برای تاریخ



حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۹۱ بلندترین گفت و گوی خود با یک رسانه را در قالب گفت و گوی مکتوب ۲۲۳ صفحه ای با شفقنا به انجام رساند. این گفت و گوی تاریخی نشان از تسلط خیره کننده، هوش سیاسی، قدرت تحلیل، شناخت و آینده نگری ایشان دارد به گونه ای که این گفت و گو پس از ۵ سال هنوز سرشار از نکته های خواندنی و آموزنده است.

همزمان با ارتحال این شخصیت تراز اول انقلاب اسلامی، متن کامل این گفت و گو را بدون هیچ دخل و تصرفی مجددا در اختیار مخاطبان محترم قرار می دهد:

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی، از شخصیت های سرشناس و موثر سیاسی مذهبی جهان اسلام است که در مقاطع حساس و تعیین کننده تاریخی به ویژه پس از انقلاب اسلامی در ایران و عرصه ی بین الملل ایفای نقش کرده و دیدگاه ها، تحلیل ها و پیش بینی هایش از جهان اسلام همواره مورد توجه بوده است. او این روزها کمتر به سخنرانی و گفت و گو می پردازد اما همواره در ذهن جامعه حضور دارد. حسرت از برخی فرصت سوزی ها و اشتباهات در جهان اسلام و اقدامات افراطیون از فحوی کلام او آشکار است اما این روحانی سرشناس شیعه و سیاستمدار کهنه کار ایرانی به آینده و اصلاح بسیاری از مسایل در عرصه جهان اسلام امیدوار است.

سایت بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه، شفقنا در گفت و گویی مکتوب با آیت الله هاشمی رفسنجانی، موضوعات مختلف جهان اسلام و شیعیان از جمله روابط ایران و عربستان، اجتهاد در عصر معاصر، عقل و سنت، روشنفکری دینی، اوضاع سیاسی شیعه پس از غیبت، عصر فقاقت و اجتهاد، آزاد اندیشی و تمدن اسلامی و... را به بحث گذاشته است. این گفت و گوی مکتوب و ارزشمند که حاوی بیش از ۲۰۰ صفحه پاسخ حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی است، به تدریج و در قسمت‌های مختلف منتشر شد که هم اکنون متن کامل آن در اختیار مخاطبان گرامی قرار می‌گیرد.

آیت الله هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به پرسش شفقنا درباره تشکیل تمدن اسلامی و دلایل عظمت و انحطاط مسلمین بیان می‌کند: قبل از پرداختن به موضوع اصلی بحث (تمدن اسلامی)، باید به شرایط، ویژگی‌ها و امتیازات اسلام به عنوان ظرف آن مظلوف یعنی تمدن اسلامی بپردازیم که این بحث در برگزیده بسیاری از سوالاتی است که مطرح شده است. از لحاظ شرایط زمانی، اسلام پس از ادیان زمینی و آسمانی آن روزگار به ویژه یهود و مسیحیت آمده که پیام‌آور آن دو دین، دو پیامبر اولی‌العزم بوده‌اند. تاکید بر اولی‌العزم بودن پیامبران ادیان یهود و نصارا به دلیل برجسته کردن این نکته است که هر دو دین، آسمانی و صاحب کتاب بودند. هر چند بعدها و در مسیر پیاده کردن قوانین دچار تحریفات عدیده شده‌اند.

پس اسلام در زمانی از سوی پروردگار آمده که انسان آن روز با توجه به جمیع شرایط، نسبتا به بلوغ اخلاقی و تحت تعالیم پیامبران اعصار مختلف به مرحله‌ای از رشد انسانی رسیده بود. با این نگاه اسلام باید در ایدئولوژی و جهان بینی خود، چیزی فراتر از ادیان گذشته و همگام با شرایط رشد فکری بشریت باشد که براساس اسناد متواتر آیات و روایات چنین است.

از لحاظ شرایط مکانی نیز اسلام در منطقه‌ای ظهور و بروز یافت که اگرچه ساکنان آن در سال‌های دور پیروان دین حنیف حضرت ابراهیم بودند، اما کم کم به مرحله‌ای در بت‌پرستی رسیده بودند که خانه کعبه به صورت رسمی محل نگهداری بت‌های لات، منات، عزی و... بود. مردمی که بجز برای تجارت، آن هم به صورت محدود با دنیای اطراف خویش و پیروان ادیان دیگر هیچ ارتباطی نداشتند و به صراحت اسناد، در زمان بعثت اسلام، باسوادهای حجاز به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسیدند.

## عقل محوری و ارزش نهادن به معنویت از ویژگی‌های تمدن اسلامی است

### آیین اسلام مهمترین قوه محرکه تمدن اسلامی است

او می‌گوید: از ویژگی‌های تمدن اسلامی اصالت و غنای فرهنگ اسلام، عقل محوری و ارزش نهادن به معنویت است، تمدن اسلامی در واقع حاکمیت عقل است چرا که محور اساسی این تمدن تعالی انسان است که قوام آن به عقل است. شناخت دیگران و دیگرپذیری، سازگاری و دگرگونی از جمله ویژگی‌های تمدن اسلامی است. آیین اسلام مهمترین قوه محرکه تمدن اسلامی بوده و هنوز هم یکی از عوامل اساسی این تمدن است و شالوده‌ای لا متغیر به آن داده است.

مسلمین، دورانی از عظمت و افتخار را پشت سر گذاشته‌اند که اعجاب‌آور است. آنان تمدنی عظیم و باشکوه بنا کردند که چندین قرن ادامه یافت و مشعل دار بشریت بود. اکنون نیز این تمدن، یکی از حلقه‌های درخشان تمدن بشر به شمار می‌رود و تاریخ تمدن، به داشتن آن می‌بالد. مسلمین، چندین قرن در علوم، صنایع، فلسفه، هنر، اخلاق و نظامات عالی اجتماعی، بر همه جهانیان برتری داشتند و دیگران

از خرمن فیض آنها توشه برمی‌گرفتند. بی‌شک با احیای بنیادهای شکل‌گیری تمدن اسلامی، می‌توان برقله تمدن بشری صعود کرد و مشعل‌دار نهضت علمی جهان شد.

## عمر رهنمودهای اسلام ابدی است

این شخصیت برجسته روحانی و سیاستمدار ایرانی در ادامه به شفقنا بیان می‌کند: بعضی‌ها می‌گویند انسانها عمر محدود دارند و جوامع هم مثل انسان‌ها همین‌طور است. دوران کودکی دارند، جوانی دارند، پیری دارند ولی رهنمودهای اسلام عمرش ابدی است. مثل بقیه تمدنها در تاریخ. دارای فراز و فرود است اما همواره در جهت تحلیل بشریت رو به جلو حرکت می‌نماید هرچند که ممکن است اصولی از این تمدن به اشکال گوناگون بروز کند و افول کند و دوباره رشد کند.

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: با همین مقدمه کوتاه، عظمت و رفعت دین مبین اسلام، برای راهنمایی انسانها روشن می‌شود. دینی که پس از ۱۳ سال دعوت پنهان و ۱۰ سال دعوت آشکار حضرت محمد (ص) در مکه و مدینه پایه‌های تمدنی را در سرزمین حجاز و پس از آن در سراسر دنیا پی افکند که مصداق روشن «شجره طیبه» است که «اصلها ثابت و فرعها فی السماء»؛ دینی که چون با دل‌های مردم سر و کار داشت و اصل پذیرش آن «لااکراه» بود، تمدنی را خلق کرد که امروزه در غرب و شرق عالم گسترده است و پیروانش از لحاظ کمیت، آن قدر هستند که اگر چه مراکز آمارهای جهان یک میلیارد و پانصد میلیون نفر می‌گویند، اما چند سال پیش بحثی در مجلس کانادا در این باره شده بود که اخبار آن بحث، حکایت از آمار بیشتر از این دارد. دینی که اگر چه بهترین و به روزترین اطلاعات را برای خیر دنیا و آخرت انسانها دارد، اما هیچ وقت از اقتباس خوبی‌ها دریغ نکرد و پیامبر اسلام در همان حجاز که شاخص اصلی مردمانش «امی» بودن است، مسلمانان را به علم آموزی، ولو با تحمل سفر به چین که آن روزها براساس علوم جغرافیایی دورترین نقطه دنیا بود، تشویق می‌کند.

دینی که برای توجه به زندگی دنیوی مردم «من لا معاش له، لا معادله» را تابلوی فعالیت‌های اقتصادی پیروانش می‌داند و دنیا را برای انسانها «ذلولا» می‌داند و می‌گوید: «فامشوا فی مناکبها و کلومن رزقها».

دینی که برای زندگی انسانها در همه ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، بر اعتدال در عفاف و کفاف، تأکید می‌نماید و پیروانش را «امه وسطا» می‌خواند.

دینی که برای آزاداندیشی دینی و شنیدن حرف‌های دیگران با خطاب «بشارت» بندگان خوب خدا را کسانی می‌داند که «یستمعون القول و يتبعون احسنه».

دینی که برای درس‌های اخلاقی مکاتب بشری و حتی در برخورد با مشرکان و بت‌پرستان با تأکید بر «لاتسبوا» به پیروان خویش این نکته را می‌گوید که «به بت‌های آنها ناسزا نگویند تا به خدای شما ناسزا نگویند».

دینی که برای مسایل جزایی، عادلانه‌ترین قوانین را دارد و حتی برای اسرای جنگی هم حق و حقوقی در نظر گرفته است.

دینی که اگر چه در زمان پیامبر (ص) به خاطر محدودیت قلمرو، صراحت‌های بیانی درباره سیاست‌های خارجی ندارد، اما نوع نگاه اسلام به دشمنان داخلی و خارجی نشان می‌دهد که بر «واعدولهم ماستطعتم من قوه» را یک سیاست بازدارندگی دفاعی می‌داند.

دینی که در صدر بعثت پیامبرش با تاکید بر «جدال احسن» اختلافات سلیقه را موجب تقویت می‌داند و به همان مقدار مسلمانان را با تاکید بر «تفشلوا» از تنازعات قومی، قبیله‌ای و فکری پرهیز می‌دهد.

دینی که حکومت را نه بر مردم که برای مردم می‌داند و پیامبرش اگر چه در غدیر خم، حجت را بر مسلمانان تمام کرده‌اند، اما به حاکم الهی پس از خویش تأکید می‌نماید که «اگر مردم تو را نخواستند، رهایشان کن و کار را بخودشان واگذار کن».

دینی که در تمدن و فرهنگ آنقدر با سعه صدر برخورد می‌نماید که «نهضت ترجمه» را برای تعاملات علمی و فکری پایه‌گذاری می‌نماید و همین شیوه برخورد است که بعدها اندلس و جزایر سیسیل، دروازه‌های غرب برای پذیرش انوار علمی آفتاب اسلام می‌شوند.

دینی که ظلم ستیزی و استعمار گریزی را در صدر برنامه‌های آموزشی خویش برای رهایی انسان‌ها از یوغ استبداد و استکبار می‌داند.

هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه «همه این موارد و بسیاری از موارد دیگر که فرصت احصای آنها در این مقال نمی‌گنجد، مایه عظمت تمدن و فرهنگ اسلام است و در عین حال می‌تواند مایه انحطاط باشد که در بسیاری از مقاطع تاریخی چنین شده است» می‌افزاید: مثلاً در نگاه تفسیری به قرآن که آسمانی‌ترین کتاب و به تصریح خداوندی بدون شک و ریب، «هدی للمتقین» است، متأسفانه در همان آغاز، دو رویکرد در کنار تلاش‌های ائمه و اصحاب صدیق و حتی تابعین مومن به وجود آمد، که هر دو باعث فهم نادرست بعضی از آیات الهی، حتی محکومات شده است. رویکرد اول که افراطی است، پرهیز از کتابت قرآن است که معلوم نیست اگر حضرت علی (ع) و کاتبان دیگر نبودند، معاندان چکار می‌کردند. هرچند به صراحت قرآن، خداوند با چند نشانه تأکیدی، وعده حفاظت از کلام خویش را داده است. رویکرد دوم که تفریطی است، راهیابی اسرایلیات و بعضاً تفسیر به رأی‌های ناصواب است که هنوز هم در علم روایت و تفسیر، مایه زحمت مفسران و محدثان است.

## حق الارث زوجه می‌توانست مایه مباهات اسلام در حقوق شود اما نادیده گرفته شده است

او ادامه می‌دهد: نمونه دیگری که می‌توانست مایه مباهات اسلام در قوانین حقوقی شود، حتی در دنیای معاصر که بحث زنان در مجامع بین‌المللی داغ است، حق الارث زوجه است که علی‌رغم صراحت قرآنی در روایات متعدد، نادیده گرفته شده است و متأسفانه بسیاری از فقها هم تحت تأثیر این جو نادرست، فتاوی‌ی داده‌اند که با چند نفر از آنان که صحبت کرده‌ام، به شک خویش اذعان نموده‌اند؛ البته جای شکرش باقیست که اخیراً رهبری با انتخاب گروهی از فقها، درصدد حل این مساله برآمدند و نخستین نتایج آن ورود مجلس شورای اسلامی به این بحث و تصویب قوانینی است که هنوز هم به حداقل‌ها توجه دارد.

## ظرفیت بالقوه جهان اسلام می‌تواند مسلمانان را از واردکنندگی به صادرات برساند

### آنچه بالقوه مایه افتخار اسلام است در شرایط کنونی باعث نگرانی شده است

رفسنجانی می‌گوید: نمونه دیگری که اسلام به آن توجه عمیق و اکید کرده و متأسفانه در جوامع اسلامی نمود ندارد، بحث مسایل اقتصادی است. بحثی که بعضی از مغرضان برای بیان ناکارآمدی اسلام در اداره جامعه، با مقایسه کشورهای اسلامی و دیگر کشورها، به آن دامن می‌زنند. در حالی که ظرفیت بالقوه جهان اسلام با موقعیت راهبردی و استراتژیک و منابع سرشاری که در اختیار دارد می‌تواند با کمی توجه به علم بهره‌وری، این بهانه را از دست دشمنان بگیرد و مسلمانان را از مصرف‌کنندگان صرف و واردکنندگی، به صادرات برساند. یا مهمترین امتیاز اسلام در حکومت، توجه به آرای مردمی است که این مایه مباهات، به خاطر شرایطی که در بعضی از کشورهای اسلامی در زمان کنونی در حال اتفاق است، باعث انحطاط شده است. به قول سیاسیون، آنچه که بالقوه مایه افتخار اسلام است، در شرایط بالفعل کنونی باعث نگرانی شده است.

هاشمی رفسنجانی بیان کرد: از همین جا به بعضی از مسایلی که در سوالات شما بود و به این بحث یعنی عظمت و انحطاط اسلام مربوط می‌شود مانند اسلام هراسی، وهابیت، شعوبیگری و اشعریت و اعتزال می‌پردازم. مسایلی که مثبت و منفی را در خویش نهفته دارند، اما متأسفانه آنچه که تاکنون حدوث یافته و در بیرون نمود دارد، بعد منفی آنهاست.

## اگر وحدت دولت‌های اسلامی شکل می‌گرفت، اشغالگران در عراق و افغانستان جولان نمی‌دادند

### برخورد مدبرانه با اسلام هراسی می‌توانست دشمنان را به انفعال بکشاند

او ادامه می‌دهد: اسلام هراسی که امروزه، دشمنان با تبلیغات گسترده سعی در فراگیر شدن آن بین ملت‌ها دارند، اگر با تدبیر، سیاست‌های درست و از جایگاه اقتدار اسلامی با آن مقابله می‌شد، می‌توانست نکته مثبتی باشد که هراس دشمنان از اسلام، آنان را به حالت انفعال می‌کشاند و همین هراس نمی‌گذاشت جسورانه به اشغال کشورهای اسلامی بپردازند. اگر وحدت همه دولت‌های اسلامی بر سر مشترکات فراوان و پرهیز از نکات محدود اختلاف برانگیز که اکثر آنها موارد تاریخی هستند، شکل می‌گرفت، دیگر اشغالگران در عراق و افغانستان

جولان نمی‌دادند. همان کاری که کشورهای غربی در قالب ناتو برای دوام حضور خویش انجام می‌دهند. اگر اسلام هراسی را از قلوب ملت‌ها که خواست استکباریون است، به حکومت‌ها می‌کشاندیم، می‌توانستیم مصادیق رأفت اسلامی را در عمل نشان دهیم.

رفسنجانی می‌افزاید: همین وهابیت که امروزه مایه ننگ و باعث تشدید انزجار ملت‌ها از مسلمانان هستند، اگر از اندیشه‌های افراطی و کارهای تفریطی فاصله می‌گرفتند، می‌توانستند جلوی حکومت‌های استبدادی عربی را در چپاول منافع جوامع اسلامی بگیرند. یعنی همین تهدیدی که امروزه از جانب آنان متوجه آبروی اسلام در جهان است، می‌توانست فرصتی برای رویارویی منطقی با زیاده‌خواهی‌های حاکمان سلطنتی در ممالک اسلامی شود. یا شعوبیگری که در قرآن به خلقت انسان‌ها براساس شعوب و قبایل تاکید شده، می‌توانست در ممالک اسلامی باعث تقویت روحیه رقابت در همه ابعاد زندگی شود و قبایل مختلف با حفظ وحدت و توجه به یک دین و پناه گرفتن به یک پرچم که همان پرچم وحدانیت اسلامی است، سد محکمی در برابر سیلاب‌های دشمنان باشند.

او می‌گوید: معتزلیان و اشعریان، اگرچه در آغاز دو نحله فکری برای بیان مسایل و تشریح جهان‌بینی‌ها به مسایل ایدئولوژی بودند و می‌توانستند در فضای علمی به مناظره و حتی مجادله بپردازند که باعث ارتقای فکری جوامع می‌شدند اما طریق تکفیری که پیروان و بزرگان هر یک از آنها برای حذف فیزیکی و شخصیتی رقبای فکری خویش پیش گرفتند، اولاً باعث انسداد آزاداندیشی دینی در بین مسلمانان شدند و ثانیاً نفوذ افراد متعصب به آن باعث تشدید انحطاط فکری آن شده است.

### انقلاب اسلامی ایران می‌تواند الگوی ملت‌های مسلمان باشد

او با بیان اینکه تاریخ اسلام به بستر حوادث مثبت و منفی در حال گذر از مراحل مختلف بود که به مقطع انقلاب اسلامی رسیدیم می‌افزاید: اگر چه شیعیان در طول تاریخ حکومت‌های محلی متعددی مثل زیدی‌ها در یمن، دیالمه در گیلان، علویان در مازندران و حتی در آفریقا و مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی تشکیل داده بودند، اما هیچ وقت ساختار حکومتی آنها براساس تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام) نبود. برای اولین بار یک حکومت شیعی با ساختار حکومتی خاص در یک کشور خدا خوب کرده، یعنی ایران تشکیل شد که این می‌تواند الگویی برای ملت‌های مسلمان و ملل ستمدیده جهان سوم باشد که می‌توان از آن به عنوان عظمت و رفعت اسلامی یاد کرد.

### پس از پیروزی انقلاب اسلامی بعضی‌ها با کارهای افراطی، دیگران را ترسانند

رفسنجانی که خود از افراد بسیار موثر انقلاب اسلامی بوده و پس از انقلاب ایران در پست‌های کلیدی کشور حضور داشته است می‌گوید: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث صدور انقلاب مطرح شد که البته بعضی‌ها با کارهای افراطی، دیگران را ترسانند. صدور انقلاب این نبود که ما به کشورهای دیگر برویم، حاکمان وقت را سرنگون کنیم یا با ارسال سلاح، مردم را تهییج کنیم. صدور انقلاب همین است که پس از حدود ۳۰ سال در مصر، لیبی، تونس، یمن، بحرین و حتی الجزایر اتفاق افتاد یعنی مردم یاد گرفتند که باید علیه حاکمان استبدادی برخیزند.

## هدایت درست جنبش‌های عربی باعث عظمت اسلام می‌شود

### استعمار و استبداد مانند دو لبه قیچی هستند

#### اختلافات جامعه پس از سقوط دیکتاتورها در مصر و لیبی، ریشه در برنامه‌های استعماری دارد

او بیان می‌کند: اگر این نکته، یعنی انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری ملت‌های عربی از آن و به راه افتادن جنبش‌های عربی درست هدایت شود، باعث عظمت اسلام می‌شود. البته در این مقطع باید خیلی مواظب و هوشیار بود. چون استعمار و استبداد مانند دو لبه قیچی هستند که وقتی موقعیت و منافع خود را در خطر ببینند، یک جا جمع می‌شوند و وحدت آنها هم میسر نمی‌شود، مگر با تفرقه مردم. اصلاً سیاست شوم «فرق تسد» یکی از حيله‌های قدیمی استعمارگران در دیگر کشورهاست. آنها برای ایجاد تفرقه از وجه اختلاف‌ها در مذاهب و قومیت‌ها، استفاده می‌کنند. متأسفانه در داخل سرزمین‌های اسلامی هم برای همیشه ستون پنجم دارند تا اوامر آنها را اجرا کنند. اختلافاتی که پس از سقوط دیکتاتورها در مصر و لیبی در جامعه بروز کرده، ریشه در همین برنامه‌های شوم دارد که اگر رهبران قیام‌های مردمی توجه نکنند، باعث انحطاط مسلمین می‌شود.

#### گذشت آن زمان که پادشاه مستبد، تاج پادشاهی بر سر فرزندان می‌گذاشت

#### در عصر اطلاعات نمی‌توان به خاطر ناآگاهی بر مردم حکومت کرد

هاشمی رفسنجانی درباره وقوع بیداری اسلامی یا انقلاب‌های عربی که منجر به سقوط دیکتاتورهای عربی شده است و هنوز هم در کشورهای مختلف ادامه دارد می‌گوید: از سال‌ها پیش برای کسانی که با القابای سیاست آشنا هستند، قابل پیش بینی بود که بالاخره ظلم حاکمان استبدادی در کشورهای عربی روزی کاسه صبر مردم را لبریز می‌کند و مردم وقتی با همه وجود خویش درک کنند که زندگی آنها مرگ تدریجی است، بر می‌خیزند. دیگر گذشت آن زمانی که پادشاه مستبد در آخرین روزهای زندگی خود، تاج پادشاهی را بر سر فرزندان خود می‌گذاشت و مردم هم صم و بکم، اطاعت می‌کردند. در عصر انفجار اطلاعات که هر کس می‌تواند با زدن چند کلید و دگمه، به آخرین اطلاعات گوشه و کنار دنیا حتی در منزل دست یابد، نمی‌توان به خاطر ناآگاهی بر مردم حکومت کرد. مردم آگاه، همه چیز را درباره وظایف ملت‌ها در قبال حکومت‌ها می‌دانند و سعی می‌کنند به وظایف خویش عمل کنند، ولی مطالبات آنها از حقوقی که حکومت‌ها در قبال ملت‌ها دارند، جدی خواهد بود.

#### طوفان کشورهای عربی به زودی منشا تحولات جهان اسلام و دنیا می‌شود

او بیان می‌کند: طوفان یاسی که این روزها، بعضی از کشورهای عربی را در نوردیده، مطمئناً محدود به همین چند کشور نمی‌شود و به زودی منشأ تحولات عمیقی در آینده جهان اسلام و حتی دنیای بین‌الملل خواهد شد. بعید نیست که این قبیل اعتراضات به منطقه قفقاز و آسیای میانه و حتی به کشورهای اروپایی هم برسد که رسیده است چون آنچه که این روزها به اسم دموکراسی و رعایت حقوق بشر در کشورهای غربی اتفاق می‌افتد، تنها لعابی از دموکراسی است که بر پیکره اقدامات استبدادی خویش کشیده‌اند.

## ذات انسان ظلم و ستم با هر نامی که باشد، تحمل نمی‌کند

رفسنجانی یادآوری می‌کند: همین الان به انتخابات در آمریکا توجه کنید که میدان فقط برای دو حزب باز است و احزاب دیگر اگر می‌خواهند حرفی برای گفتن داشته باشند، باید زیر لوای جمهوری خواهان یا دمکرات‌ها بروند. مطمئن باشید ذات انسانی به گونه‌ای خلق شده که ظلم و ستم را به هر شکلی و با هر نامی که باشد، تحمل نمی‌کند، فقط انواع واکنش ملتها متفاوت است و حرکتی که این روزها در مصر، تونس، الجزایر، یمن، اردن، بحرین، کویت، عربستان و دیگر مناطق شاهد آن هستیم، یک نوع واکنش به استبداد و استعمار است.

## نبودن یک رهبر جامع الاطراف مثل امام (ره)، قیام‌های مردمی منطقه را زجر می‌دهد

او تاکید می‌کند: آنچه که مردم کشورهای عربی و قیام‌های مردمی منطقه را زجر می‌دهد و باعث کندی حرکت آنها می‌شود، عدم وجود یک رهبر جامع الاطراف مثل امام (ره) است. رهبری که همه گروه‌های سیاسی و مذهبی در ایران او را به عنوان مرجع دینی و مقتدای سیاسی قبول داشتند. حتماً تاریخ انقلاب اسلامی در زمان مبارزه را می‌دانید که امام ۱۵ سال از وطن تبعید بودند، اما با نوارهای سخنرانی و اعلامیه‌ها و شاگردان خود، مبارزه را هدایت می‌کردند. امتیازی که کشورهای عربی ندارند. اخوان المسلمین در مصر، با سابقه طولانی مبارزاتی و آقای البرادعی با سابقه مدیریتی در سطوح بین‌المللی، نمی‌توانند مرجع مطمئنی برای مردم در مبارزه باشند.

رفسنجانی می‌افزاید: حتی افراد و گروه‌هایی که پس از سقوط استبداد بر سر کار آمدند، مردم را راضی نمی‌کنند و دیدیم که یک سال پس از بازداشت سادات و سقوط حکومتش، مردم دوباره به میدان التحریر مصر می‌آیند و می‌خواهند مبارزه را ادامه بدهند، این امر ناشی از بی‌اعتمادی مردم به مسؤولان است. چیزی که در ایران و انقلاب اسلامی در هیچ یک از مقاطع نداشتیم.

## نخبه محوری برای هدایت مبارزات عربی هم خوب است و هم بد

او درباره نقش نخبگان و وظایف آنها در توسعه کشورهای اسلامی و آینده کشورهای انقلابی با بیان اینکه نخبه محوری که در سوال شما بود، برای هدایت مبارزه هم خوب است و هم بد بیان می‌کند: اگر این نخبه، شخصیتی مثل امام(ره) باشد، خوب است و حاصل اعتماد مردم به آن، انقلابی می‌شود که دشمنان پس از پیروزی، همه توطئه‌ها را علیه آن بکار بردند، اما رابطه مردم و نظام روز به روز مستحکم‌تر شده است. اگر این نخبه محوری، با محوریت افرادی باشد که مردم نسبت به استقلال اندیشه‌اش تردید دارند و فقط با شدت تبلیغات می‌خواهد، بر طبل نخبگی بکوبد، نه تنها جواب نمی‌دهد، بلکه مردم را از کاری که کرده‌اند، پشیمان می‌کند. مثل کاری که مردم افغانستان در مبارزه طولانی کردند و حاصل مبارزه آنها کسانی مثل طالبان شدند که تسمه از گرده مردم می‌کشید.

مردم کشورهای اسلامی طی سال‌های اخیر بر اثر گسترش اطلاعات، از رشد و توسعه دیگر کشورها مطلع شده‌اند و وقتی خود را با آنان مقایسه می‌کنند، می‌بینند از لحاظ منابع هیچ از آن کشورها کم ندارند، ولی از مواهب منابع برخوردار نیستند و با اینکه صادر کننده مواد خام انرژی هستند، برای استفاده باید خود وارد کننده باشند.



رفسنجانی می‌گوید: این عقب ماندگی که فراتر از احساس، در زندگی روزمره ملموس است، آنان را به کنکاش درباره علل می‌کشاند که رد پای استبداد و استعمار را می‌بینند. مثل مردم ایران که وقتی در آستانه پیروزی انقلاب به خیابانها آمدند و شعار دادند، در کنار «جمهوری اسلامی» که مطالبه نوع حکومت بود، به «استقلال» و «آزادی» نیز توجه داشتند که عدم وجود آنها ریشه در استبداد و استعمار داشت. یعنی استبداد، آزادی و استعمار، استقلال را از آنها سلب کرده بود. البته این خواسته سیاسی، ریشه در فرهنگ انباشته شده تاریخی داشت که آنها حضور لایه‌های عمیق استبداد تاریخی را مانع رشد و توسعه خود می‌دانستند و با تمام وجود فکر می‌کردند که باید تغییرات بنیادی در همه ابعاد جامعه ایجاد شود تا به حلقه مفقوده که همان توسعه و پیشرفت بود، برسند.

## مگر مردم از حکومت‌ها چه می‌خواهند؟

### انقلاب‌های عربی پدیده مبارکی است که باید مراقب بود به دیکتاتوری دینی و افراطی تبدیل نشود

این روحانی و سیاستمدار سرشناس شیعه در این راستا وظیفه دولت‌های اسلامی را هم به اندازه نقش مردم سنگین می‌داند و می‌گوید: مردم از آنها فرهنگ صنعتی شدن غربی را نمی‌خواهند بلکه انتظار دارند با داشته‌های دینی که سعادت دنیا و آخرت را در خود نهفته دارد، به گونه‌ای برنامه ریزی کنند که به قول علمای علم اقتصاد، شاخص‌های جدول ضریب جینی به نفع فقرا اصلاح شود. جامعه با رونق اشتغال به سوی رونق اقتصادی برود. به جای اینکه هر روز یک ماهی به عنوان سهمیه به آنان بدهند، یک تور ماهیگیری به آنها بدهند و بگویند خودتان صید کنید و مازاد نیازهای خود را با مسیرهایی که برای شما تسهیل می‌کنیم، صادرات کنید. اگر چنین باشد دیگر نباید نسبت به ثبات باورهای دینی، سیاسی و اجتماعی ملت‌ها نگران بود مگر مردم از حکومت‌ها چه می‌خواهند؟ آنچه که مردم لیبی را آن گونه به خیابان‌ها کشاند، بهره‌مندی حاکمان از حداکثری‌های زندگی نبود، بلکه عدم بهره‌مندی مردم از حداقل‌ها بود. به هر حال آنچه که این روزها در بعضی از کشورهای اسلامی در حال اتفاق است، پدیده‌های بسیار مبارک اجتماعی، سیاسی و حتی دینی است، ولی باید مواظبت شود تا نتیجه آن دیکتاتوری دینی و افراطی نشود که باعث بدنامی اسلام خواهد شد و نسل جوان را که به خاطر طبیعت جوانی به دنبال سؤالات فراوان است، ناامید می‌کند.

### ایران و عربستان با کنترل افراطی‌ها می‌توانند مایه آرامش ملت‌های مسلمان شوند

هاشمی رفسنجانی که هم در دوره ریاست جمهوری اش در ایران و هم پس از آن روابط نسبتاً خوبی با عربستان داشته درباره نقش ایران و عربستان در جهان اسلام و روابط این دو کشور بیان می‌کند: با هر نگاهی که بخواهیم جهان اسلام را مورد بررسی قرار دهیم، ایران و عربستان جزو بزرگترین و مهمترین کشورهای اسلامی هستند. از لحاظ جغرافیایی، هر دو کشور در یکی از سوق الجیشی‌ترین مناطق جهان قرار دارند که از دو سو به آب‌های دریایی راه دارند. از لحاظ منابع انرژی، هر دو کشور در نفت و گاز مقام اول و دوم را دارند و از لحاظ جمعیت، پرجمعیت‌ترین کشورهای اسلامی هستند. از لحاظ سیاسی، هر دو کشور مطمع نظر غرب و شرق بودند و هستند و حتی اگر بخواهیم در درون جامعه اسلامی و با رویکرد شیعه و سنی، جایگاه ایران و عربستان را بررسی کنیم، باز ایران با حداکثر شیعه و حداقل سنی و عربستان با حداقل شیعه و حداکثر سنی، از کشورهایی هستند که اگر جلوی افراطی‌ها را بگیرند و در سیاست خارجی تحت تأثیر القائات دیگران قرار نگیرند، می‌توانند مایه آرامش کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان شوند. مخصوصاً

که عربستان به خاطر مکه و مدینه، قداستی در بین مسلمانان دارد که نمی‌توان به خاطر مسایل زودگذر سیاسی، مردم را از سفر حج تمتع و عمره مفرده محروم کرد.

## روابط ایران و عربستان باید بسیار فراتر از معادلات سیاسی باشد

### جنگ سرد دولت‌های ایران و عربستان موجب هدر رفتن سرمایه‌های مسلمین می‌شود

او بیان می‌کند: حاکمان هر دو کشور باید توجه داشته باشند که روابط این دو کشور باید بسیار فراتر از معادلات سیاسی باشد. جنگ سرد دولت‌های ایران و عربستان باعث دلسردی مسلمانان و موجب هدر رفتن سرمایه‌های مسلمین می‌شود.

### باید فرهنگ سازی شود تا اعتدال به عنوان خواسته اسلام اصیل بین مردم و علما جا بیفتد

او درباره تخریب آثار اسلامی در عربستان می‌گوید: درخصوص آثار تاریخی اسلامی عربستان هم در آخرین سفرم با مسوولان عربستانی صحبت کرده بودم. جالب است که بدانید حاکمان سعودی علاقه‌مند احیای آثار تاریخی اسلام هستند و می‌گفتند بسیاری از آنها را شمارش و ثبت کردیم، ولی افراطیون وهابی و علمای القاعده‌ای عربستان بر آنان فشار می‌آورند. در این باره هم باید اول فرهنگ سازی شود تا اعتدال به عنوان خواسته اسلام اصیل در بین مردم و علما جا بیفتد تا ان شاء الله نسبت به ترمیم آثار اسلامی اقدام شود.

آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی به پرسشهایی درباره ویژگی‌های روشنفکران اسلامی و آزاد اندیشان دینی، روند رشد شیعه در طول تاریخ، نقاط عطف تاریخی و افراد موثر در انتقال فرهنگ شیعه به شیعیان امروز پاسخ گفته و با تاکید بر باز بودن باب اجتهاد در فقه شیعه، معتقد است: اجتهاد مکمل خاتمیت اسلام است.

او که شجاعت در شناخت و بیان درد و درمان جامعه و آزادمنشی در تفکر و اندیشه و نقادی نسبت به وضع موجود را از ویژگی‌های آزاداندیش دینی یا روشنفکر اسلامی می‌داند، با نسبی در نظر گرفتن مفهوم «آزاداندیش دینی»، یادآوری می‌کند که مصادیق روشنفکر دینی در هر زمانی زیاد نیست.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت وگویی کتبی تفصیلی با شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) درباره اجتهاد می‌گوید: یکی از مهمترین توصیفاتی که برای دین اسلام می‌شود، خاتمیت است یعنی پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، درهای آسمان برای نزول وحی بر روی انسان‌ها بسته می‌شود و اسلام باید تا قیامت جواب گوی خواسته‌های مردم در همه ابعاد زندگی باشد. دینی که در مکه و مدینه زمان جاهلیت آمده و اساس بت‌پرستی را به هم زده و حکومتی در محدوده حجاز تشکیل داده، امروزه حدود ۲ میلیارد مسلمان در جهان دارد که از خاور دور تا اروپا، آفریقا و آمریکا را شامل می‌شود. این دین باید به مقتضای زمان و مکان به خواسته‌های مردم جواب دهد و راه آن اجتهاد است.

## اجتهاد مکمل خاتمیت اسلام است

هاشمی با بیان اینکه اجتهاد مکمل خاتمیت اسلام است، بیان می‌کند: به عنوان مثال در زمان پیامبر، بحث حد و مرز فقط زمین بود و الان آسمان‌ها و دریاها به آن افزوده شده‌اند. باید بر اساس اجتهاد به همه نیازهای بشر امروزی جواب داد. اجتهاد هم قواعد خاص خود را دارد. فقهای اسلامی در طول تاریخ با قاعده سازی، سعی در بیان حکم برای مسایل مختلف داشتند و الان هم می‌توان با افزودن فروع متعدد به قواعد، همه مسایل را تحت پوشش گرفت. مثلاً مجمع تشخیص مصلحت نظام، که یک اقدام سیاسی امام بر اساس یک اصل فقهی و در پوشش اجتهاد اسلامی بود که مصلحت و تشخیص و عمل به آن در راستای انتخاب مصلحت اقوی است.

## آزاد اندیش دینی در شناخت و بیان درد و درمان جامعه شجاعت دارد

### توصیف‌های مذمت گونه‌ای از سوی مخالفان آزاداندیشی برای روشنفکران وجود دارد

این چهره مذهبی سیاسی مشهور ایران که آزاداندیشی دینی و روشنفکری اسلامی را یکی می‌داند در تعریف روشنفکری دینی می‌گوید: دهها صفت برای روشنفکر ارائه شده که مهمترین آنها اینهاست؛ «آگاهی از احوال و اوضاع زمانه»، «شناخت دردها و آسیب‌ها و امتیازات جامعه»، «شجاعت در شناخت و بیان درد و درمان جامعه»، «آزادمنشی در تفکر و اندیشه و نقادی نسبت به وضع موجود»، «رو به آینده داشتن و تنفر از عقب‌گرد و درجا زدن»، «عاشق نوآوری و پیشبرد جامعه» و «عاری از خرافه و تحجر و مزین به عقلانیت در فکر و عقل». البته اینگونه توصیف‌ها از منظر حامیان روشنفکری است و در مقابل توصیف‌های مذمت گونه‌ای از سوی مخالفان آزاداندیشی برای روشنفکران وجود دارد.

### مصادیق روشنفکر دینی در هر زمانی زیاد نیست

او می‌افزاید: بر این اساس تعریف جامع و مانعی برای روشنفکری دینی سراغ ندارم؛ ولی باتوجه به توصیف‌های موجود می‌توان گفت مصداق خوب روشنفکر دینی، فردی باشد که از سویی با دلیل و همراه اعتقاد و تعبد، اسلام را جوهری پایدار و جواب‌گوی ابدی نیازهای روز هر زمان و مکان بداند و از سوی دیگر قادر به شناخت واقعیات و نیازهای جوامع زمان خود باشد. اگر فاقد رکن اول باشد، دینی نیست و اگر رکن دوم را نداشته باشد، روشنفکر نیست. البته در هر زمانی چنین مصادیقی زیاد نخواهند بود و چون این اصطلاح می‌تواند نسبی در نظر گرفته شود، به اندازه وسعت دامنه، نسبت مصادیق هم زیادتر می‌شود.

### اسلام، روشنفکر دینی را از بی‌دردی نسبت به مشکلات جامعه رها می‌سازد

تفاوت روشنفکر دینی و روشنفکر مطلق اینجاست که اولی در محدوده دین مورد قبولش عمل می‌کند. فرض این است که او به دین اعتقاد دارد و برخلاف معتقدات خویش به راهی نمی‌رود و دومی چون چنین سرمایه و راهنمایی مثل معارف آسمانی ندارد، آزادتر، ولی

بدون سرمایه پیش می‌رود. گرچه کم بودن قید و بندها، کار نوآوری را برای نواندیشان غیردینی آسان‌تر می‌کند، اما اولاً کمتر جامعه‌ای هست که نوعی قید و بند و تعصب‌های سنتی، قومی، ملی و اجتماعی نداشته باشد و ثانیاً راهنمایی‌های الهی، محقق را از لغزش‌هایی از نوع آنکه فرهنگ غرب به آن آلوده شده، حفاظت می‌کند و باتوجه به تجربه و اسناد معتبر اسلامی می‌توانیم بگوییم، اسلام به روشنفکر دینی نشاط و سرزندگی می‌بخشد و او را در عمق وجدان متعهد می‌سازد. به اهداف و آرمان‌هایش تقدس می‌بخشد. از بی‌تفاوتی نسبت به حوادث اطراف خود و بی‌دردی نسبت به مشکلات جامعه رها می‌سازد.

### **اسلام، روشنفکر دینی را از لجاجت، تعصب، تقلید کور، خودخواهی و انحصارطلبی بازمی‌دارد**

هاشمی رفسنجانی می‌گوید: اسلام روشنفکر دینی را در مسیری از تکامل قرار می‌دهد که در هیچ حدی متوقف نمی‌گردد. مانع از خیانت و سقوط او می‌شود. از تضاد و لجاجت و تعصب و تقلید کور و خودخواهی و انحصارطلبی بازمی‌دارد. به او هویت مستقل می‌دهد. از خودباختگی بازمی‌دارد. به او عزت نفس می‌بخشد و مانع از ذلت‌پذیری و زبونی او می‌گردد. او را از یأس و ناامیدی محافظت می‌نماید و به او روحیه و قدرت تلاش و مبارزه و جهاد عطا می‌کند و رحمت و رأفت نسبت به انسان را در وجودش نهادینه می‌کند و پاسداری از حق و حقیقت و دوری از ریا و تزویر و حق‌پوشی به صورت ملکه‌ای بر رفتار و گفتارش سایه می‌گستراند.

### **اساسی‌ترین برنامه مکتب اسلام تربیت انسان عالم، متقی و دارای عمل صالح است**

هاشمی رفسنجانی درباره انسان الگو در اسلام بیان می‌کند: قرآن و سنت به اسباب و عوامل روشنفکری دینی توجهی خاص مبذول و پایه و مایه تربیت چنین انسان‌هایی را به وضوح طراحی و اجرا کرده‌اند. اساسی‌ترین برنامه مکتب اسلام تربیت انسان مؤمن، عالم، متقی و دارای عمل صالح است که از اولین آیات نازل بر پیغمبر(ص) در سوره علق و نیز توضیح فلسفه خلقت آدم و بشر بر روی زمین به عنوان خلیفه‌الله در بدو آفرینش آدم ابوالبشر(ع) و موارد فراوان دیگر در قرآن به دست می‌آید.

### **مهمترین سرمایه انسان برای ارتقا به جایگاه انسان الگو، سرمایه عقل و هدایت الهی است**

هاشمی رفسنجانی در ادامه درباره جایگاه عقل و فکر و میزان توجه به این مقوله در اسلام بیان می‌کند: مهمترین سرمایه انسان برای ارتقا به جایگاه انسان الگوی شایسته قرآنی، سرمایه عقل و فکر و هدایت الهی است که در انسان این سرمایه به طور استعداد و قابلیت موجود است و بهره‌گیری از این موهبت الهی با راهنمایی عقل و وحی به عهده انسان گذاشته شده و عنصر اختیار و انتخاب زمینه این مسوولیت است و همین سرمایه گرانبه‌تر توشه این راه سعادت است که در مسیر او مشعل‌های فراوان روشنگر و علایم راهنما از منبع وحی و عقل قرار گرفته است.

## قرآن توجهی ویژه به عقل و دانش دارد

او درباره جایگاه عقل و فکر در قرآن کریم می‌افزاید: در کتاب مقدس الهی توجه ویژه و معناداری به عقل، فکر، دانش و ایمان در کنار هدایت الهی شده و این توجه در سراسر قرآن کریم و در نقاط مناسب آن تعبیه شده است. صدها بار واژه‌های مشتق از علم و دهها بار از واژه‌های مربوط به عقل، فکر، عرفان، تفقه و مشابه‌های دیگر و صدها بار از کلمات ارزشی هدایت و ایمان به عنوان ضلع دیگر این ساختمان کثیرالاضلاع استفاده شده که نتیجه این مجموعه عوامل انسان‌ساز، تربیت انسان مورد نظر است که در جهت ثبت و ارج‌گذاری در قرآن به کار رفته است که می‌توان هدف را جلب توجه انسان‌ها به ارزش و ضرورت این سرمایه‌ها در مسیر سیرالی‌الله و کمال و سعادت افراد و جوامع برشمرد. ناگفته پیداست که همه اینها در تربیت انسان مؤمن عالم و عامل نقش ایفا می‌کنند و ثمره این شجره طیبه، انسان روشنفکر دینی است.

### حتی اصولیون از نقش والای عقل و فکر در ساختار نظام اسلامی غافل نمانده اند

هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه منابع روایی ما معمولاً اولین باب را به عقل و دومین باب را به علم اختصاص می‌دهند بیان می‌کند: به عنوان مثال جلد اول کتاب بحارالانوار مشتمل بر ۴۰ باب شامل کتاب عقل و جهل، فضیلت علم و علما و طبقات آنها، حجیت اخبار و قواعدی است که از آنها استخراج می‌شود. حتی کتبی که توسط علمای اخباری تدوین گردیده، چنین است و این نشان خوبی است که حتی منکران ارزش و اعتبار بسیاری از مباحث علم اصول که یکی از سرمایه‌های اجتهاد علمای عقلگرا و به اصطلاح اصولیون است، هم از نقش والای عقل و فکر در ساختار نظام اسلامی غافل نمانده اند.

کتاب گرانیهی تحف‌العقول وصایای امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) به هشام بن حکم را آورده که حدود نود درصد آن وصایا تکیه روی عقل، تعقل و تفکر به عنوان مهمترین عامل سعادت و کمال دارد و در یکی از دهها وصیت به تعقل می‌فرماید: «یا هشام، ان‌الله علی‌الناس حجّین، حجّه ظاهره و حجّه باطنه. فأما الظاهره فالرسل و الانبیاء و الاثمه و اما الباطنه فالعقول» (تحف‌العقول عن آل الرسول، ابومحمد، حسن بن علی بن حسین حرّارنی، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش، از ص ۳۸۳)

همان مضمونی که مرحوم آیت‌الله شیخ انصاری در «فرائد الاصول» در حجیت قطع ناشی از عقل روی آن تکیه می‌کند: «و وجه الاستشکال فی تقدیم الدلیل النقلی علی العقلی الفطری السلیم ما وردمن النقل المتواتر علی حجّیه العقل و أنّه حجّه باطنه و أنّه ممّا یبعد به الرحمن و یکسب به الجنان» (فرائد الاصول، چاپ جدید، ص ۱۹، نقل از بحارالانوار، جلد ۱، ص ۳۷۷).

### فقه‌های بزرگ مقام عقل را تا پای وحی بالا می‌برند

همچنین به نقل از راغب اصفهانی می‌آورد که: «العقل السلیم ایضا حجّه من الحجج فالحکم المنکشف به حکم بلّغه الرسول الباطن الذی هو شرع من داخل کما ان الشرع عقل من خارج». می‌بینید که فقه‌های بزرگ مقام عقل را تا پای وحی بالا می‌برند و از تعبیر معنادار حجت باطنه در مقابل حجت ظاهره (انبیا) و یا رسول باطن در کنار تعبیر «عقل ظاهر» برای انبیا استفاده می‌کنند.

## پیامبران، گنج‌های پنهان شده عقل‌ها را برای بشر استخراج می‌کنند

او ادامه می‌دهد: خوب است این فراز را با نقل جمله‌ای از امیرالمومنین (ع) زینت دهم که در اولین خطبه نهج‌البلاغه که مملو از دانش، عرفان و حکمت است، درباره یکی از مهمترین مسوولیت‌های انبیاء الهی آمده: «وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» که تعبیر پرمعنا و عمیقی است. یعنی پیامبران، گنج‌های پنهان شده عقل‌ها را برای بشر استخراج می‌نمایند. گنج، پنهان، مدفون و استخراج، واژه‌های کلیدی این فصل است که در یک جمله گنجانده شده است.

## امامان معصوم به شاگردان عالم و اهل نظر خود، اجازه اجتهاد می‌دادند

هاشمی رفسنجانی درباره کلمات «اخباری، اصولی، محدثان، فقها، تقلید، اجتهاد، رکود، بالندگی» توضیح می‌دهد: این کلمات و عناوین نمایانگر واقعیت‌های تاریخ اسلام است. هم در شیعه و هم در اهل سنت وجود داشته و دارد که سرگذشت بی‌پایان جدال عقل و تفکر از یک طرف و جمود و تقلید از طرف دیگر است. در عین اینکه در هر دو طرف نقاط ضعف و قوت و اخلاص هم وجود دارد. در زمان حضور امام معصوم و پیغمبر(ص) همین بحث‌ها بود - ولی در بین شیعیان کمتر - و اسناد فراوانی هم موجود است که امامان معصوم شیعه در زمان حضور خودشان هم به شاگردان عالم و اهل نظر خودشان اجازه اجتهاد و استخراج فروع از اصول می‌داده‌اند و گاهی به جای اجازه، تکلیف می‌فرموده‌اند. برای نمونه چند مورد را می‌آورم.

امام محمدباقر(ع) به ابان بن تغلب می‌فرمایند: «اجلس فی مسجدالمدینه و افت للناس فانی احب ان اری فی شیعتی مثلک». (در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده، من دوست دارم در بین شیعیان خود کسانی مثل تو ببینم).

و از معاذبن مسلم می‌پرسند: بلغنی انک تقعد فی الجامع فتفتی الناس؟ قلت نعم و اردت ان أسالک عن ذلک قبل ان اخرج، انی اقعده فی المسجد فیجی الرجل فیسألنی عن الشئی فاذا عرفته بالخلاف لکم خبرته بما یفعلون و یجئی الرجل اعرفه بمودتکم فاخبره بما جاء عنکم و یجئی الرجل لا اعرفه ولا ادری من هو فاقول جاء عن فلان کذا و جاء عن فلان کذا فدخل قولکم فیما بین ذلک؟ قال فقال لی: اصنع ذلک فانی کذا اصنع (وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشرعیه، محمد بن الحسن حر عاملی، یشرب، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م. ، باب ۱۱ از ابواب قضای قاضی، ترجمه آن چنین است: شنیده‌ام که در مسجد جامع می‌نشین و برای مردم فتوا می‌دهی، آیا درست است؟ گفتم: آری و من قصد داشتم قبل از آنکه از نزد شما بروم، نظر شما را در این مورد بدانم، من در مسجد می‌نشینم، مردی می‌آید و در موضوعی از من سؤال می‌کند. اگر بدانم تابع مکتب شما نیست. طبق مذهب خودشان فتوی می‌دهم. مرد دیگری می‌آید و می‌شناسم که دوستدار شماست، پس طبق آنچه از شما رسیده است، فتوا می‌دهم. مردی هم می‌آید که نمی‌دانم آیا از پیروان مکتب شماست یا مخالفین شما، پس می‌گویم: گروهی چنین می‌گویند و گروهی چنان و نظر شما را در میان آنها جای می‌دهم. معاذ ادامه می‌دهد که امام(ع) فرمود: چنین کن که من نیز چنین می‌کنم.)

## باب اجتهاد تا اوایل قرن چهارم در میان اهل سنت باز بوده است

هاشمی رفسنجانی ادامه می‌دهد: در بین اهل سنت هم متناوبا سیاست اجتهاد و تمسک به قیاس و مصالح مرسله و انسداد باب اجتهاد و رواج تقلید وجود داشته و دارد. به طور کلی تا اوایل قرن چهارم باب اجتهاد در میان اهل سنت باز بوده و پس از تکمیل مذاهب چهارگانه این باب مسدود شد اما خوشبختانه در عصر حاضر اهل سنت گرفتار انسداد باب اجتهاد نیست و محققان دینی اهل سنت

نوآوری‌های فراوانی دارند. در شیعه بعد از غیبت امام زمان (عج) این تقسیم بندی‌ها نیز در میان پیروان مکتب اهل بیت (ع) به صورت وسیع و جدا از هم به وجود آمده و آثار مثبت و منفی خود را ثبت کرده است.

### اولین موج معارف اسلامی بعد از غیبت در لباس عصر محدثان ظهور می‌کند

او بیان می‌کند: پس از عهد حضور معصومان که عصر تبیین و تفسیر دین است و دسترسی به ائمه بوده، اولین موج معارف اسلامی بعد از غیبت در لباس عصر محدثان ظهور می‌کند که طبیعی است. این محدثان نزدیک به عصر معصومان بوده‌اند و بسیاری از اسناد تولید شده توسط ائمه و شاگردان ائمه در دسترس بوده و جمع‌آوری و تنظیم آنها ضرورت دوران غیبت است و این کار را به خوبی محدثان بزرگوار انجام داده‌اند.

متأسفانه در زمان پیغمبر (ص) جز در مورد قرآن و نامه‌های پیغمبر (ص) و بخشی از کلمات ایشان و پس از آن تا حدود یک قرن کتابت حدیث و تاریخ و سنت‌ها معمول نبود، جز در موارد بخصوص و معدود و این از مواردی است که نیاز به تحقیق جامع و بی طرفانه‌ای دارد.

در زمان خلفای راشدین، امیرالمومنین علی (ع) در خصوص کتابت، استثناء به حساب می‌آیند. علاوه بر اینکه خود مهمترین و جامع ترین و معتبرترین کاتب وحی بوده‌اند، مطالب زیادی از پیغمبر (ص) را نوشته‌اند و سپس در دوران خلافت ظاهری خود به کاتب فرهیخته خویش علی ابن ابی رافع دستور جمع‌آوری منابع اسلامی را دادند و عمر بن عبدالعزیز هم به ابن شهاب زهری و افراد دیگر دستور جمع‌آوری و تنظیم سنت را صادر کرده و طی بخشنامه‌ای از علمای بلاد خواسته که احادیث صحیح پیغمبر (ص) را جمع‌آوری و ارسال کنند. شخصیت‌هایی مثل سلمان، ابوذر، اصبع بن نباته، ابی رافع و دو فرزندش عبیدالله و علی و جمعی از بزرگان صحابی یا تابعی شیعی هم آثار مکتوب خلق کرده‌اند.

### تدوین و تنظیم حدیث و فقه اوایل قرن دوم هجری رایج شد

اما به هر حال اوائل قرن دوم هجری است که تدوین و تنظیم حدیث و فقه رایج می‌شود و در میان شیعه بیشترین آثار مکتوب را در بین شاگردان مستقیم یا غیر مستقیم امامان سجاد، باقر و صادق (علیهم‌السلام) داریم. این بزرگواران، شاگردان موفق خود را به تدوین مطالب تشویق می‌کرده‌اند. کتاب ارزشمند «الذریعه الی تصانیف الشیعه» اثر ارزشمند شیخ آقابزرگ الطهرانی، بسیاری از این کتب و نویسندگان آنها را به تفصیل آورده است.

### «اصول چهارصدگانه» برای احکام و معارف بیشتر مورد استناد قرار گرفته است

حسن بن علی بن زیاد و شاء می‌گویند که در مسجد کوفه نهصد شیخ را دیده که همه می‌گفتند، «حدّ ثنی جعفر بن محمد» (الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ الطهرانی، طبع بیروت، دارالاضواء، ج ۱، ص ۱۷ و رجال نجاشی، ترجمه الوشاء، ص ۳۱) و حافظ ابوالعباس بن عقده همدانی کتابی در معرفی کسانی نوشته که از حضرت صادق (ع) حدیث روایت کرده‌اند که در آن کتاب چهارهزار نفر را معرفی

کرده است. (تاریخ فقه و فقها، دکتر گرجی، ص ۱۱۵، به نقل از رجال نجاشی و تاریخ الکوفه للبراقی ص ۳۹۶) از میان صدها کتابی که شاگردان ائمه نوشته‌اند، چهارصد اثر مهم‌تر به نام «اصول اربع ماه» بیشتر مورد استناد برای احکام و معارف بوده که بسیاری از آنها تا قرون اخیر مورد استفاده محدثان و فقها بوده و صاحب‌الذریعه در جلد دوم یکصد و هفده اصل از این اصول را با ترجمه مولفان آنها آورده و بسیاری از آنها در دسترس علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی بوده است. (در قرن دوم هجری که فشار سیاسی حاکم بر شیعیان به هنگام انتقال حکومت از امویان به عباسیان به کلی از بین رفته بود، بسیاری از روایان به جمع و تدوین احادیثی که خود، آنها را از امامان شیعه به ویژه از امام صادق(ع) روایت کرده بودند، پرداختند. در این دوره چهارصد رساله که به «اصول چهارصدگانه» معروف بود، تدوین یافت که این امر خود، سر آغازی در گسترش تدوین حدیث نزد شیعه به شمار می‌رفت؛ برای اطلاعات بیشتر رک: دائره المعارف الشیعه، ج ۵، ص ۳۳)

در دوران حضور ائمه (دوران امامان معصوم (ع) ۲۴۹ سال و زمان غیبت صغری امام زمان (عج) ۶۹ سال) با امکان دسترسی به خود آنها یا دسترسی به آثار مکتوب شاگردان آنها، عملاً و عمدتاً متون روایات مورد عمل مردم بوده و در مواردی که نص و متنی به دست نمی‌آمد، فقهای بزرگی بوده‌اند که با استنباط و اجتهاد، حکم مورد احتیاج را به دست می‌آوردند و عملاً محدثان و فقها در آن دوره از هم جدا نبوده‌اند.

تعدادی از بزرگان و معاریف آنها از این قرارند: ۱- ابان بن تغلب ۲- ابن ابی عمیر ۳- ابوحمزه ثمالی ۴- بزئطی ۵- جابر بن یزید جعفی ۶- حسن بن علی بن فضال ۷- زراره بن اعین ۸- ابوبصیر ۹- فضل بن شاذان ۱۰- محمد بن مسلم ۱۱- هشام ابن حکم ۱۲- یونس بن عبدالرحمن ۱۳- ربیع بن سمیع ۱۴- عبدالعظیم حسنی و بسیاری از محدثان و فقهای دیگر که دسترسی به اسامی آنها برای خوانندگان گرامی مشکل نیست.

به خصوص عده‌ای که به عنوان اصحاب اجماع شناخته شده‌اند که نام بسیاری از آنها در اسامی ذکر شده وجود دارد.

این چهره سیاسی و مذهبی ایران در ادامه به تشریح وضعیت محدثان پس از غیبت می‌پردازد و بیان می‌کند: پس از غیبت امام عصر(عج) دسترسی به امام معصوم بدون واسطه، جز برای چهار نفر مشخص (که به نواب اربعه یا سفرای اربعه معروفند و به ترتیب عبارتند از: عثمان بن سعید اسدی، محمد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری)، در دورانی کوتاه وجود نداشت و پس از شروع غیبت کبری دسترسی با واسطه هم قطع شد و طبعاً در آن شرایط مرجع علمای شیعه همان اسناد باقیمانده از روایات است و تا مدتی فتاوی علمای عمده‌تأ به صورت متنی بود که در روایات آمده بود و در مواردی هم با اجتهاد محدود و قواعدی که قبلاً به تأیید ائمه معصوم رسیده بود، یا در زمان حضور معصوم مرسوم بوده، فتوی صادر می‌شد. قواعدی از قبیل ملازمه حکم عقل و شرع، ملازمه وجوب چیزی با وجوب مقدمات آن واجب، تمسک به اصل برائت یا استفاده از استصحاب یا بهره‌گیری از قواعد مستفاد از قرآن و سنت مثل اصله الصحه و قاعده لاضرر و وجوب وفای به عهد و عقد، مورد استفاده فقهای آن عصر بوده و سعی می‌شد از تکیه بر قیاس و مصالح مرسله و نظایر اینها که مورد استفاده اهل سنت بود، خودداری شود. البته اهل سنت بخاطر محروم کردن خود از استفاده از روایات ائمه معصوم به صورتی که شیعه عمل می‌کرد، به ناچار به ادله‌ای مثل قیاس و استحسان و مصالح مرسله پناه می‌برده‌اند.

### \* تفاوت عمده‌ای میان نیازهای عملی شیعیان و سنی‌ها در طول تاریخ وجود داشت

\* اگر علمای اهل سنت به نظرات ائمه توجه می‌کردند، فقه پیشرو و افتخار آمیزی برای اسلام به ارث می‌ماند



رفسنجانی می‌گوید: در این میان تفاوت عمده‌ای میان نیازهای عملی شیعیان و سنی‌ها وجود داشته است. شیعه به خاطر منزوی بودن یا تحت فشار حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس بودن و عدم مسوولیت اظهارنظر در مسایل حکومتی که بیشترین مسایل اجتماعی، سیاسی، قضایی و نظامی را دربر داشته و محدودیت نیازهای اقلیت شیعه به موارد احوال شخصیه و مسایل عبادی، اخلاقی، فرهنگی و نظایر آنها، اجباری در ورود به بخش عمده احکام، وظایف جامعه، حکومت و... نداشته‌اند.

در مورد مسایل جدید در قلمرو وسیع حکومت و سیاست خارجی و بیشتر مسایل اقتصادی، قضایی، امنیتی و نظامی و ابواب معاملات و امور خاص حاکمیتی که علمای سنی باید جوابگوی سوالات و نیازها باشند، معمولاً به علمای شیعه مراجعه نمی‌شد و اگر نظری می‌دادند، چه بسا برعکس آن عمل می‌شد.

طبیعی است که اگر علمای اهل سنت در آن زمان به منابعی مثل نظرات ائمه معصوم توجه می‌کردند، می‌توانستند فقه پیشرو، جامع و افتخارآمیزی برای اسلام به ارث بگذارند. حتی اگر بعد از دوران حضور هم به این فرصت‌ها و منابع توجه می‌کردند، به خاطر نزدیکی به زمان حضور و وجود اسناد معتبر و بیشتر، وضع غیر از آن می‌شد که امروز هست.

هاشمی رفسنجانی در ادامه به تشریح عصر حدیث و شرایط آن زمان می‌پردازد و بیان می‌کند: به هر حال محدثان عالی مقام شیعه در سده اول بعد از غیبت در حفظ، جمع‌آوری، تنظیم و نقادی احادیث شیعه خدمت بسیار بزرگی انجام دادند تا آنجا که فقهای نامدار شیعه و بسیاری از فقهای اهل سنت مدیون تلاش‌های بسیار ارزشمند آنها بوده و هستند و اگر در آن زمان که هنوز اسناد تولید شده زمان حضور در دسترس بود، این خدمت بزرگ و جاویدان انجام نمی‌شد، مطمئناً این فرصت از دست می‌رفت و در دوران‌های بعد امکان دسترسی کامل به وجود نمی‌آمد زیرا در آن زمان که طبع، چاپ و چاپخانه نبوده، تهیه اسناد، متکی به دست نوشته‌های محدود بود و معمولاً در جریان ناامنی‌ها و جنگ‌ها و حوادث، بسیاری از آنها از دست می‌رفت یا در اثر تکرار استنساخ‌ها به خاطر غفلت‌ها یا مسامحه‌ها یا به خاطر نبودن نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری و تشابه حروف و کلمات، تغییرات زیادی رخ می‌داد که از اعتبار اسناد می‌کاهد.

او به مراکز علوم حدیث اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: شهرهای مبارک قم (شیخ طوسی در کتاب «غیبت» آورده است: «شیخ حسین بن روح کتاب «التأدیب» را به قم فرستاد و به فقیهان قم نوشت که این کتاب را ملاحظه و بررسی نمایید و ببینید مطلبی برخلاف نظر شما در آن وجود دارد» -الکنی و الالقاب، مرحوم شیخ عباس قمی، ج ۳، ص ۷۶) و شهر ری (ری در این زمان شهری است آباد با مدرسه‌ها و کتابخانه‌ها و مجمع عالمان و فقیهان و محدثان - مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، سنگی تبریز بدون تاریخ، تهران ۱۲۶۸، ص ۳۹۲) بیشترین سهم را در پایه‌گذاری این نهضت مقدس داشته‌اند. ضمن اینکه بعضی از بزرگان و پیشتران این علوم برای جمع‌آوری اسناد و شنیدن از بزرگان دیگری که احتمالاً حامل اطلاعات اضافی بوده‌اند، به مراکز دیگر هم سفر کرده‌اند.

نیشابور، استرآباد، مشهد مقدس، مرو، سرخس، سمرقند، بلخ، ایلاق، فرغانه، همدان، بغداد، کوفه، مکه، مدینه و... از مراکز هستند که در آن زمان مدرسه و مکتب داشتند و محدث و عالم شیعی یا سنی در آنها وجود داشتند و محدثان بزرگ سعی داشتند از ذخایر آنها بهره بگیرند. (به عنوان نمونه جملاتی که یاقوت حموی درباره اوضاع کتابخانه و مدارس مرو گفته است، قابل تأمل است: «مرو را در سال ۶۱۶ ترک کردم. در آن هنگام در شهر، ۱۰ کتابخانه موقوفه دایر بود که من در دنیا نظیر آنها را از جهت کثرت کتاب‌ها و خوبی نسخه‌ها ندیده بودم. از آن جمله بود دو کتابخانه در جامع مرو، یکی به نام «خزانه العزیزیه»... که در آن ۱۲ هزار کتاب بود. کتابخانه دیگر «خزانه الکمالیه» بود... دیگر کتابخانه «شرف الملک» بود... در مدرسه ابوسعید محمد بن منصور... دیگر «خزانه الکتب» در مدرسه نظام الملک حسن بن اسحاق... و دو کتابخانه از خاندان سمعانی و کتابخانه دیگری در مدرسه «عمیدیه» و کتابخانه

«مجدالملك» ... و كتابخانه‌های خاندان خاتونی در مدرسه ایشان و كتابخانه «ضميريه» - معجم البلدان، ياقوت حموی، بيروت، دارصادر، ۱۳۸۸ هـ ۱۹۶۸ م، ج ۵، ص ۱۱۲)

مرحوم شيخ صدوق از کسانی است که با تحمل مشکلات سفرهای آن زمان به همه مراکز حديث فوق‌الذکر سفر کرده و بهره گرفته است. البته افراد و شخصیت‌های فراوانی در آن خدمت بزرگ سهم داشته‌اند، ولی چند نفر از آنها گوی سبقت را ربوده‌اند و با ایفای نقش بی‌بدیل تاریخی، شایسته نام بردن بیشتر هستند.

او با بیان اینکه در اینجا امکان ذکر نام همه افراد، میسر نیست، به ذکر نام و خدمات چند نفر از این بزرگان اکتفا و در معرفی بزرگان پیشتاز و نامدار محدث بیان می‌کند: از میان خیل عظیم علمای حديث، چند نفر بسیار نامدارند و آثار آنها هنوز مورد استفاده است،

۱- علی بن ابراهیم قمی، متوفای ۳۰۷ هـ.ق، صاحب آثار فراوان و معروف تفسیر و فقه و روایات.

۲- محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، متوفای ۳۲۹ هـ.ق، صاحب کتاب شریف کافی که اساتید و شاگردان این عالم فراوان و دارای آثار گرانبها هستند.

۳- علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، متوفای ۳۲۸ تا ۳۲۹ هـ.ق، پدر شيخ صدوق که دارای بیش از دویست کتاب است و در اکثر ابواب فقه اثر فقهی، روایی، تاریخی و ... دارد.

۴- ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه، متوفای ۳۶۸ هـ.ق، شاگرد کلینی و استاد ابن جنید و شيخ مفید و دارای آثار فراوان از جمله «کامل الزیارات» و کتب فقهی، روایی و تفسیری.

۵- محمد بن علی بن حسین بن موسی بابویه، متوفای ۳۸۱ هـ.ق، معروف به ابن بابویه که دارای آثار گرانقدر و ممدوح اکثر علما و رجالیون است.

۶- شيخ صدوق، سرآمد محدثان و فقهای زمان خود و متوفای سال ۳۸۱ هـ.ق، استاد شيخ مفید و صاحب آثار بسیاری که تا سیدناثر ایشان شمرده شده و بسیاری از آنها مرجع محدثان و فقهاست و کتاب «من لایحضره الفقیه» و «الهدایه» معروفتر از آنند که نیاز به معرفی و ذکر داشته باشند.

### تاریخ اسلام مدیون محدثان و فقهای قرن اول غیبت است

هاشمی رفسنجانی معتقد است که محدثان و فقهای قرن اول غیبت نقش بسیار عظیمی در حفظ و تنظیم و تنقیح اسناد روایی، تفسیری، تاریخی و بنیانگذاری فقهت داشته‌اند و برای حفظ و انتقال اسناد دوره حضور بهترین راویان و امانت‌دارانند و غنای منابع مکتب اهل بیت در تاریخ اسلام مدیون جهادهای علمی این بزرگان است.

## دارا بودن سرمایه عظیم اسناد معارف اهل بیت (ع) زمینه اجتهاد را فراهم کرد

او می‌گوید: با شروع غیبت، کمی بعد از شکل‌گیری دوره محدثان، دوره اجتهاد و تفقه هم شکل گرفت و عوامل مهم آن احساس خلاء حضور ائمه معصوم و دارا بودن سرمایه عظیم اسناد معارف اهل بیت (ع) و بالاتر از آن احساس وظیفه برای جوابگویی به نیازهای شرایط جدید پیروان مکتب اهل بیت (ع) است که در نقاط بسیاری از جهان اسلام به حکومت رسیده بودند. نیازی که قبلاً باعث رشد فقه و اجتهاد اهل سنت شده بود.

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت و گو با خبرنگار شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) درباره اوضاع سیاسی شیعه بعد از غیبت بیان می‌کند: امواج پیشرفت سیاسی، مدیریتی و حکومتی در کنار رشد علمی شیعه در آستانه شروع غیبت و در دوران غیبت صغری و سپس کبری اعجاب‌آور است. در دو قرن اول غیبت، بیشتر بلاد و قلمرو وسیع جهان اسلام تحت اداره دولت‌ها و امرای شیعه درآمد بود. فرق مختلف شیعه اعم از اثنی‌عشری، زیدی، اسماعیلی و ... در بخش‌های مهم جهان اسلام به حکومت رسیده بودند.

او برای نمونه به اداره یا ادرسیان - ۱۷۲ تا ۳۷۵ هجری قمری اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: در اقصی نقاط مغرب جهان اسلام حکومت شیعه زیدی اداره شکل گرفت. ادریس فرزند عبدالله محض و برادر محمدنفس زکیه از اولاد امام حسن مجتبی (ع) پس از شروع دولت عباسی و ادامه غصب حق اهل بیت قیام کرد و شکست خورد و به غرب آفریقا محل فعلی مراکش رفت و در آنجا نهضت شیعی را آغاز کرد و در آستانه پیروزی به شهادت رسید. پیروانش فرزند نوزاد او را ادریس دوم نامیدند و به حکومت برگزیدند. این سلسله ۲۰۳ سال در آن منطقه با فراز و نشیب‌هایی حکومت داشت و حتی شاخه‌ای از آنها در بخشی از آندلس برای مدتی امارت می‌کرد و بخشی از آثار معارف اهل بیت که هنوز در آن منطقه وجود دارد، میراث همین سلسله حکام اداره است.

هاشمی رفسنجانی درباره حکومت علویان طبرستان - ۲۵۰ تا ۴۲۴ هجری قمری بیان می‌کند: در آستانه غیبت صغری در طبرستان حکومت علوی از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) تأسیس شد و علی‌رغم درگیری دائم با صفاریان، طاهریان، سامانی‌ها و بعضی از قدرت‌های محلی توانستند با اقدامات اسلامی و آموزشی و فرهنگی و رفتار خوب با مردم، موقعیت تشیع را در این منطقه بسیار مهم تثبیت کنند و با ایجاد ارتباط با سایر نهضت‌های شیعی به آنها کمک کنند و حتی در عراق به مجاهدان شیعه که سخت تحت فشار حکام بنی‌عباس بودند، کمک می‌فرستادند و باعث تقویت نهضت شیعی در یمن و تأسیس حکومت شیعی آنجا شدند. اکثریت چهارده حاکم علوی طبرستان زیدی مذهب اند و تعدادی هم شیعه اثنی‌عشری در میان آنهاست.

## یمن یکی از نقاط شیعه خیز جهان اسلام است

او در بیان مثال‌هایی برای حکومت شیعیان در تاریخ به حکومت بنی‌رسی - ۲۸۰ تا ۷۰۰ هجری قمری اشاره و اظهار می‌کند: یمن یکی از نقاط شیعه خیز جهان اسلام است. گویا سفر مأموریتی علی (ع) به یمن و تأثیر عمیقی که بر دل‌های مردم یمن به خاطر بروز فضایل ایشان گذاشت، زمینه مساعد فکری شیعی را پایه‌گذاری کرد و دو تیره اسماعیلیه و زیدی‌ها برای حضور در یمن رقابت داشته‌اند، ولی زیدی‌ها سبقت گرفتند. گرچه این رقابت قرن‌ها با فراز و نشیب ادامه داشته و اصولاً به خاطر دوری یمن از مرکز خلافت سلطه خلیفه بر آنجا معمولاً ضعیف بوده است و حتی در آستانه حادثه عاشورا بعضی از صاحب‌نظران به امام حسین (ع) پیشنهاد می‌دادند به جای کوفه به یمن بروند و از تمایلات شیعی مردم یمن و خصوصیات کوهستانی منطقه برای جهاد با بنی‌امیه بهره بگیرند.

یحیی بن حسین از نواده‌های امام حسین(ع) و از مجاهدان به نام زیدیه با بهره‌گیری از مجاهدات ناتمام جدش قاسم الرسی از ائمه مهم زیدیه، توانست در سال ۲۸۰ هجری اولین حکومت شیعی زیدیه را در صعده با بیرون راندن امرای محلی، تشکیل بدهد و به سرعت در بسیاری از نقاط یمن گسترش دهد و با تصرف صنعا دولت نیرومند زیدیه در یمن مستقر شد و تا سال ۷۰۰ هجری ادامه یافت و در تمام این دوره با عوامل خلافت و نیز اسماعیلی‌های فاطمی و امرای محلی زد و خورد داشته و با اقدامات فرهنگی و دینی و توسعه آموزش‌ها و خدمات، امامت و نفوذ امامان زیدی را در یمن استمرار بخشیدند و هنوز هم اکثریت مردم یمن پیرو زیدیه‌اند و در صعده اولین نقطه آغاز دولت علوی زیدی، شیعیان اثنی عشری نفوذ زیادی دارند و در سال‌های اخیر درگیری‌های خونینی با دولت وقت یمن داشته و دارند. روابط امامان یمن با امرای علویون طبرستان و دیلم از موارد مهم نیازمند به بررسی و تحقیق است.

### محبت اهل بیت (ع) در دل‌های مردم مصر پایدار مانده است

او در ادامه به حکومت فاطمی‌ها- ۲۹۶ تا ۵۶۷ هجری قمری اشاره و بیان می‌کند: در سال‌های آخر قرن سوم عبدالله المهدی امام اسماعیلیان حکومت فاطمیان را با بیرون راندن خوارج از تونس، در شمال غرب آفریقا تشکیل داد و این حکومت به تدریج بر مصر، شامات و حجاز مسلط گردید و دولت مقتدری براساس معارف اهل بیت شاخه اسماعیلی و منتسب به حضرت فاطمه زهرا(س) تشکیل یافت. این سلسله حکام شیعی توانستند تمدن عظیمی براساس اسلام و مکتب اهل‌بیت از زاویه دید اسماعیلیه در بخش وسیعی از قلمرو اسلام به وجود آورند و تهدید جدی برای خلافت بنی‌عباس باشند و عاقبت به دست ایوبیان سنی شافعی منقرض شدند. اما آثار فکری و فرهنگی آنها هنوز در این مناطق، بخصوص مصر باقی است و الازهر نهاد مهمی باقیمانده از آن دوره است و محبت اهل بیت در دل‌های مردم مصر پایدار مانده و اخیراً آقای قذافی احیای تمدن اسلامی فاطمیان و پیروی از مکتب اهل بیت را راه نجات مسلمانان خوانده است.

### قرمطیان فرقه‌ای تندخو و خشن بودند

رفسنجانی درباره قرمطیان بحرین، عراق و شام - ۲۵۸ تا اوایل قرن ۵ هجری قمری توضیح می‌دهد: این گروه شاخه‌ای از اسماعیلیان هستند که محمد بن اسماعیل بن جعفر را امام خود و مهدی موعود می‌دانستند و فرقه‌ای تندخو و خشن بودند و افکاری شبیه خوارج، وهابی‌ها و طالبان را دارا بودند. رهبرشان حمدان بن اشعث، ملقب به قرمط گویا از اهالی خوزستان بوده و فعالیت خود را در عراق آغاز کردند و بالاخره توانستند بر بحرین که آن روز خیلی وسیع‌تر از بحرین امروز بود، مسلط شوند و حملات زیادی به حجاز و عراق داشتند و یکبار مکه را غارت کردند و حجرالاسود را به مقر حکومت خود منتقل کردند. در شام هم فعالیت‌های زیادی داشتند. از اواخر قرن سوم هجری تا سال ۴۷۰ دوام آوردند و سرانجام به دست سلجوقیان منقرض گردیدند. رفتار این گروه و همکاری گاه و بی‌گاه آنها با فاطمیون و نفوذی که در دستگاه خلافت داشتند، باعث خشم بیشتر خلفای عباسی نسبت به شیعیان بود و خسارت‌های مهمی از آن رهگذر بر شیعیان وارد شد.

## حمدانیان به خاطر سطح بالای دانش توانستند تفکر اهل بیت (ع) را در منطقه پایدار کنند

او حمدانیان، ۳۱۷ تا ۳۹۴ هجری قمری را یکی دیگر از حکومت‌های شیعی در طول تاریخ معرفی و اظهار می‌کند: حمدانیان حدود نیم قرن حکومت مستقل شیعی اثنی‌عشری در موصل، حلب، شمال عراق و شامات تشکیل دادند و معمولاً با دولت‌های مقتدر آل‌بویه و فاطمی و اخشیدیه درگیر بودند و به خاطر سطح بالای دانش و ادب در مدت کوتاه توانستند تفکر اهل بیت (ع) را در آن منطقه پایدار و ریشه‌دار کنند که هنوز آثار آن در جای جای این منطقه حضور دارد. قبل از تشکیل حکومت مستقل شیعی افراد زیادی از این خاندان در دستگاه خلافت مسوولیت‌ها و مناصب مهمی داشتند. شخصیت‌های کلیدی این دودمان ناصرالدوله و سیف‌الدوله هستند و حکومتشان از اواخر دوران غیبت صغری (۳۱۷ هـ.ق) پایه‌ریزی شد.

## آل بویه با مردم و فرقه‌های دینی با تساهل و تسامح و سعه‌صدر رفتار می‌کردند

هاشمی رفسنجانی، درباره حکومت آل بویه - ۳۳۴ تا ۴۴۸ هجری قمری حکومت تاریخی شیعه می‌گوید: در دهه آخر غیبت صغری دولت آل بویه شکل گرفت. ابتدا عمادالدوله فارس را تصرف کرد و مرکز حکومت آل بویه قرار داد و سپس معزالدوله، برادر او، خوزستان و بغداد را متصرف شد و مرکز خلافت رسمی اسلام با حفظ خلیفه در اختیار او بود و برادر سوم، رکن‌الدوله، اصفهان، ری و بسیاری از مناطق ایران را تحت تسلط درآورد و عملاً مجموعه آل بویه بر بخشی عظیم از قلمرو جهان اسلام استیلا یافتند. شیعه بودن این حکومت مورد اجماع مورخان است. بعضی آنها را اثنی‌عشری و بعضی زیدی می‌دانستند. به طور کلی در برخورد با مردم و فرقه‌های دینی با تساهل و تسامح و سعه‌صدر رفتار می‌کردند و در زمان دولت آنها دانش، علوم و فنون اسلامی در همه رشته‌ها رشد و تکامل خوبی داشته و آثار عملکرد این خانواده ایران را تحت تاثیر مثبت قرار داد و بسیاری از پایه‌های علمی، دینی و فرهنگی مکتب اهل بیت را مستحکم کرد.

او در ادامه به بحث درباره شیعه در مناصب مهم می‌پردازد و به شفقنا می‌گوید: در این دوره مورد بحث علاوه بر حکومت‌های مستقل شیعی که بیشترین پهنه جهان اسلام را در دست داشتند، داخل دستگاه خلافت هم شخصیت‌های نیرومند شیعی در مناصب مهم مصدر امور بودند. از مقام وزارت که در رتبه بعد از خلافت بود، گرفته تا رتبه امیرالامرای و سپس در منصب‌های مهم اجرایی گوناگون چهره‌های برجسته و منتقد شیعه فراوان بودند. هم افراد و هم خانواده‌ها و دودمان‌های شیعه به طور وسیع در مصدر امور مهم قرار می‌گرفتند و در مواردی هم به خاطر سعایت و مورد سوءظن قرار گرفتن، مورد غضب و تصفیه واقع می‌شدند. آل نوبخت و آل فرات ۲ از نمونه‌های مهم خانوادگی همکاری با دستگاه خلافتند که هر دو فامیل در مقام وزارت، امیرالامرای و کارگزاری و سایر منصب‌ها حضور و نفوذ زیادی داشته‌اند.

## محبت‌های ظاهری برخی خلفا به اهل بیت (ع) عامل مهمی در توسعه نفوذ مکتب شیعه بود

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: به ظن قوی وضع نفوذ شیعیان در جوامع مختلف جهان اسلام و گستردگی نارضایتی‌ها در اقوام مختلف کشورها که در قلمرو اسلام قرار گرفته بود و از بدرفتاری ماموران دولتی به ستوه آمده بودند، ایجاب می‌کرد که چهره‌های شاخصی از شیعیان در دستگاه خلافت باشند که باعث آرامش خاطر طرفداران مهم‌ترین جریان مخالف خلافت گردند و به اصطلاح سوپاپ اطمینان

باشند. همانگونه که مأمون با امام رضا(ع) و جمعی از چهره‌های شیعی یا ایرانی عمل کرد و با ایجاد رابطه سببی، خاندان اهل بیت را با بیوت عباسی‌ها بهم نزدیک کرد. علی‌رغم عمق کینه‌ها و احساس خطر از جانب آنها تظاهر به محبت چندتن از خلفا به ائمه اهل بیت مشهور است که خود این محبت‌های ظاهری عامل مهمی در توسعه نفوذ مکتب شیعه بود. گرچه حکام بنی‌عباس انتظار داشتند که نزدیکی رهبران شیعه به حکومت باعث آلوده شدن و کم شدن محبوبیت آنها شود، اما هوشیاری رهبران شیعه و توجیه مردم و به خصوص کم شدن فشارها نتیجه عکس مورد نظر حکام را بار آورد.

### انتشار دانش اهل بیت (ع) یکی از عوامل نفوذ ایشان در سراسر جهان اسلام بود

او با بیان اینکه عوامل مهمی در سه قرن اول تاریخ اسلام نفوذ اهل بیت را در سراسر جهان اسلام عمق بخشیده بود، به تشریح دلایل عوامل محبوبیت اهل بیت (ع) می‌پردازد و آنها را چنین بر می‌شمرد:

۱- حقانیت و صلاحیت‌های واقعی مکتب اهل بیت و وجود چهره‌های فراوانی از سادات و امامزاده‌ها و شاگردان و علاقه‌مندان صالح و مجاهد اهل بیت

۲- انتشار علوم و دانش اهل بیت در سراسر جهان اسلام و در مکاتب گوناگون دینی و علمی کشورهای اسلامی

۳- سوءرفتار عمال حکومت با مردم و فساد مشهود در دربارها و مراکز خلافت که برخلاف انتظار جدیدالاسلام‌ها بود، همزمان با شهرت عدالت‌خواهی اهل بیت(ع)

۴- مبارزه و جهاد بی‌امان اولاد ائمه و نیز شاگردان آنها همراه با شعارها و اهداف حق طلبانه و احساس مظلومیت آنها که معمولاً در طول سه قرن با سرکوب، کشتارهای خونین، حبس‌ها، مهاجرت‌های اجباری، طردها و مصادره‌ها و محرومیت‌های فراوان دیده می‌شد.

۵- سیاست محبت خلفا به ائمه شیعه برای کم کردن نفرت مردم که باعث رفع بخشی از مشکلات دوستان اهل بیت شد و نتیجه معکوس برای مخالفان شیعه داشت.

۶- ظلم دستگاه به اقوام غیرعرب که آنها را شهروند درجه دوم می‌شناختند و تبعیض ناروا بین عرب و اقوام و نژادهای دیگر برخلاف نص صریح قرآن و مخالفت اهل بیت با این تبعیض‌ها

این عوامل و چیزهای دیگر، پیروزی نهضت‌های شیعی و در مواردی ملی مناطق مختلف را آسان کرده بود و حضور چهره‌هایی از ملوک‌الطوایف‌های جهان اسلام در مرکز خلافت را ضروری ساخته بود و در این میان بیشترین نفوذ و قدرت در دو سه قرن بعد از غیبت سهم شیعیان بود و قابل توجه اینکه در دولت‌های گوناگون شیعی بیشترین سهم از بنی‌الحسن و زیدی‌ها بود که حضور و تلاش بیشتری در میدان مبارزه و جهاد داشتند.

## دوره اجتهاد تقریبا همزاد دوره محدثان است

هاشمی رفسنجانی در ادامه درباره عصر فقاہت و اجتهاد بیه شفقنا یان می‌کند: دوره اجتهاد تقریبا همزاد دوره محدثان است. با این تفاوت که محدثان تلاش خود را روی جمع و حفظ و تنظیم احادیث متمرکز کرده بودند و فقها جهادی سخت برای تنظیم علوم فقه آغاز کردند. کاری که اهل سنت به خاطر نیاز و کمبود اسناد روایی قبلا به آن پرداخته بودند و نکته مهم این که به خاطر حاکمیت شیعیان در بخش مهمی از قلمرو اسلام نیاز به احکام حکومتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زیاد شد و همین نیاز فقه‌های شیعه را فعال‌تر کرد و مورد حمایت حکام شیعه قرار داد.

این حرکت از دوران غیبت صغری آغاز شد و در زمان مدیریت شیخ طوسی به کمال رسید. پیش‌تاز این نهضت مقدس ابن ابی‌عقیل، ابومحمد حسن بن علی نعمانی حذاء (۳۲۹م هـ.ق) و سپس ابن‌جنید اسکافی (متوفای ۳۸۱ هـ.ق) هستند و شیخ مفید و سیدمرتضی و بالاخره شیخ عظیم الشان طوسی آن تلاش مبارک را دنبال و تکمیل کردند و مکتب فقاہت شیعه را آن چنان غنی ساختند که به اعتراف دوست و دشمن جامعیتی بالاتر و غنایی عمیق‌تر از فقه اهل سنت پیدا کرد و سرافکنندگی طالبان رونق فقه اهل بیت را تبدیل به سرافرازی نمود.

مرحوم شیخ طوسی در مقدمه کتاب بسیار ارزشمند «مبسوط» آورده «چون امامیه در گذشته تفریح فروع نمی‌کردند و تنها به تبیین حکم موارد نصوص که دست به دست به آنها رسیده بود، قناعت می‌کردند، مخالفان بر آنان طعن می‌زدند.» این کتاب بدان خاطر تصنیف شد تا بدانند شیعه امامیه به برکت احادیث وارده از ائمه می‌تواند تمام مسایل را استنباط کند و نیاز به اعمال قیاس و امثال آن ندارد.

## سر بلند کردن فقه شیعه در کنار فقه عامه از نتایج دوره اجتهاد بود

هاشمی رفسنجانی نتایج مهم دوره اجتهاد را چنین برشمرد:

- ۱- فقه شیعه از صورت نقل قول متون نصوص درآمد و با اعصای استدلال، فروع بر اصول منطبق گردید.
- ۲- علم اصول فقه پایه‌گذاری و نگاشته شد که نمونه مشخص‌تر آن کتاب «الذریعه الی اصول الشیعه» تألیف سیدمرتضی است. گرچه بعضی از مسایل علم اصول در زمان حضور ائمه مورد عمل بود.
- ۳- حکم بسیاری از مسایل که نصوص مستقیما متعرض آنها نشده بود، با استدلال‌های قابل اطمینان بیان شد که نمونه‌های فراوان آن را در «المقنعه» شیخ مفید و «انتصار» سیدمرتضی و ... می‌بینیم.
- ۴- فقهای نام‌آوری چون ابن ابی‌عقیل، اسکافی، شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی درخشیدند و در مکتب پر بار آنها صدها مجتهد و فقیه تربیت شدند.
- ۵- اجتهاد و فقاہت در حدود نیازهای آن زمان به اوج کمال رسید.

- ۶- فقه شیعه در کنار فقه عامه سربلند کرد و مقایسه مزیت‌های فقه اهل بیت، همراه با اصطلاحات و فنون اجتهاد مقدور گردید.
- ۷- فقه مقارن طلوع کرد و موارد اشتراک یا افتراق نظر مکتب‌های اهل سنت و شیعه مشخص که کتاب‌های «مسایل» و «الخلاف» سیدمرتضی و شیخ الطائفه از نمونه‌های خوب آن است و باب مناظره‌های فقهی گشوده شد.
- ۸- علم اصول شامل: عقل و اجماع و ادبیات و عرف و الغاء خصوصیت‌ها و مصلحت به کمک علوم فقهی آمدند و کار استنباط را تسهیل نمودند.
- ۹- کتاب‌های ارزشمند دیگری با استفاده از منابع موجود آن که نزدیک به عصر ظهور بود، تألیف شد که قرن‌ها و تاکنون مورد استفاده حوزه‌های علمیه است.

### سرمایه دانش باعث خلق تمدن عظیم اسلامی شد

#### عمق، وسعت و جامعیت تمدن اسلامی مشابه شناخته شده‌ای در تاریخ ندارد

در ادامه این گفت‌وگو هاشمی رفسنجانی درباره رابطه دین و عقل و نیاز توسعه علوم دیگر بیه شفقنا یان می‌کند: رشته‌های علوم تحت تأثیر نیاز و خواست اسلام و توجه ویژه به عقل و فکر در جامعه اسلامی به رشد بی‌سابقه و افتخارآمیزی دست یافتند و همین سرمایه دانش باعث خلق تمدن عظیم اسلامی شد. تمدنی که عمق، وسعت و جامعیت آن در تاریخ بشر مشابه شناخته شده‌ای ندارد. اما در این میدان، مساله فراتر از بحث مذهبی و فرقه‌ای شیعه و سنی است. در این میدان کلیت استعداد و منابع جهان اسلام به کار رفته و نقش فرقه‌بی در آن کم‌رنگ است.

هاشمی رفسنجانی درباره آزاداندیشی و تمدن اسلامی به شفقنا می‌گوید: در این میدان وسیع هم شکستن طلسم‌های تعصبات و تنگ‌نظری‌ها و در نوردیدن مرزهای جغرافیایی و تاریخی و معتقدات دینی و قومی و نژادی عامل مهم روشن ضمیری و باز کردن آینه دل‌ها در مقابل دست آوردهای سایر اقوام و ملل و نحل و تمدن‌های قدیم و جدید است که عملاً دانش و فن و ادب را از زندان‌های خودساخته تعصبات در آورد و به عنوان میراث و حق کل بشر و کل جهان به آن نگاه شد و این، یک مصداق مهم و بارز برای روشنفکری دینی و آزاداندیشی اسلامی و قرآنی است.

#### اولین پیام آسمانی اسلام، انسان عالم و آشنا به قلم و دانش را محور حرکت قرار داده است

#### اسلام هشدار می‌دهد که انسان انحصارطلب و خودبین باید پاسخ‌گو باشد

او بیان می‌کند: مکتبی که در اولین پیام آسمانی خود انسان عالم و مومن و آشنا به قلم و دانش را محور حرکت خود قرار داده و قیدی و محدودیتی برای انسان در نظر نگرفته است. «اقراء باسم ربك الذی خلق، خلق الانسان من علق، اقراء و ربك الاكرم، الذی علم



بالقلم، علم الانسان مالم يعلم» همانجا هم هشدار می‌دهد که اگر همین انسان دچار خودبینی، انحصارطلبی و تجاوز از حق و حدّ شود، باید در دادگاه خدای خلق پاسخ‌گوی سوءاستفاده از نعمت‌های الهی و کجروی از مسیر حق باشد. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ» استغنی، ان الی ربك الرجعی» همین طغیان‌هاست که انسان‌ها را از دیدن حقیقت باز می‌دارد و عقل و فکر او را در محدوده تنگ تعصبات اسیر می‌کند و باعث محرومیت خود و دیگران از شناخت و عمل به حق می‌شود و ایمان واقعی عامل تحقق این بخش است.

او ادامه می‌دهد: آری تحت تأثیر تعلیمات قرآن و دستور تفکر در آسمان‌ها، زمین، دریاها، موجودات و... و استخراج دفینه‌های عقلانی توسط پیغمبر(ص) و بروز نیازهای جامعه بزرگ اسلامی، نهضت علمی همراه با آزاداندیشی و بکارگیری عقل و خرد فردی و جمعی آغاز شد و با فرمان حیات‌بخش «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ» و ستایش از ملتی غیرعرب (ایرانی) که اگر علم را در ثریا هم سراغ داشته باشند، آن را به زمین می‌کشاند، امواج خروشان دانش در اقیانوس عظیم جهان اسلام بروز کرد.

رفسنجانی در ادامه نهضت ترجمه را تشریح و بیان می‌کند: ترجمه آثار تمدن‌های دیگر در دوران بنی‌امیه محدود به نیازهای ضروری عمدتاً درباری بود ولی در زمان بنی‌عباس و در عهد صادقین (ع) هم نهضت ترجمه آثار علمی زبان‌های دیگر وسعت گرفته و با تأسیس بیت‌الحکمه توسط منصور دوانقی \_ که خود تقلید و اقتباس خوب از ابتکار انوشیروان و سلسله ساسانیان ایران است \_ و فراخوان علما و ادبای زبان‌دان و تشویق‌های بجا نهادینه شد. جالب اینکه آثار ممتاز علمی از تمدن‌های هند، ایران، یونان، روم، مصر و چین از زبان‌های هندی، پهلوی، قبطی، سریانی، یونانی و... به سرعت به عربی ترجمه می‌شد و در اختیار دانش‌پژوهان قرار می‌گرفت و همزمان کتابخانه‌های جامع و منظم شکل می‌گرفت.

### فتنه عالم سوز مغول سرمایه‌های ارزشمند عصر ترجمه و تولید علم را نابود کرد

او با بیان اینکه مراکز خلافت در بغداد، مصر و اندلس مسابقه‌ای در جذب مترجمان و تأسیس کتابخانه‌های وسیع و جامع و جذب دانشجویان داشتند می‌افزاید: خوشبختانه آثار ارزشمندی در معرفی این کتاب‌ها و نویسندگان و مراکز آنها موجود است و از پیشستانان این تاریخ نگاری به کتاب‌های ارزشمند «الفهرست» نوشته ابن‌ندیم و «طبقات الاطباء»، «اخبار العلماء»، «اخبار الحکما» نوشته ابن‌ابی‌اصیبعه و «تاریخ الحکماء» نوشته ابن قفطی اشاره می‌کنم. تشویق و اقدام به ترجمه، تمامی رشته‌های علمی مورد نیاز را دربرمی‌گرفت و از میان آنها فلسفه، نجوم، ریاضی، پزشکی، جغرافیا، ادبی، هندسه، تاریخ نگاری، شیمی و مکانیک مورد توجه بوده است. دوران شکوفایی ترجمه حدود دو قرن دوام یافت و سرانجام با اشباع فضای علمی از آثار موجود دیگران و شروع تألیفات تحقیقی مشابه یا بهتر در داخل مراکز علمی اسلامی و جذب و هضم بسیاری از مراکز علمی تمدن‌های دیگر در داخل قلمرو جهان اسلام، نهضت ترجمه از رونق افتاد و جای خود را به نهضت تولید علم همراه با تحقیق داد. گرچه بیت‌الحکمه و کتابخانه‌های زاینده از آن تا آغاز حمله و غارت مغول ادامه داشت، متأسفانه حمله، غارت و فتنه عالم سوز مغول بسیاری از این سرمایه‌های ارزشمند را منهدم و نابود کرد.

آیت الله هاشمی رفسنجانی با تحلیل نحوه شکوفایی تمدن اسلامی و تأکید بر اینکه «مسلمانان تا زمانی که سعه صدر داشتند مرکز جذب دانش و تولید علم و فن بودند»، درگیری و جنگ‌های داخلی را موجب فرسایش جهان اسلام می‌داند و می‌گوید: وقتی تنگ‌نظری‌ها و تعصبات بخشی در جهان اسلام جای سعه‌صدر را گرفت، مجالس مناظره به هتاک، حذف و تکفیر تبدیل شد. او معتقد است: اگر عوامل انحطاط درونی نبود، جهان اسلام فشار مغول و جنگ صلیبی را به نفع خود پایان می‌داد.

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت وگویی خود با شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) ضمن تحلیل دلایل توسعه نیافتگی در کشورهای اسلامی با نگاهی تاریخی به تحلیل روند رشد مسلمانان و غرب می‌پردازد و درباره عصر پژوهش و نهضت تولید دانش بیان می‌کند: هماهنگ با رشد نهضت ترجمه، تحقیق و تولید علم با کمی عقب‌تر از ترجمه‌ها شکل می‌گرفت. نیاز جامعه و جذب دانشمندان غیرعرب در کلیت جهان اسلام فاصله تمدن‌ها را کم کرد و زبان‌های عربی و پهلوی و قبطی هم خودی به حساب می‌آمدند. گرچه باتوجه به اصالت زبان عربی و غنای آن و زبان رسمی حکومت بودن آن، ترجیح در انتخاب زبان پژوهش‌ها با زبان عربی بود.

در بحث‌های اصلی علوم روز از قبیل حدیث، فقه، اصول، منطق، عرفان، فلسفه، ریاضیات، پزشکی، نجوم، شیمی، فیزیک، مکانیک، ادبیات، تاریخ، جغرافیا، منطق و رشته‌های ریزتر زیرمجموعه‌های این علوم نهضت نیرومند، ریشه‌دار و آینده‌نگر تحقیقات جریان داشت و طبیعی است که سرعت کار پژوهش به سرعت کار ترجمه نمی‌رسد و آثار تحقیقات معمولاً چنددهه دیرتر از آثار ترجمه شهرت یافت.

او یکی از ویژگی‌های کار تحقیقات آن زمان را پراکنده شدن آن در بخش‌های مختلف جغرافیای جهان اسلام می‌داند و می‌گوید: آن زمان مراکز تحقیقی به تناسب سوابق علمی در منطقه و با توجه والیان هر منطقه شکل می‌گرفت. در مکه، مدینه، بغداد، کوفه، بصره، شام، مصر، جنوب ترکیه امروز، قم، ری، نیشابور، استرآباد، بلخ، سمرقند، بخارا، خوارزم، همدان، مشهد، اصفهان، فارس و خیلی از مناطق دیگر حوزه‌های بزرگ یا کوچک با محوریت دانشمندان همان حوزه فعال بودند.

## در گذشته حکام مناطق در جذب دانشمندان رقابت می‌کردند

هاشمی رفسنجانی به شفقنا می‌افزاید: علی‌رغم مشکل ارتباطات در آن زمان، تأثیر و تأثر فکری در این حوزه‌های متفرق کم نیست و سفرهای علمی برای گرفتن یا دادن دست‌آوردها در حال انجام بوده و معمولاً مسابقه‌ای هم بین حکام مناطق در جذب دانشمندان و ایجاد فضاهای محاوره و مناظره‌های تماشایی بین بزرگان علم و ادب رواج داشته است.

طبیعتاً علوم دینی شامل تفسیر، حدیث، فقه، اصول، کلام و عرفان با استفاده از منابع کتاب و سنت و ارتباط با علمای دینی ادیان دیگر، توسعه‌ای پیش از سایر علوم داشته‌اند که بخشی از آن را قبلاً آوردیم و در همه زمینه‌های فوق‌الذکر دانشمندان عرب، عجم، مسلمان، مسیحی، یهودی، زرتشتی و گاهی ملحد همان منطقه فعال بوده‌اند.

او با بیان اینکه مینا و محور علوم فلسفی، فلسفه یونان و عمدتاً آثار ارسطو، افلاطون و ... بوده که از ترجمه آثار آنها بهره می‌گرفته‌اند و کم‌کم نقدها و نوآوری‌ها و شرح و بسط‌ها تا حدودی به فلسفه شکل اسلامی و بومی داد بیان می‌کند: بزرگانی چون محمدبن زکریای رازی و ابوالنصر محمدبن محمد فارابی و حکیم عظیم‌القدر ابن سینا و ده‌ها فیلسوف پرآوازه مسلمان عرب و عجم در قرون سه و چهار و پنج هجری در توسعه فلسفه که آن زمان شامل بسیاری از علوم بود، فعال بودند و نوآوری‌های زیادی داشتند.

تا آنجا که ابن سینا به این نتیجه رسیده بود که با بهره‌گیری از نوآوری‌ها و منابع شرقی، فلسفه شرق را در مقابل فلسفه رایج آن زمان که متکی به فلسفه غرب بود، علم‌کند و یادداشت‌های زیادی برای آن تألیف خود که تحت عنوان «الحکمه المشرقیه» جمع‌آوری شده، آماده کرده بود و متأسفانه گویا در حمله افغانه غزنوی به اصفهان از دست رفته و بعداً توفیق جمع‌آوری مجدد آنها را به دست نیاورد.

در کنار فلسفه، علم منطق هم نظم و جایگاه مناسب خود را در حوزه‌های علمی پیدا کرد. اگرچه اصل منطق از فطریات بشر است و همیشه متدی و شیوه‌ای برای ابلاغ نظرها بوده، ولی سازماندهی آن با ارسطو شکل گرفته و علمای بزرگ اسلامی نظیر ابن مقفع، ابن سینا، فارابی و خواجه نصیرالدین و صدرالمتهلین آن را تکمیل کرده‌اند.

### ایرانی‌ها پیشتاز توسعه ریاضیات و تلفیق معناداری بین اندوخته‌های ایرانی، هندی و یونانی شدند

هاشمی رفسنجانی درباره رشد مسلمانان در علم ریاضیات می‌گوید: گرچه اعراب به خاطر ساده بودن شیوه و سبک زندگی، احساس احتیاج به فرمول‌های پیچیده ریاضی نمی‌کردند، اما با توسعه قلمرو اسلام و سر و کار پیدا کردن با تمدن‌های زمان، توجه ویژه به علوم ریاضی پدید آمد. در این میان ایرانی‌ها پیشتاز دریافت و توسعه علوم ریاضیات و تلفیق معناداری بین اندوخته‌های ایرانی، هندی و یونانی شدند. تعداد مدارس و مراکز و دانشمندان ریاضی قلمرو مسلمین از حد قابل شمارش در یک مقاله برون است و ابداعات و نوآوری‌های مسلمانان و غیرمسلمانان در قلمرو جهان اسلام بسیار زیاد است.

او اشاره می‌کند: از دانشمندان پیشتاز این علوم احمدبن عبدالله مروزی و ابوعبدالله محمدبن موسی خوارزمی و ابوالحسن ثابت بن قره بن زهرون حرانی صاحب ده‌ها تألیف و ترجمه در علوم و فنون ریاضی و ابونصر محمدبن طرخان فارابی ملقب به معلم ثانی فیلسوف و ریاضی‌دان و ابوالوفاء محمدبن یحیی بن اسماعیل ابن عباس بوزجانی و دهها دانشمند نام‌آور دیگر هستند و ابداعات مسلمانان در این علم آنقدر زیاد است که اصل متون ترجمه شده را تحت الشعاع قرار داده است، از قبیل: ابداع روش‌های جدید برای یافتن پاسخ‌های عددی معادلات درجه ۲ و ۳، اصلاح شیوه عددنویسی هندی، ابتکارات در حیطة علم مثلثات، تکمیل حساب دستگاه اعشاری، تأسیس کسره‌های اعشاری، ایجاد مفاهیم جدید در تئوری اعداد، ایجاد علم جبر و خیلی ابداعات دیگر.

هاشمی رفسنجانی با اشاره به پیشرفت در طب و پزشکی بیان می‌کند: علوم پزشکی جزو اولین علوم بود که جهان اسلام بر اساس داده‌های پزشکی ایران، هند و یونان آن را شکل و سپس بخوبی توسعه داد. نیاز فرد فرد جامعه و سفارش‌های صریح پیغمبر(ص) و ارزش دادن به این دانش در کنار دانش دینی، زمینه توسعه این بخش از علوم را فراهم کرد.

گرچه در دوران نهضت ترجمه بیشتر به ترجمه آثار پزشکی قناعت می‌شد، اما با شکل‌گیری مراکز تحقیق، تدریس و تألیف، مسلمانان در این بخش ابداعات بسیار مهمی تقدیم بشریت کردند و دانشنامه‌های جامع و تک‌نگاری‌های محققان، دایره‌المعارف ارزشمندی را در افتخارات علمی طب اسلامی ثبت کرد. در آن میان علمای دینی و محدثان هم منابع خوبی از روایات و توصیه‌های پیغمبر(ص) و ائمه(ع) جمع‌آوری کردند و اسم آن را طب‌النبوی یا طب ائمه گذاشته‌اند.

### ۴ دایره‌المعارف پیشتاز جهان اسلام هنوز هم از افتخارات تاریخی مسلمانان هستند

او ادامه می‌دهد: چهار دانشنامه یا دایره‌المعارف معروف و پیشتاز جهان اسلام هنوز هم در مراکز علمی جهان از افتخارات تاریخی مسلمانان به شمار می‌روند:

۱- آثار پزشکی محقق برجسته قرن سوم، ابوالحسن علی بن سهل ربی طبری که چه فردوس الحکمه و چه مجموعه آثار پزشکی دیگر از منابع مهم تحقیق و آموزش آن زمان شد.

۲ و ۳- کارهای کم نظیر ابوبکر محمدبن زکریای رازی (۲۵۱ - ۳۲۰ ه.ق) گام بلند و بزرگی در پیشبرد فنون و علوم پزشکی مسلمانان است.

کتاب المنصوری فی الطب که نوشته خود اوست و مجموعه الحاوی که بعد از مرگ او توسط شاگردانش با جمع‌آوری نوشته‌ها و گفته‌ها و عمل او شکل گرفت، دایره‌المعارف بزرگی را خلق کرد.

۴- چهارمین دایره‌المعارف پزشکی مسلمانان کتاب معروف القانون فی الطب نوشته ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ ه.ق) است.

این دانشنامه‌ها و موارد فراوان تک‌نگاری‌ها که معمولاً در یک موضوع از قبیل آبله، سرخک، قولنج، قلب، مثانه و ... هستند، با ترجمه‌های متعدد و شرح‌های فراوان سرمایه علمی جهان غرب و پایه و اساس پیشرفت‌های معجزه‌آسای امروزی شده است. شاخه‌های مهم پزشکی مثل داروشناسی، جراحی، طب بالینی، فیزیولوژی، تشریح بیمارستان، روان پزشکی، ضدعفونی و ... در بخش طب جهان اسلام شاهد نوآوری‌ها و پیشرفت‌های ستایش‌آمیز و غیرقابل انکار است.

هاشمی رفسنجانی به پیشرفت‌های مسلمانان در علم نجوم نیز اشاره و بیان می‌کند: علم نجوم به خاطر عقایدی که از قدیم درخصوص تأثیرات حرکات فلکی بر سرنوشت بشر و موجودات وجود داشته، مورد علاقه حکام وقت بوده و از منجمان در برنامه‌های کاری خود بهره می‌گرفتند و به همین جهت در سطح ممکن هر زمان رونقی داشته است.

در تاریخ اسلام با ترجمه کتب و آثار یونانی و ایرانی هیات بطلمیوس محور کار بود و چون اساس این نظریه را محوریت زمین در حرکت کرات آسمانی تشکیل می‌داد، پیشرفت‌ها هم خالی از اشکال نبود، گرچه به صورت موردی در محاسبات نجومی دریافت‌های ارزشمندی داشتند.

### تغییر تئوری‌های «پیش کوپرنیکی» از بت‌شکنی دانشمندان اسلامی به وجود آمد

الفزاری، خوارزمی، مروزی و بسیاری از دانشمندان نجوم آثار ارزشمندی در این رشته خلق کرده‌اند و سرانجام ابوعبدالله محمدبن جابر بن سنان رقی حرّانی بتانی اخترشناس و ریاضی‌دان مشهور قرن سوم هجری قمری توسعه کم‌سابقه‌ای در علوم هیات به وجود آورد و نوآوری‌های زیادی را وارد میدان دانش نجوم کرد که حق بزرگی بر اخترشناسان و دانش اخترشناسی دارد. تا آنجا که محققان تاریخ، کوپرنیک، تیکوبراهه، کپلر، گالیله و ریچارد دانژن انگلیسی را تحت تأثیر نوآوری‌های بتانی می‌دانند و قابل توجه اینکه به خاطر شروع نقد و ایجاد تردید توسط علمای اسلامی در نظریه بطلمیوسی راه ایجاد انقلاب در علوم ستاره‌شناسی و حرکات فلکی قدیم باز شد و تغییر تئوری‌های «پیش کوپرنیکی» از همین جریان بت‌شکنی و طلسم‌زدایی دانشمندان شجاع اسلامی به وجود آمده است.

او همچنین به انباشت‌های علمی دانشمندان مسلمان در فیزیک و مکانیک اشاره و بیان می‌کند: دانش فیزیک و مکانیک در طبقه‌بندی علوم جهان اسلام در ردیف‌های آخر علوم قرار داشتند و پایه و اساس آنها از موجودی این دانش در خاورمیانه، مصر، شامات، یونان، روم و ایران شروع می‌شود و چاشنی داده‌های خاور دور هم به آن اضافه می‌شود.

مورخان می‌گویند: رونق علوم مکانیک در جهان اسلام توسط بنوموسی شاکر در بغداد آغاز شد و در اول قرن هفتم توسط جزری در دیار بکر به اوج رسید و در میان این دو تاریخ، دانشمندان زیادی چون خازنی، بیرونی، ابن سینا، ابن هیثم، قرطبی و ... نقش ایفا کرده‌اند.

اعراب این دانش را به عنوان «علم الحیل» معرفی کرده‌اند، چون شیوه و ابزار کار در بخش‌های موردنظر را فراهم می‌آورد و انجام کار را آسان می‌کرد. در این علم که عمدتاً کاربردی و تا حدودی تئوریک بود، رشته‌هایی از سایر علوم زمان مورد استفاده بوده‌اند.

### شیمی دانشی با پرونده‌ای پر رمز و راز در جهان اسلام

هاشمی رفسنجانی درباره علم کیمیا (شیمی) با بیان اینکه «این دانش پرونده‌ای پر از رمز و راز دارد» بیان می‌کند: مدت طولانی از تاریخ خود گرفتار افکاری غیرقابل تفسیر و توجیه بود که تأثیر و تأثر در مواد و بخصوص کانی‌ها و بالاخص فلزات را در سایه دخالت روح و موجودات مرموز آسمانی می‌دانسته‌اند و به همین جهت دستمایه سوءاستفاده شیادان و گاهی هم افراد مؤمن و خوش‌باور بوده و اکسیری را دنبال می‌کردند که فلزات را به ارزشمندترین نوع آن مثلاً طلا تبدیل کند. گویا اولین کسی که این علم مهم را از این مخمصه نجات داد، جابر بن حیان شاگرد زبردست امام صادق(ع) است. ایشان جنبه‌های خرافی یا رمزی را ندیده گرفته و همت خود را روی کشف آثار ترکیب مواد کانی، گیاهی و ... گذاشته و دست‌آوردهای خوبی هم داشته و از راه تقطیر مایعات، محصولات و معلومات ارزشمندی برای بشر به ودیعه گذاشت. جابر در عین حال جنبه‌های راز و رمزی و ارتباطات معنوی و تأثیر و تأثر افلاکیان و مواد زمینی را هم در نظر داشت.

اما کار بزرگتر را دانشمند پُرآوازه اسلامی، پزشک، ریاضی‌دان و اخترشناس زکریای رازی کرد. او از رمز روحانی کیمیا صرف‌نظر کرد و کار را روی بعد مادی آن متمرکز کرد و در جریان کارهای آزمایشگاهی کیمیاگری، بخشی از نورچشم خود را از دست داد و ترجیح داد از راه دانش شیمی به راه دانش پزشکی برود. دانشمندی چون فارابی، ابن سینا، خوارزمی عراقی و نهایتاً کاشانی و جنیدی در این راه نوآوری کردند و سرمایه‌ای برای انقلاب علمی دانش شیمی در اختیار محققان غربی قرار دادند و امروز آن دانش کیمیاگر عصای دست و نردبان ارتقای صنعت و توسعه و رفاه بشری است.

او درباره سایر علوم یادآوری می‌کند که همه آنچه مسلمین از انواع علوم انسانی، پایه، طبیعی، پزشکی، ریاضی و نجوم گرفته و توسعه دادند، در این موارد خلاصه نمی‌شود. در رشته‌هایی مثل تاریخ، جغرافیا، کشاورزی، ادبیات، شعر و نثر عربی و غیرعربی که عمدتاً در حوزه‌های جامع علمی تحقیق و تدریس می‌شود و اوج و حضيض هم داشته، در کارنامه علمی و عقلی اسلام جای دارند که در این مقال فرصت پرداختن به آنها نیست.

## آزاداندیشی مسلمانان ریشه در تعلیمات قرآن و سنت دارد

### اهتمام به عقل و فکر و توجه به نظرات دیگران روحیه مهم مسلمانان بود

هاشمی رفسنجانی در ادامه با اشاره به تمدن اسلامی به تحلیل و تشریح آثار آزاداندیشی اسلامی می‌پردازد و به شفقنا می‌گوید: مجموعه آنچه از دست‌آوردهای علمی و فنی در دو سه قرن بهار تمدن اسلام آورده شد، محققاً ریشه در آزاداندیشی مسلمانان دارد و خود آزاداندیشی‌شان هم ریشه در تعلیمات قرآن و سنت دارد که نمونه‌های آن در اهتمام به عقل و فکر و توجه به نظرات دیگران و تشویق اقتباس است «فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» و «اطلبوا العلم ولو بالصین».

### مسلمانان تا زمانی که سعه صدر داشتند مرکز جذب دانش و تولید علم و فن بودند

او می‌افزاید: تا این سعه صدر و این روحیه مهم اسلامی ادامه داشت، مسلمانان مرکز جذب دانش و دانشمندان و تولید علم و فن بودند و تمدنشان در حال ارتقا و تعمیق بود و قدرتی دیگر در جهان وجود نداشت که هم‌سنگ و رقیب آنها باشد.

## درگیری و جنگ‌های داخلی، جهان اسلام را دچار فرسایش کرد

### وقتی تنگ‌نظری جای سعه صدر را گرفت، مجالس مناظره به هتاک، حذف و تکفیر تبدیل شد

هاشمی رفسنجانی در ادامه تحلیل می‌کند: این میراث عظیم اسلامی رفته رفته دچار طمع خودخواهان و میراث‌بران طماع در بخش‌های مختلف جهان پهناور اسلام شد و رقابت‌ها و سپس کشاکش‌ها آنهم نه در توسعه علوم، بلکه در سلطه بر خاک و مصادره دست‌آوردها شکل گرفت. درگیری و جنگ‌های داخلی، جهان اسلام را دچار فرسایش کرد و تنگ‌نظری‌ها و تعصبات بخشی جای سعه صدر و تحمل نظرات را گرفت و مجالس سازنده محاوره و مناظره تبدیل به هتاک، طرد، لعن و سپس حذف و تکفیر و کشتار شد. مجموعه بالنده جهان اسلام در اثر نزاع‌ها و فرسایش نیروها آنچنان ضعیف شد که مورد تجاوز، غارت، چپاول، قتل عام و انهدام یک قوم کوچک بیابانگرد به نام مغول قرار گرفت و پاره پاره و پایمال شد.

### اگر عوامل انحطاط درونی نبود، جهان اسلام فشار مغول و جنگ صلیبی را به نفع خود پایان می‌داد

او در ادامه تشریح کرد: فتنه مغول در دوران ادامه جنگ‌های صلیبی پیش آمد که جهان اسلام از دو سو تحت فشار قرار داشت و اگر عوامل انحطاط درونی نبود، می‌توانست هر دو تهاجم را به نفع خود پایان دهد. یعنی خیلی بهتر از آن چه که بعدها شد که مغول در فرهنگ نیرومند اسلام هضم شد و صلیبی‌ها تسلیم یا مسلمان شدند و ماندند یا با کوله‌باری از معارف اسلامی برگشتند که سرانجام یکی از عوامل حیات علمی و عملی غرب شدند.

هاشمی رفسنجانی در یک جمع‌بندی کوتاه بیان می‌کند: خیلی روشن است که امت اسلامی با هدایت قرآن و سنت توانست در مرکز جغرافیای این کره خاکی رسالت عظیم تمدن‌سازی اسلام را انجام دهد. ابتدا با جذب آثار ارزشمند تمدن‌های کهن شرق و غرب و خاورمیانه و با معیارهای اسلامی، تمدنی جدید، قوی، بالنده و با ترکیبی از معنویت و مادیت بسازد و این معجون شفابخش را حراست کند و سپس از این تمدن و این شجره طیبه که ریشه در اعماق تاریخ و ادیان آسمانی و تمدن‌های کهن داشت، شاخ و برگ به سراسر جهان بگستراند و اسلام به عنوان بهترین امانت‌دار تاریخ با جمع‌آوری ارزش‌های دینی و انسانی گذشته و جمع، پرورش، اصلاح و خالص کردن آن، زمینه رشد و ارتقا را فراهم کند و سپس به تدریج انوار آن خورشید تابناک را به سایر اقالیم جهان بفرستد.

او می‌افزاید: علی‌رغم همه نشیب و فرازها، اسلام همچنان از ابعاد انسانی و معرفتی و جغرافیایی به پیش می‌رود و امروز بیش از یک چهارم نفوس بشر و حدود یک سوم از کشورهای مستقل و ارزشمندترین نقاط ژئوپولیتیک جهان و نزدیک ۲۰٪ تولید ناخالص کره خاک را در اختیار دارد. اما پراکنده و گاهی متعارض است و آرزو داشتیم و هنوز داریم با تأسیس دولت اسلامی بر پایه مکتب اهل بیت و اسلام ناب در مناسب‌ترین نقطه کره زمین، بار دیگر اسلام نقش واسطه‌امین و امانت‌داری را در ارتقای تمدن بشر با چاشنی عرفان و انسانیت قرآن به عهده بگیرد.

### همزمان با سیر نزولی تمدن اسلامی، دنیای غرب از خواب قرون وسطایی بیدار می‌شود

او در ادامه گفت و گو با شفقنا در بیان آنچه همزمان با نزول تمدن اسلامی در غرب رخ داد، به بیداری غرب در آن مقطع اشاره و بیان می‌کند: همزمان با جریان قوس نزولی تمدن اسلامی، دنیای تباه شده غرب رفته رفته از خواب هزارساله قرون وسطایی خود بیدار می‌شد و کم‌کم جرقه‌هایی در دنیای تاریک تفتیش عقاید و افکار بسته و عقل‌های به زنجیر کشیده سوسو می‌کرد و آنهم در اثر برخورد با آثار تمدن بزرگ اسلامی و درخشش انوار علم و فن و توسعه و پیشرفت مسلمانان تابش انوار خورشید تمدن قرآنی مسلمین بود که در نقاط محدود تماس جامعه خفته غرب با جامعه تکامل یافته اسلامی بعضی از چشمان نیمه باز را خیره می‌کرد و آنها را به دنبال منشاء این رعد و برق می‌کشاند.

هاشمی رفسنجانی توضیح می‌دهد: علاوه بر ارتباطات معمول عمومی آن زمان، سه نقطه مهم از قلمرو اسلام مرکز تماس طولانی غربی‌ها بود که آنها را با پیشرفت مسلمانان و تمدن اسلامی که در مقایسه با وضع مغرب زمین بسیار عالی بود، آشنا کرد:

۱- آندلس (اسپانیای امروز): شهر قرطبه مرکز مهم خلافت اسلامی به گونه‌ای پیشرفته بود که قابل مقایسه با بغداد آن روز بود و از سراسر جهان اسلام دانش و کتاب جذب می‌کرد و مورخان می‌گویند در کتابخانه قرطبه هشتاد هزار نسخه ارزشمند وجود داشت. مسیحی‌ها و مسلمانان معاشرت همه‌جانبه داشتند و چیزهای زیادی از مسلمین آموختند. و نیز شهرهای دیگر مانند طلیطله و ...

۲- شامات: در این منطقه در اثر سفرهای زیارتی غربی‌ها و جنگ‌های صلیبی، تماس مسلمانان و مسیحیان و یا شرق و غرب در طول تقریباً دو قرن باعث شد که غرب به عظمت تمدن اسلامی پی ببرد و با همه خسارات و تلفاتی که داشتند، سرانجام با پیروزی مسلمین، باقیمانده آنها سرافکننده برگشتند، ولی ارزیابی‌های محققان می‌گوید: «ارزش آنچه غربی‌ها از مبانی و دست‌آورد تمدن اسلام یاد گرفتند و به غرب بردند، از خاک فلسطین که هدف مهم جنگ‌های صلیبی بود، بیشتر است.»

۳- جزایر مدیترانه و بخصوص جزیره سیسیل که مسلمانان در آنجا تمدنی مثال‌زدنی ساخته بودند و سپس این جزیره پلی برای انتقال تمدن اسلامی به غرب و مرکزی برای آموزش مسیحیان شد.

### آگاهی و نجات از ظلمات قرون وسطی و تفتیش عقاید، از طریق ترجمه آثار اسلامی حاصل شد

به غیر از این سه نقطه مهم تماس و تعامل، در قرون بعد پیشرفت خلفای عثمانی از ترکیه به عمق بالکان و تا مرز اتریش و اختلاط وسیع مسلمانان و غربی‌ها در این منطقه، برای انتقال تمدن اسلام فرصت مهمی پیش آورد. خود غربی‌ها بخش‌های زیادی از دست‌آوردهای مسیحیان از نقاط تماس با مسلمین را در نوشته‌هایشان آورده‌اند و اعتراف دارند که بنیان تمدن جدید غرب بر دست‌آوردهای علمی و فنی مسلمانان استوار است و از طریق ترجمه آثار دانشمندان اسلامی و تدریس آنها در مدارس و دانشگاه‌های اروپا، نهضت و جنبش تولید علم و آگاهی و نجات از ظلمات دوران قرون وسطی و تفتیش عقاید به دست آمد که نمونه‌هایی را در زیر می‌آوریم:

### ترجمه - فرهنگستان

جالب توجه اینکه غرب برای اقتباس از تمدن اسلامی همان راهی را که مسلمانان برای اقتباس تمدن‌های ایران، هند، چین، مصر، روم و یونان در پیش گرفتند، انتخاب کرد. مسلمانان تحت عنوان بیت‌الحکمه، دارالترجمه‌هایی تأسیس کردند، اروپایی‌ها هم برای استفاده از تمدن اسلامی متوسل به ترجمه و تأسیس دارالترجمه شدند.

گذشته از ترجمه‌های موردی و نادر که معمولاً در هر زمانی روی می‌دهد، نهضت ترجمه آثار عربی به زبان لاتین و سپس اسپانیایی و رومی در قرن چهارم هجری آغاز می‌شود و به سرعت اوج می‌گیرد.

مورخان اسقف ژربر اوورنی (۱۰۰۳ - ۹۳۸ میلادی) را از پیشتازان مؤثر نهضت می‌دانند و چون این اسقف در سال ۹۹۹ میلادی به عنوان سیلوستر دوم به مقام پاپی رسید، توانست نقش مهمی در توسعه ترجمه ایفا نماید. به دستور سیلوستر سه مدرسه برای آموزش و ترجمه آثار عربی به لاتین در فرانسه و ایتالیا تأسیس شد.

بعدها «رابرت چستری» ریاضی‌دان و مترجم و اخترشناس انگلیسی ترجیح داد که به ترجمه قرآن بپردازد که محققان به سند اصلی تمدن اسلام دسترسی پیدا کنند. کنستانتین آفریقایی که در ترجمه آثار عربی نقش برجسته داشته، توجه ویژه‌ای به علوم پزشکی مسلمانان داشت و باعث شناخته شدن عمق طب مسلمانان شد و گویا تعداد آثار ترجمه شده توسط او از هفتاد اثر بیشتر است.

در این دوره ابتدایی نهضت ترجمه عملاً آثاری از فلسفه، ریاضی، هندسه، نجوم، موسیقی و ادبیات عرب در اختیار دانشجویان و محققان غربی قرار گرفت و بخاطر رواج این نهضت بسیاری از آثار مهم مسلمانان ترجمه‌های متعدد یافتند. مثلاً کتاب ارزشمند «المنصوری» با شانزده ترجمه و با شرح و تفسیر در اروپا رواج یافت.



## فرهنگستان

دوره دوم ترجمه آثار اسلامی توسط الفونسوی دهم (۸۴ - ۱۲۵۳ میلادی) آغاز شد. او با اقتدا به نهضت بیت‌الحکمه مسلمانان، نهادی تحت عنوان «فرهنگستان» تأسیس کرد و در این دوره ترجمه به زبان‌های اسپانیایی و رومی و بیشتر به زبان لاتین توجه می‌شد.

نقطه جالب اینکه قرون وسطی آنچنان غرب را از گذشته خودشان هم بیگانه کرده بود که برای دریافت آثار روم و یونان قدیم هم به ناچار از برگرداندن آثار عبری بهره می‌گرفتند و مثلاً آثار ارسطو، افلاطون، سقراط و جالینوس را با ترجمه از زبان عرب به زبان‌های لاتین، اسپانیولی و رومی منتقل می‌کردند و در ادامه کار بسیاری از آثار مهم مسلمین تقریباً به تمامی زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده‌اند و بعضی از آنها مثل قانون ابن سینا چندین بار ترجمه شده است. جالب اینکه همین کتاب «قانون» و کتاب «ذخیره خوارزمشاهی» در طب به زبان عبری هم ترجمه شده است.

در حوزه سیسیل هم توسط «سالزیورو» مرکز ترجمه تأسیس گردید که ایتالیا و سواحل مسیحی‌نشین مدیترانه را تغذیه می‌کرد. در این مراکز به همت خلفای اسلامی در آندلس تقریباً از تمامی متون خطی ارزشمند عربی نسخه‌های جمع‌آوری شده بود و علی‌رغم انهدام بسیاری از آنها در جنگ‌ها و فتنه‌ها، به اندازه کافی ذخایر علمی در دسترس مترجمان بود.

### اروپا تحت تاثیر رهبانیت مسیحی دچار تحجر، رکود و خرافات شد

هاشمی رفسنجانی به استفاده اروپا از دانش مسلمانان و آموزش و تحقیق در غرب و تاثیرات فرهنگی اسلام در غرب اشاره و بیان می‌کند: اروپا تحت تاثیر رهبانیت مسیحی دچار تحجر، رکود و خرافات شد و ژرمن‌ها که از شمال به مرکز و جنوب اروپا منتقل شدند، با خشونت بر این رکود، جمود و جاهلیت افزودند و تاریخ قرون وسطی که توسط خود اروپاییان نوشته شده، گواه این ادعاست.

همان طور که قبلاً اشاره رفت، پس از اوجگیری تمدن اسلامی و شروع معاشرت اروپاییان با مسلمانان متمدن در اندلس، سیسیل و ایتالیا و نیز سفرهای زیارتی مسیحیان به فلسطین و معاشرت با مسلمین و سپس رخداد هشت دوره جنگ‌های صلیبی که حدود دویست سال طول کشید، معاشرت، ازدواج و شراکت‌های زیادی بین پیروان دو دین اسلام و نصرانیت به وجود آمد و طبیعی است که در این معاشرت‌ها تمدن و فرهنگ غالب و والای اسلام و مسلمین تأثیر خود را بر اروپایی‌های متحجر و عقب‌افتاده و گرفتار تفتیش عقاید و خرافات می‌گذاشت. در فلسطین صدها هزار مسیحی یا مسلمان شدند و یا با حفظ دین خود، در منطقه ماندند و حاضر به برگشت به محیط بسته و پر از جهل اروپا نشدند.

در اندلس، سیسیل و ایتالیا اختلاط مسلمانان و مسیحی‌ها باعث نفوذ عمیق فرهنگ مسلمانان در غربی‌ها شد، به گونه‌ای که تکلم به زبان عربی که زبان رسمی و بین‌المللی مسلمانان بود، مایه فخر افراد بود، همانگونه که در هندوستان و شرق آسیا هم چنین بود.

اصطلاح «مستعربه» زاییده و علامت همین نفوذ عمیق ادبی عربی در اروپاست که افتخارآمیز هم بوده و حتی بعضی از اروپایی‌ها در آشنایی با ادبیات عرب تا آنجا پیش رفتند که آثار ادبی به زبان عربی بهتر از خود عرب‌ها آفریدند، همانگونه که افرادی از ادیبان ایران مثل سیبویه توانستند آثاری ارزشمندتر از آثار ادبای عرب‌زبان خلق کنند.

تساهل و تسامح و اجازه علمای اسلامی باعث رواج ازدواج بین پیروان ادیان اسلام و مسیحی و یهودی شده بود. اصطلاح «المولدین» در اثر فراوانی عرب‌های غیرخالص و فرزندان محصول چنین ازدواج‌ها، در ادبیات آن زمان رایج شد.

### عمق نفوذ فرهنگ اسلام در غرب از مواردی مثل انکار الوهیت حضرت مسیح مشخص می‌شود

او می‌افزاید: عمق نفوذ فرهنگ اسلام را می‌توان از مواردی مثل انکار الوهیت حضرت مسیح توسط اسقف ارگیل اسپانیایی فهمید که اعلام کرد: «مسیح بشر است و فرزند خوانده خدا و نه فرزند واقعی خدا.» اسقف الپندوس که در شهر تولیدو (طلیطله) اعتبار زیادی داشت، فضا را برای چنین اظهارنظری مناسب دید. حتی دورتر از اسپانیا در ناحیه «سیتمانیای» فرانسه نیز اسقف ارگیل همین افکار را ترویج می‌کرد. می‌گویند در زمان اوج تمدن اسلامی در اسپانیا مردم اسپانیا ترجیح می‌دادند که لباس عربی بپوشند و در زندگی از آداب مسلمانان استفاده کنند. با اینکه تعداد اندکی از مردم شهر دویست هزار نفری غرناطه (گرانادا) از نژاد عرب بودند. در دوره‌های بعد در دوران خلافت عثمانی‌ها مردم در شرق اروپا، در بالکان در اثر اختلاط با مسلمانان ترک و عرب یا مسلمان شدند یا با آداب مسلمانان زندگی می‌کردند.

### معاشرت‌ها و تأثیرات تمدن اسلامی منجر به نهضت آموزش و تحقیق در مدارس اروپا شد

هاشمی رفسنجای بیان می‌کند: معاشرت‌ها و ترجمه‌ها و تأثیرات تمدن اسلامی منجر به نهضت آموزش و تحقیق در مدارس مسیحی اروپا شد و رفته رفته بسیاری از کتب معتبر دانشمندان به نام اسلام به صورت متون درسی یا عقبه نظرات مدرسان و استادان غربی در مدارس و دانشگاه‌های غرب مورد استفاده قرار گرفت. از میان این کتب و آثار، می‌توان به این متون اشاره کرد:

۱- قرآن کریم

۲- المنصوری رازی در طب ترجمه به لاتین، سریانی، یونانی

۳- القانون ابن سینا به اکثر زبان‌ها و منجمه به لاتین توسط گراودی کرمونائی

۴- المجسطی بطلمیوس از متن عربی به لاتین

۵- ذخیره خوارزمشاهی نوشته سیداسماعیل جرجانی در طب

۶- مسائل فی الطب نوشته حنین بن اسحاق مترجم کنستانتین آفریقایی به لاتین

۷- رساله الجدری و الحصبه نوشته رازی

به اعتراف محققان منصف و خاورشناسان اروپایی سهم آثار کشورهای اسلامی اعم از دست‌آوردهای تحقیقی مسلمانان یا آثار ترجمه شده از تمدن‌های دیگر و منجمله آثار قدیمی خود یونان، روم، اسکندریه و ... در رنسانس و خیزش علمی و فنی و ایجاد تمدن جدید غرب سرنوشت‌ساز است، تا آنجا که بسیاری از لغت‌ها و اصطلاحات علمی و تمدنی موجود در ادبیات جدید غرب ریشه عربی و اسلامی دارد.

علوم فلسفه، ریاضیات، هندسه، نجوم، پزشکی، گیاه‌شناسی، پزشکی، طبیعی، جغرافیا، تاریخ‌نگاری، بازرگانی، معماری، موسیقی، دریانوردی، نقاشی و زیرمجموعه‌های اینها که تعداد زیادی از رشته‌ها و گرایش‌ها را دربر می‌گیرد، مشمول این حکم است.

آیت الله هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه بخش‌های حکومتی فقه اعم از سیاسی، اقتصادی، امنیتی، قضایی و فرهنگی رشد کافی نداشته است، ابراز امیدواری می‌کند که بخش‌های حکومتی فقه در قالب شورای فتوی تکمیل‌تر شوند. او که معتقد است، کارهای انفرادی کارگشا نیست و کارهای شورایی در هر موضوع لازم است، با یادآوری اینکه نمی‌توان فقط با اشاره به یک یا چند روایت در مسایل تخصصی حکومتی نظر داد، تاکید می‌کند که اگرچه شیوه رساله‌نویسی و فتاوی انفرادی مراجع مفید است اما کافی نیست.

### تمدن اسلامی در دوران بلوغ به منزله قلب در پیکر جهان عمل کرد

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت و گو با شفقتا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) درباره علل و عوامل رشد تمدن اسلامی و شروع اوج تمدن غرب و افول تمدن اسلامی بیان کرد: تمدن اسلامی در دوران بلوغ به منزله قلب در پیکر جهان عمل کرد؛ همانگونه که از لحاظ جغرافیایی تقریباً جایگاه قلب در پیکر یک انسان را داشت. با اقتباس نکات مثبت تمدن‌های موجود جهان آن روز در درون خود آنها را تصفیه کرد، آنگونه که قلب، خون‌های مصرف شده سراسر بدن را از طریق وریدها می‌مکد و با کمک ریه ضمن گردش خون، آن را تصفیه می‌کند و به قلب برمی‌گرداند و قلب خون تصفیه شده را بار دیگر به سراسر پیکر انسان تزریق می‌نماید و بدینسان حیات و رشد انسان را ادامه می‌دهد. در این گردش خون اعضای گوارش بدن نیز نقش نیرو دهنده و تزریق مواد تغذیه کننده را به عهده دارند که در بحث ما، این مواد تغذیه کننده محتوای فکری قرآن و سنت است. مسلمانان با الهام از آزاداندیشی اسلامی اندوخته‌های مثبت تمدن‌های ایران، هند، چین، روم، یونان و مصر را از طریق جذب نخبگان آنها و ترجمه آثار آنها در مراکز علمی جهان اسلام جمع کردند.

با تأسیس مراکز تحقیقی، آنها کار همگامی ریه و قلب را انجام دادند و خالص شده آنها را به عنوان جوهر فرهنگ و آموخته‌های آسمانی رشد دادند و تقویت نمودند و در مرحله بعد این میراث گرانبهای الهی و بشری را در اختیار جهانیان قرار دادند.

### رسالت تعلیم و تزکیه پیغمبر اسلام عامل تقویت و رشد و کمال و تعالی است

او با بیان اینکه معمولاً در آثار محققان مستشرق، این نقش مسلمانان را به آینه تشبیه کرده‌اند که انواری را می‌گیرد و منعکس می‌کند، این تشبیه را تشبیه ناقص می‌داند که نکته اصلی و کلیدی را نادیده می‌گیرد. هاشمی رفسنجانی می‌افزاید: نقش عملکرد ریه در این تشبیه به کلی فراموش شده و نقش جهاز تغذیه و تقویت کننده عمداً یا با غفلت اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است. اگر انعکاس همان

تمدن‌های گذشته کافی بود، باید در زمان طراوت آن تمدن‌ها نقش اعجاب‌انگیز داشته باشند و غرب دچار جهنم قرون وسطی نشود. جای تردید نیست که رسالت تعلیم و تزکیه پیغمبر اسلام در این جا هم عامل جذب و اقتباس، هم عامل تصفیه و هم عامل تقویت و رشد و کمال و تعالی است که در احکام آموزش، تربیت، تذکر، تفکر، تعقل، استماع نظرات و انتخاب احسن از اصول متقن تمدن ساز اسلامی متبلور است.

### **اگر در روی پائینه اسلام ناب می‌گشت، وسعت کار اسلام خیلی بیش از اینها بود**

او معتقد است: اگر درها روی همان پائینه‌های مشخص شده اسلام ناب می‌گشت، سرعت، وسعت و عمق کار اسلام خیلی بیش از اینها بود و با آنهمه بادهای مسمومی که از ناحیه خلفای ناصالح اموی و عباسی بر بوستان جدیدالتأسیس اسلام گذشت، باز هم اینهمه باروری و سایه افکنی را مشاهده می‌کنیم و باید منتظر روزی باشیم که اسلام به مسیر خالص و ناب خود برگردد و دقایق عقول و ذخایر الهی را استخراج و استحصال کند.

### **انقلاب اسلامی ایران یک فرصت تاریخی برای جهان اسلام است**

هاشمی رفسنجانی به انقلاب اسلامی ایران به عنوان فرصتی تاریخی می‌نگرد و با بیان اینکه «ما آرزو داشتیم و داریم که انقلاب عظیم و اصیل اسلامی با زعامت بی‌نظیرترین رهبر عصرمان، امام خمینی(ره) شروع این تجدید حیات باشد» می‌افزاید: انقلاب اسلامی به حق یک فرصت تاریخی برای جهان اسلام و بخصوص مکتب اهل بیت فراهم آورده که ظرفیت‌های تمدن سازی و ارتقای بشریت را که در مکتب اسلام نهفته است به کار بگیرد و اسلام را آنگونه که هست، به جهانیان معرفی کند و بشریت سرخورده از مکتب‌ها و ایسم‌های پُرطمطراق مادی را به سوی سرچشمه سعادت معارف الهی راهنمایی کند.

او بیان می‌کند: امروزه ناتوانی و ضعف‌های مکتب‌های مادی مثل کاپیتالیسم، کمونیسم و لایسیسم برملا شده و بسیاری از متفکران دلسوز جهان به دنبال گمشده بشر هستند. اگر دیگران نمی‌دانند یا تردید دارند، خودمان می‌دانیم که معارف آسمانی اسلام، بخصوص قرآن و سنت تنها ودیعه خالق جهان برای کل بشریت است و باید تا قیام قیامت متکفل تبیین و حراست راه سعادت انسان‌ها باشد. در سایه این ایمان و اعتقاد و با استفاده از درس‌های روشن تاریخ و با استمداد از رسول باطن (عقل) می‌توانیم پیشقراول این کاروان باشیم.

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: امام راحل با ده‌ها مورد طلسم شکنی و بیدارگری و اقدامات شجاعانه علمی، سیاسی و اخلاقی، مجدد اسلام ناب در نیمه هزاره دوم تاریخ اسلام شدند و با حمایت شاگردان صالحی که خود تربیت کردند و نیروهای مخلص و مجاهد این امت، کار بسیار بزرگی انجام دادند. ایشان با تشکیل بنیه اولیه حکومت اسلامی بر پایه مکتب اهل بیت و اسلام ناب به وظیفه خود عمل کردند و این میراث عظیم را بجای گذاشتند.

## چرا امروز در سایه حکومت مکتب حیات بخش اهل بیت (ع) نتوانیم تمدن عظیم اسلام را احیا کنیم؟

او بیان می‌کند: اگر اسلام در سایه حکومت‌های نه چندان اسلامی ولی به نام اسلام توانست آن تمدن عظیم را بسازد و به دیگران منتقل کند، چرا امروز در سایه حکومت صالح مکتب حیات بخش اهل بیت و اینهمه سرمایه فوق‌الذکر نتواند این رسالت را بعهده بگیرد؟!

## تاکنون دخالت‌های بیجای فراوانی با انگیزه‌های متفاوت در پیکره معارف اسلامی ایجاد شده است

هاشمی رفسنجانی در ادامه به تشریح پاکسازی معارف اسلامی از آلودگی‌ها می‌پردازد و به شفقنا می‌گوید: می‌دانیم پس از عصر نبوت تاکنون دخالت‌های بیجای فراوانی توسط مراکز متعدد و با انگیزه‌های متفاوت در پیکره معارف اسلامی شده است. این دخالت‌ها با اغراض سیاسی، باندی و شخصی یا دشمنی فرقه‌های مخالف اسلام و دخالت‌های سلیقه‌یی و با غلّوها و کم‌بینی‌ها و با افکار خرافی و سنتی کهنه یا اغراق‌گویی و داستان‌سرایی، منابع ارزشمند ما را دچار تحریف و آلوده کرده‌اند.

## متأسفانه تربیون‌های برخی افراد که هر مطلبی را قابل انتشار می‌دانند، بسیار است

او با اشاره به اینکه علمای سلف تا حدود زیادی با مجاهدت‌های خود منابع اصلی و صحیح را مشخص کرده‌اند و راه تشخیص مطالب صحیح یا راوی صالح را تا حدودی روشن نموده‌اند بیان کرد: کتاب‌ها و نوشته‌های مخلوط، باقی‌مانده و در دسترس همه است و کسانی هستند که هر مطلب نوشته شده و چاپ شده را قابل انتشار و اعلان می‌دانند و متأسفانه در جمهوری اسلامی هم تربیون‌های این گونه افراد بسیار است. بعضی از مسجدها، حسینیه‌ها، منابر، رسانه‌ها، محافل، مدارس، اجتماعات و... بعضاً میدان عرضه مطالب سست، بی‌پایه، خرافی و گاهی ضداسلام است که حداقل ضرر آن تحقیر مردم و حداکثر آن انحراف است؛ البته باید توجه داشت که در این میان علمای صالح فراوانی نیز هستند که مطالب صحیح و عمیق را مطرح می‌کنند و اگر نبود وجود چنین عالمان وارسته‌ای، موج خرافات و اغراق، بنیان دین مبین اسلام را دچار تزلزل ساخته بود.

## مجالس عزاداری بیش از سایر عرصه‌های دینی آسیب‌پذیرند

## شیوه‌های غلو آمیز در مراسم جشن و سوگواری ائمه (ع) ضررهای زیاد و منافع کمی دارد

هاشمی رفسنجانی ادامه می‌دهد: در این میان، مجالس عزاداری بیش از سایر میدان‌ها آسیب‌پذیر هستند چون مستمعان آنها مردمی عاشق اهل بیت هستند که متمایل به شنیدن مطالب غلوآمیز در جشن و عزا و آماده قبول حرف گوینده یا خواننده‌اند. ناگفته واضح است که در یک جامعه اسلامی، این شیوه اطلاع‌رسانی ضررهای زیاد و منافع کمی دارد. در این خصوص نمونه‌های زیادی در همین سال‌های اخیر شاهدیم که نشان از عمق فاجعه است. مثلاً وقتی رهبر معظم انقلاب بعضی از مظاهر و صحنه‌های عزاداری و خوانندگی را ناروا اعلان می‌کنند و حتی توسعه شیوه عزاداری برای امام حسین(ع) را به سایر ائمه و شخصیت‌های اهل بیت ناروا می‌دانند، جریان‌های

معلوم‌الحالی گاه از روی لجبازی برای اعتبارزدایی از فرمان و نظر رهبری به وجود می‌آیند و تأسف‌بارتر اینکه کسانی هم به عنوان صاحب‌نظران پیدا می‌شوند و در جهت همان راه‌های آلوده حرکت می‌کنند.

### علمای جوان راه و رسم درستی برای زدودن خرافات از مکتب علوی ایجاد کنند

او بیان می‌کند: علمای جوان حوزه وظیفه دارند با برنامه‌ریزی، راه و رسم درستی برای زدودن خرافات و مطالب بی‌اساس از ساحت مقدس معارف اسلام ناب و مکتب علوی ایجاد کنند و با استفاده از فرصتی که وارد شدن رهبری در آن میدان به وجود آورده است و با بهره‌گیری از ابزار و امکانات نظام این مسیر را با توان بیشتری پیمایند.

### آلودگی‌های ناشی از فرهنگ‌های وارداتی

#### آزاداندیشی ایجاب می‌کند درباره برنامه‌های حقیقت‌سوز وارداتی فکری شود

هاشمی رفسنجانی می‌گوید: از وظایف مهم دیگر حوزه‌ها و دانشگاه‌ها این است که فکری برای مصونیت جامعه و بخصوص نسل جوان از خطرهای نفوذ فرهنگ فاسد و پرزرق و برق غرب و لایبسم بنمایند. قرن هاست که صلیبیون و مستشرقان، تبشیری‌ها و فراماسون‌ها تلاش مستمری برای مسخ فکری امت اسلامی و آلوده کردن منابع و افکار حیاتبخش اسلامی در سراسر جهان اسلام دارند و امروزه با انفجار ابزار اطلاع‌رسانی و بازشدن شاهراه اینترنت و سرعت گرفتن انتقال فکر و نظر و فرهنگ، آن برنامه‌های حقیقت‌سوز با وسعت بیشتری در حال نفوذ است. آزاداندیشی و روشنفکری دینی ایجاب می‌کند که حوزه‌ها و دانشگاه‌ها فکری در این خصوص بکنند و کاری کارستان.

### نمی‌توانیم بین خودمان و امواج خروشان ناشی از سونامی توطئه کفر جهانی دیوار بکشیم

او می‌افزاید: ما به حکم قرآن که وظیفه استماع حرف دیگران و انتخاب بهترین را به ما داد، نباید و نمی‌توانیم دیواری بین خودمان و این امواج خروشان ناشی از سونامی توطئه کفر جهانی بکشیم. بخواهیم یا نخواهیم اینها وارد زندگی مردم و بخصوص نسل جوان شده و می‌شود.

هاشمی رفسنجانی یک راه چاره را در این می‌داند که صاحب‌نظران صالح در این مورد به ممیزی افکار و نوآوری‌ها و بیان فرهنگ‌ها و توطئه‌ها بپردازند. خوب‌ها را بپذیرند و بد‌ها را مشخص و معرفی نمایند.

## در نبرد حق و باطل، حق پیروز است به شرط اینکه درست شناخته و عرضه شود

او بیان می‌کند: اگر چنین حرکت مقدسی صورت گیرد، ممکن است وضع معکوس شود و امت اسلامی بتواند با استفاده از همین ابزار جدید انتقال فکر و اطلاع‌رسانی، معارف حیات‌بخش اسلام و شرف را به درون خانه‌ها و آموزشگاه‌های غرب و کفر جهانی ببرد. بی‌تردید در نبرد حق و باطل، حق پیروز است به شرط اینکه درست شناخته و عرضه شود.

بی‌تردید در اردوگاه مقابل اشکال‌ها، انحراف‌ها، فسادها و بطالت‌ها وجود دارد و افشاگری ما و مقایسه معارف اسلامی با محتویات نادرست فرهنگ آنها باعث درخشش قرآن و سنت اسلام خواهد شد.

## روحیه تعصب و لجاجت در جوانان امروز کمتر است

هاشمی رفسنجانی ادامه می‌دهد: خوشبختانه روحیه تعصب و لجاجت در جوانان امروز کمتر است و صفحه دل آنها آمادگی گرفتن مطالب حق و منطبق با فطرت را دارد. ولی باید بپذیریم که مطالب ناحق یا آلوده به ناحق و بسیاری از دست‌ساخته‌های افراد ناصالح یا دشمنان، حتی اگر به نام اسلام و اهل بیت عرضه شود، این خاصیت را نخواهد داشت بلکه می‌تواند مایه دوری افراد منصف و حق‌جو شود.

او با مقایسه گذشته و امروز بیان می‌کند: به پشت سرمان که نگاه می‌کنم، می‌بینم؛

۱- اسلام در زمان پیغمبر(ص) توانست در آن محیط جاهلیت و در محاصره قدرت‌های تباه شده استبدادی ایران و روم با هدایت مستقیم خداوند و بهره‌گیری از وحی مستمر در مدت کوتاهی مدینه فاضله‌ای متناسب با کشش آن زمان بیافریند که عقل ظاهر و باطن و رسالت ظاهر و باطن سکوی پرواز آن بودند.

۲- پس از آن در دوران خلفای راشدین و حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس علی‌رغم برون رفتن از محور اصلی اداره نظام، مسلمانان با بهره‌گیری از سرمایه‌های عظیم قرآن و سنت بخشی از راه تکامل را ادامه دادند و امروز تجدید حیات تمدن اسلامی آسان‌تر از آن است. پس چرا امکان‌پذیر نباشد؟

۳- در گذشته هم تفکرات باز و بسته در مقابل هم صف‌آرایی کرده بودند. تفکر خوارج در مقابل تفکر عقلایی اهل بیت، تنازع اشاعره و معتزله، محدثان و فقها، طرفداران انسداد باب اجتهاد در مقابل محققان نوآور، تنازع متناوب و مکرر اخباری و اصولی و در یک کلمه آزاداندیشی در مقابل دگم‌اندیشی بودند.

## امروز فضای جوامع انسانی برای پژوهش و تحقیق مساعدتر از گذشته است

با این تفاوت که امروز فضای جوامع انسانی برای پژوهش و تحقیق و دسترسی به آراء و اندیشه‌های دیگران و انتخاب احسن که روح آزاداندیشی قرآن است، مساعدتر از گذشته است و ندای «فبشر عباد - الذین يستمعون القول فیتبعون احسنه» (سوره مبارکه زمر، آیات شریفه ۱۷ و ۱۸) لبیک‌گویان بیشتری دارد و به نظر می‌رسد که روزافزون است.

## انتظار این است که بزرگان حوزه از فرصت تاریخی زدودن آلودگی‌ها از چهره دین استفاده کنند

### بخش‌های حکومتی فقه رشد کافی نداشته است

او در ادامه به اهمیت شورای فتوی و فقه حکومتی اشاره و اظهار می‌کند: حوزه‌های علمیه ما در سایه مجاهدت‌های علمای سلف، مجاهدت‌های پیشتانان انقلاب و نوآوری‌ها و تحجرزدایی امام راحل ظرفیت نظریه پردازی‌های عمیق و راه‌گشا را با اتکا به منابع غنی مکتب اهل بیت دارند و انتظار این است که بزرگان حوزه، بخصوص علمای جوان از این فرصت تاریخی برای تبیین معارف بلند اسلامی و زدودن آلودگی‌ها و رسوب‌های ناروایی که حاصل سلیقه‌های کج یا شیطنت‌های عوامل نفوذی و بخصوص کژی‌های ناشی از اسراییلیات است، استفاده کنند. هاشمی رفسنجانی فقه به اصطلاح سنتی و جواهری را از سرمایه‌های مهم تحقیقات حوزه در تبیین مکتب اهل بیت (ع) می‌داند و می‌گوید: این فقه متکی به هزار و چهارصد سال تحقیق با بهره‌گیری از قرآن و سنت و عقل و رساله‌های عملیه مراجع، فرایند انبوهی از پژوهش و بحث و درس است که امروز کار انجام وظایف دینی امت اسلامی را آسان کرده و هر روز هم در مسایل مستحدثه یا تجدیدنظر در مسایل جاری نوآوری‌های ارزشمندی دارند، اما به خاطر عدم حضور حوزه‌های علمیه اسلامی در گذشته در متن حکومت و نپرداختن به مسایل حکومتی و سیاسی در حد پرداختن به احوال شخصیه و تکالیف فردی، این بخش رشد مناسب خود را ندارد. دلیل واضح آن حجم کوچک بخش‌های حکومتی فقه اعم از سیاسی، اقتصادی، امنیتی، قضایی، فرهنگی و ... است.

### کارهای انفرادی کارگشا نیست و کارهای شورایی در هر موضوع لازم است

او یادآوری می‌کند: برای این منظور مهم، مطمئناً کارهای فردی و انفرادی خیلی کارگشا نیست، گرچه بی‌اثر هم نیست ولی همانگونه که در شیوه‌های امروز قانونگذاری موسوم است، کارهای همه‌جانبه شورایی و دسته‌جمعی با استفاده از همه شخصیت‌های محقق در هر موضوع لازم است.

### نمی‌گوییم شیوه رساله‌نویسی و فتاوی انفرادی مراجع مفید نیست، بلکه می‌گوییم کافی نیست

هاشمی رفسنجانی می‌گوید: دوران اینکه یک فرد هرچند نابغه و پرکار بتواند در مسایل بی‌شمار پیچیده سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، علمی و فنی نظر و فتاوی مناسب بدهد، گذشته است. شاید در دوران انزوای روحانیت و عدم تقاضای حکومت‌ها و حتی مخالفت آنها، میدان و نیاز این‌گونه کارها نبوده، اما امروز که نظام اسلامی با مبنای مکتب اهل بیت و با قانون اساسی معتبر شکل گرفته، هم فرصت جدید و هم مسوولیت‌های مهم و جدید به وجود آمده است. قطعاً در اینجا نمی‌خواهیم بگوییم که شیوه رساله‌نویسی و فتاوی انفرادی مراجع مفید نیست، بلکه می‌گوییم کافی نیست.



## نمی توان فقط با اشاره به یک یا چند روایت در مسایل تخصصی حکومتی نظر داد

او می‌افزاید: این رساله‌نویسی موجود، محصول قرن‌ها کار علمی و تجربه عملی حوزه‌ها است و در تعیین تکلیف افراد و روابط خانوادگی و بسیاری از احوال شخصیه و روابط اجتماعی لازم و ضروری و رو به تکامل است و معمولاً به مسایل حکومتی که روزانه ده‌ها فرع و اصل جدید پیدا می‌کند، نمی‌پردازند ولی مسایل پیچیده حکومتی در همه ابعاد سیاسی، مدیریتی، فرهنگی، اقتصادی، سیاست داخلی و خارجی با پیشرفت علوم انسانی و سیاسی و ارتباط تنگاتنگ جامعه اسلامی با سایر جوامع و وجود مقررات بین‌المللی در همه شئون زندگی و لازم‌الاتباع شدن آنها و سیر طبیعی بشریت به سوی جهانی شدن و ... نیاز به مطالعات و پژوهش‌های همه‌جانبه‌ای دارد که از شوراها و مجموعه‌های عالم و متخصص و دارای امکانات جامع تحقیقات برمی‌آید و نمی‌توان فقط با اشاره یک یا چند روایت، در این گونه مسایل نظر داد.

آیت الله هاشمی رفسنجانی که مساله حاکمیت را زیربنایی‌ترین بخش اداره جامعه اسلامی می‌داند، با تاکید بر اهمیت فقه سیاسی می‌گوید که اگر حوزه‌های علمیه به فقه سیاسی و حکومت توجه کنند، حقانیت اسلام بیش از پیش واضح می‌شود. او یکی از راه‌کارهای مهم توسعه فقه سیاسی را «قاعده سازی» می‌داند.

## کم بودن اصول و فروع فقه سیاسی عمدتاً به خاطر عدم نیاز و انزوای مکتب اهل بیت (ع) بود

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت و گو با شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) درباره فقه سیاسی می‌گوید: هم‌اکنون در لابلای احکام و قواعد فقهی موجود، موارد فراوانی از مسایل فقه سیاسی وجود دارد اما بسیار کمتر از آن هست که باید باشد و فقه حکومتی شعبه‌ای از کلیت فقه سیاسی است. کم بودن اصول و فروع فقه سیاسی عمدتاً به خاطر عدم نیاز و انزوای مکتب اهل بیت (ع) و نبودن حکومت رسمی اسلامی است.

## ضرورت توسعه فقه سیاسی به ویژه شعبه فقه حکومتی کاملاً محسوس است

اکنون که در سایه مجاهدات امام راحل و روحانیت پیشتاز و مردم مخلص مسلمان، ایران دارای حکومت اسلامی است و براساس قانون اساسی هیچ یک از قوانین و مقررات نظام نباید مخالف احکام اسلام باشد، ضرورت توسعه فقه سیاسی، بخصوص شعبه فقه حکومتی آن کاملاً محسوس است و حوزه‌های علمیه و علما نباید به این ضرورت بی‌توجه باشند.

## یکی از راه‌کارهای مهم توسعه فقه سیاسی «قاعده سازی» است

هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه یکی از راه‌کارهای مهم توسعه فقه سیاسی «قاعده سازی» است، همان کاری که علمای سلف در سایر ابواب مورد نیاز فقه انجام داده‌اند، می‌افزاید: قاعده‌سازی شهید اول در کتاب «القواعد و الفوائد» و شهید ثانی در کتاب «تمهید القواعد

الفقیه» و مرحوم علامه احمد نراقی در «عواید الایام» نمونه‌هایی از آنهاست که به صورت قواعد فقهیه، امروز منبع غنی و عظیمی برای تفریح فروع است از قبیل قاعده‌های لاضرر، نفی حرج، افوا بالعقود، نفی سبیل و ... که معمولاً با اتکا به آیات قرآن و روایات و با کمک عقل شکل گرفته است. گرچه بعضی از فقها بخشی از ۳۰۲ قاعده شهید اول را قاعده نمی‌دانند بلکه حکم کلی می‌شناسند.

او بیان می‌کند: اگر از جمله «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» قاعده‌ای با اینهمه قلمرو فروع فراوان به وجود آمده و آنهمه حکم را به دنبال آورده، چرا ما نتوانیم با استناد به آیات «و امرهم شورا بینهم» و «شاوهم فی الامر»، «قاعده شورا» را در امور اجتماعی بسازیم و با استناد به آن بسیاری از امور مهم کشور را به کمک شوراهای متخصصان تعیین تکلیف کنیم یا به استناد دستورهای روشن عهدنامه امیرالمومنین (ع) به مالک‌اشتر قواعدی برای کیفیت تشکیل ساختار یا نحوه اداره کشور خلق کنیم؟ مثلاً جمله «الله الله فی نظم امرکم» به کمک آیات و روایات دیگر می‌تواند قاعده‌ای برای ساختار و تشکیلات نظام به ما بدهد که در سایه آن فروع فراوانی در همه شئون تشکیلات اداری، قانونگذاری، قضاوت، روابط خارجی و ... شکل بگیرد. یا با استناد به آیه شریفه «فبشر عبدالذین یستمعون القول و یتبعون احسنه» و مدارک دیگر «قاعده اقتباس» ساخته شود و براساس مطالعه دستاوردهای دیگران، بهره‌گیری از آنها، جزو وظایف حکومت و جامعه شود.

او این پرسش‌ها را مطرح می‌کند که مگر اکنون عملاً نظام ما از دستاوردهای دیگران اقتباس نمی‌کند؟ مگر قانون اساسی و سیستم تحصیلات و برنامه‌ریزی و شکل قانونگذاری و سیستم دفاعی و امنیتی ما اقتباس از تجارب دیگران نیست؟ می‌دانیم که روزانه دهها حکم قانونی در نظام اسلامی توسط مجلس و شوراها و دولت به صورت قانون، تصویب نامه، اساسنامه و آیین‌نامه تدوین و اجرا می‌شود و عمده آنها در منطقه فراغ از حکم صریح شرعی و نیازهای نو به نو است. فراموش نمی‌کنیم که امام (ره) صریحاً فرمودند: اگر مجلس حکمی را تصویب کرد و شورای نگهبان با آن مخالفت نکرد، اطاعت از آن واجب و تخلف از آن حرام است.

### اگر حوزه‌ها به فقه سیاسی و حکومت توجه کنند، حقانیت اسلام بیش از پیش واضح می‌شود

هاشمی رفسنجانی نتیجه‌گیری می‌کند: اگر حوزه‌ها به منطقه فراغ و نیازهای نو و فقه سیاسی و حکومت توجه کنند، در دهها ابواب فقه قاعده‌ها و احکام فراوان جدیدی در قلمرو فقه قرار می‌گیرد و امت اسلامی با عمق معارف اسلام آشنا می‌شود و حقانیت اسلام بیش از پیش واضح می‌شود و نوآوری‌های بی‌شماری روزانه در قلمرو فقه تحقق می‌یابد. این جریان به خاطر شرایط تجدید شونده زمانی و مکانی و تحولات اجتماعی بی‌پایان است و بی‌شک جهانی بودن و حاکمیت دین اسلام که تا قیامت باید جوابگوی نیازهای بشری باشد، با چنین اجتهادی معنادار است.

او بیان کرد: در اینجا نقش عقل بسیار برجسته می‌شود و اهمیت توجه به عقل در کنار رسالت انبیا نمایان‌تر می‌شود. مگر رشد قواعد و احکام و فروع فقهی در بخش‌های عبادی و غیرحکومتی که در همان شرایط انزوا تحقق یافته، نمونه خوبی برای این بحث نیست؟

مقایسه کتب فقهی علمایی مثل شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی یا کتبی مثل جواهر الکلام نشان می‌دهد که چگونه نیازها و تلاش‌های فقه را در طول زمان بارورتر کرده و اگر بخش‌های متروکه و مغفول عنه کتب فقهی را که عمدتاً در فقه سیاسی و حکومتی و منطقه فراغ و تحولات جوامع تبلور پیدا می‌کند، پا به پای بخش‌های رشد کرده توسعه می‌دادند، وضع و حجم اجتهاد به گونه دیگری بود و امید که در آینده در سایه نظامی اسلامی شاهد آن تحول باشیم.

## ولایت فقیه و احکام حکومتی از احکام اولیه است

### تبیین واضح نیازهای حکومت از سوی حوزه‌ها انتظاری بجاست

هاشمی رفسنجانی در ادامه طرح بحث مهم دیگری را لازم می‌داند و شرح تفصیلی آن را به وقتی دیگر موکول می‌کند و امیدوار است تلاش علما این وظیفه را از گردن او بردارد. او می‌گوید: آن بحث، مربوط به اولی یا ثانوی بودن احکام فقه حکومتی و مصلحتی و احکام عقلی است که در این میدان بسیار زیاد خواهد بود. گرچه اظهارنظر صریح امام راحل خطاب به آیت‌الله صافی یکی از اعضای شورای نگهبان در تاریخ ۲۳ دی ۱۳۶۶ پایه و مایه خوبی برای این بحث است که فرمودند: «ولایت فقیه و احکام حکومتی از احکام اولیه است.» (صحیفه امام، جلد ۲۰، ص ۴۵۶) علما و حوزه‌ها بحق از حکومت، انتظار اسلامی کردن همه شئون زندگی را دارند ولی در مقابل، اقدام حوزه‌ها در تبیین عالمانه و دقیق و واضح نیازهای حکومت هم انتظاری بجاست. با فرض اینکه تمامی مسایل زندگی جامعه تابع یکی از احکام خمسه است، چه جایی جز حوزه مسوول جوابگویی به ابعاد شرعی مسایل جدید است؟

### لازم است در کنار حوزه علمیه قم یک دانشگاه جامع تأسیس شود

او به شفقنا بیان می‌کند: سال‌ها قبل در یک سخنرانی در اجتماع بزرگان حوزه علمیه قم که از سوی جامعه مدرسین برگزار شده بود، با دلیل پیشنهاد کردم که لازم است در کنار حوزه علمیه قم یک دانشگاه جامع تأسیس شود. دانشگاهی که همه رشته‌های علمی موجود در مراکز علمی جهان بخصوص علوم انسانی را داشته باشد و برای هر رشته از استادان معتبر زمان استفاده شود و دانشجویان آن از میان طلابی که حداقل در حد مجتهد متجزی باشند، انتخاب شوند.

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: در نتیجه فارغ التحصیلان این رشته‌ها که دارای علوم حوزوی و دانشگاهی روز خواهند بود، با تشکیل شوراهای متخصصان همه مسایل مورد نیاز نظام اسلامی در سایه اجتهاد پویا به روز، بالنده و همراه با زمان قرار می‌گیرند. معلوم است که در آن صورت کارشناسی جامع الاطراف برای همه قوانین مورد نیاز حکومت و نیز فتاوی‌ای مراجع عالی‌مقام در اختیار انقلاب اسلامی قرار خواهد گرفت و در آن زمان از لحاظ نظری این پیشنهاد مورد استقبال قرار گرفت اما عملاً اقدامی نشد. طبیعی است که چنین کار بزرگی از مقام رهبری و مراجع حوزه زیننده و تأثیرگذارتر خواهد بود.

### مساله حاکمیت زیربنایی‌ترین بخش اداره جامعه اسلامی است

او در ادامه به تبیین حکومت اسلامی می‌پردازد و می‌گوید: از امتیازات مکتب اهل بیت (ع) این است که مساله حاکمیت را به عنوان مهمترین و زیربنایی‌ترین بخش اداره جامعه اسلامی مورد تأکید قرار داد و تکلیف آن را از زمان پیغمبر(ص) تا قیامت مشخص کرده است.

۱- در زمان حیات رسول اکرم(ص) محور حاکمیت با صراحت قرآن و عمل پیغمبر (ص) بوده است.

۲- بعد از ایشان طبق اسناد معتبر، ۱۲ شخص، معین و معصوم(ع) برای عهده‌داری مدیریت جامعه اسلامی مشخص شدند که این امر متأسفانه جز چند سال در حکومت ظاهری امیرالمومنین(ع) عملیاتی نشد. از محدود شدن ائمه منصوب به ۱۲ نفر به دست می‌آید که این دوره برای استقرار و تکمیل دین اسلام در مرحله اجرا و تجربه در نظر گرفته شده بود.

۳- پس از دوره حضور ائمه معصوم منصوب(ع)، محور حاکمیت به صورت کلی و با تعریف اوصاف و شرایط لازم به صورتی که در غیاب حاکم معصوم منصوب(ع)، حداقل ممکن از شرایط یک رهبر و حاکم صالح در امت اسلامی وجود داشته باشد، تبیین شده است. این اوصاف به گونه‌ای است که آرا و خواست مردم در کنار احکام و صلاحیت‌های حاکم به صورت رکن اساسی در نظر گرفته شده است.

ادله این بخش در روایات بسیار زیاد است و کتب فقهی هم تا حدودی به آن پرداخته‌اند و از لحاظ نظری، مشکلی در این خصوص نیست. اگر مشکلی هست در بُعد عملی و تجربی آن است که پس از غیبت امام عصر (عج) حکومتی از این نوع و با این ویژگی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با رهبری بی‌نظیر امام (ره) تحقق نیافته است. خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب، مجلس خبرگان قانون اساسی که اکثریت آن را علمای بزرگ و جامع‌الشرایط تشکیل می‌دادند، جوهر این حکم را در بخش ولایت فقیه و رهبری انقلاب آوردند که شرایط و وظایف رهبری روح آن است.

### شرایط و صفات رهبری در اصل یکصد و نهم قانون اساسی

هاشمی رفسنجانی در ادامه با تبیین شرایط و صفات رهبری در اصل یکصد و نهم قانون اساسی بیان می‌کند:

۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در امور مختلف فقه

۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام

۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی

۴- تدبیر و شجاعت

۵- مدیریت و قدرت کافی برای رهبری

ملاحظه می‌کنید چه شرایطی در نظر گرفته شده است! علم، عدالت، تقوی، شجاعت، تدبیر، مدیریت و قدرت اداره. تردیدی نیست که اگر همه این صفات و شرایط در حاکمی موجود و باقی باشد، صلاحیت نیابت از امام معصوم(ع) را خواهد داشت و اگر در شروع یا ادامه مسوولیت رهبری فاقد این شرایط باشد، حاکمیتش شرعی و قانونی نخواهد بود.

## اگر افراد ذیصلاح متعدد باشند، حق مردم است که اصلح را انتخاب کنند

او به شفقنا می‌گوید: در هر عصر و زمانی مانند امروز اگر افراد ذیصلاح متعدد باشند، به حکم قانون اساسی که متکی به مبانی دینی است، این وظیفه و حق مردم است که از میان افراد دارای صلاحیت، اصلح را انتخاب کنند.

هاشمی رفسنجانی اظهار می‌کند: از آنجا که توده مردم به خاطر تخصصی بودن موضوع، قدرت تشخیص اصلح را ندارند، قانون اساسی باز هم بر اساس موازین نقلی و عقلی راه تشخیص را هموار کرده است.

**مجلس خبرگان موظف شده لیست کاملی از افرادی را که ذیصلاح برای رهبری هستند، با اطلاعات لازم در مورد وضع علمی و عملی آنان، حاضر داشته باشد**

**قانون اساسی، خبرگان را موظف کرده که وضعیت رهبری را در هر زمان برای محرز بودن ادامه شرایط رهبری، زیرنظر داشته باشند.**

او می‌افزاید: مردم در یک انتخابات سالم و آزاد، نمایندگان صاحب‌نظر و صلاحیت‌دار را برمی‌گزینند و خبرگان که تخصص لازم را دارند، از میان افراد مطرح، اصلح را برمی‌گزینند. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد، مقدم است. این امر در زمان حضور امام و با هدایت ایشان در عمل تحقق یافت و امروز انقلاب از وجود رهبر شایسته و مجلس خبرگان رهبری برخوردار است. مجلس خبرگان بعد از رحلت حضرت امام با صبر و متانت توانست صالح‌ترین شخصیت را با توجه به شرایط موجود برگزیند.

هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه مجلس خبرگان موظف شده لیست کاملی از افرادی را که ذیصلاح برای رهبری هستند، با اطلاعات لازم در مورد وضع علمی و عملی آنان، حاضر داشته باشد که در صورت نیاز خلاء رهبری پیش نیاید می‌گوید: علاوه بر این، قانون اساسی، خبرگان را موظف کرده که وضعیت رهبری را در هر زمان برای محرز بودن ادامه شرایط رهبری، زیرنظر داشته باشند. روشن است که اگر همین احکام قانون اساسی عملی شود، امت اسلامی همیشه از نعمت محوریت صالح برای اداره جامعه برخوردار است و دچار تنش‌های خلاء رهبری یا عدم صلاحیت رهبری نخواهد شد.

## ادعا ندارم که از همه ظرفیت‌ها در مدت سی سال گذشته به خوبی استفاده کرده‌ایم

او نتیجه می‌گیرد که در سایه راهنمایی‌های مکتب اهل بیت (ع) و مجاهدت علمی و عملی علمای اسلامی و به یمن پایداری و مجاهدات مردم شریف ایران در طول دوران مبارزه و انقلاب، سرمایه تضمین سلامت جامعه اسلامی در اختیار ماست و اگر ما درست عمل نکنیم و از این رهگذر آسیبی به امت اسلامی وارد شود، مجازات سختی در پیشگاه عدل الهی خواهیم داشت؛ البته اینجانب ادعا ندارم که ما از این ظرفیت در این مدت سی سال به خوبی استفاده کرده‌ایم یا حتی مقررات و ساختارهایی که تنظیم شده، بی‌عیب است بلکه می‌خواهم بگویم چنین فرصت و سرمایه‌ای در سایه مکتب اهل بیت (ع) داریم. به امید اینکه روزی درست بهره‌گیری شود.

آیت الله هاشمی رفسنجانی که معتقد است در عصر معاصر، نوآوری‌های امام خمینی (ره) فقه را از حاشیه نشینی نجات داد، کلیدی‌ترین عناصر فقهی امام (ره) را توجه به زمان و مکان در اجتهاد معرفی و یادآوری می‌کند: بزرگان روحانی اجازه ندهند افراد و جریان‌های کج سلیقه، دوران اخباری‌گری یا تصوف انحرافی را تجدید کنند. او با تأکید بر اینکه به اصل اختلاف نظر و تفاوت مشرب اعتراضی ندارد، حل اختلافات با روش قرآنی «جادلهم بالتی هی احسن» را نردبان تکامل می‌داند.

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت و گو با خبرنگار شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) پس از بیان ویژگی‌های حکومت اسلامی و فقه سیاسی در قسمت پیشین، به اختلافات تاریخی اخباری و اصولی و شرایط عصر معاصر می‌پردازد و بیان می‌کند: چنانچه گفته شد بعد از پیغمبر عصر صحابه و تابعین و سپس عصر تفسیر و تبیین در زمان حضور ائمه ما شاهد رواج علوم و فنون و اوج تمدن اسلامی هستیم.

از لحاظ شیعه در عصر حضور با توجه به حضور معصوم و شاگردان بی‌واسطه آنها ضرورتی برای اجتهاد جز در همان محدوده موجود نبوده و پس از غیبت اولین گام را محدثان برمی‌دارند که همزمان با تنظیم احادیث، فتاوا بیشتر با نقل متون احادیث همراه است و تقریباً همزمان حرکت فقه‌تبی و استفاده از اصول فقه هم آغاز می‌شود و با توسعه سیاسی شیعه و تأسیس حکومت‌های شیعی و نیاز به احکام فراوان که در دوره انزوای شیعه ضروری نبوده، فقه‌تبی اوج می‌گیرد و ابن‌جنید، اسکافی، شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی فقه‌تبی را به اوج می‌رسانند و سپس با بروز مشکل در حاکمیت شیعیان چیز زیادی علاوه بر دست‌آوردهای فقهی شیخ طوسی به دست نمی‌آید و بار دیگر با شکل‌گیری حوزه نجف، حلّه، جبل عامل و بحرین نهضت جدید و علمی فقه و اصول شروع می‌شود.

### از ویژگی‌های صفوی همزمان شدن فقه‌تبی و اخباری‌گری است

به دوره صفوی می‌رسیم که حکومت پایدار شیعی در ایران شکل می‌گیرد. از ویژگی‌های این دوران همزمان شدن فقه‌تبی و اخباری‌گری است که هر دو بخش آن مورد احترام و ترویج صفویان است. در حوزه اجتهاد، شخصیت‌هایی مثل محقق کرکی از جبل عامل به ایران دعوت می‌شوند و با مهاجرت فقه‌های بزرگ به ایران حوزه‌های علمی متکی به فقه، اصول، عقل، استدلال و نظر عرف در اصفهان، شیراز و قم... شکل می‌گیرد و مدارس علمی زیادی تأسیس می‌شود. حکومت تا آنجا در توجه به فقه‌تبی جلو می‌رود که محقق کرکی به عنوان نایب امام زمان (عج) منصب رسمی مرکزیت نظام و ضامن مشروعیت دولت می‌شود که تقریباً شبیه ولایت فقیه امروز بود. البته بدون اینکه وظایف و اختیارات ولی فقیه را داشته باشد. همزمان به خاطر توجه زیاد صفویان به تشیع، مکتب اخباری هم رواج بی‌سابقه ای می‌گیرد و شخصیت‌هایی چون ملا محمدامین بن شریف استرآبادی (۱۰۳۳ هـ.ق) و ملا صالح مازندرانی (۱۰۸۰ هـ.ق) و ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ هـ.ق) و محمدبن حسن حر عاملی (۱۱۰۴ هـ.ق) و علامه محمدباقر مجلسی (۱۱۱۰ هـ.ق) و... نقش‌آفرینی می‌کنند و مروج آن می‌شوند و اعتبار زیادی به دست می‌آورند؛ البته در میان این بزرگان مرحوم استرآبادی بر خوردهای تندتری نسبت به علمای صف مقابل از خود بروز داده و کتاب‌های مهمی چون «الحدائق الناضره»، «الفوائد المدنیه»، «الوافی»، «وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه» و «بحار الانوار» تألیف می‌شود.

## رقابت‌های خسارت بار علمای اصولی و اخباری زیادی در تاریخ به جای گذاشت

هاشمی رفسنجانی می‌افزاید: متأسفانه در این دوره رقابت‌های خسارت باری هم بین علمای اصولی و اخباری به وجود می‌آید که آثار منفی زیادی در تاریخ به جای گذاشت. اما چون فقاقت متکی به تعقل و تفکر بیشتر است و به نیازهای روزافزون جامعه بهتر می‌رسد و واقعیت‌های موجود را مدنظر قرار می‌دهد و نقش اقتضای زمان و مکان در آن، باعث رشد و کمال مکتب فقاقت می‌شود و به همان اندازه مکتب اخباری دچار افول می‌شود و جای خود را به توسعه فقاقت می‌دهد که بزرگان و اعاضلی چون استاد اکبر وحید بهبهانی، بحرالعلوم، کاشف الغطا (۱۲۲۷) میرزا ابوالقاسم قمی (۱۲۳۱) ملا احمد نراقی (۱۲۴۵) صاحب جواهر (۱۲۶۶) و شخصیت‌های بزرگ و تأثیرگذاران فراوان دیگر در تقویت مکتب فقاقت جبهه جهاد علمی را هدایت می‌کردند.

سرانجام شیخ اعظم و استاد اکمل مرحوم شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱) این جهاد عظیم را به اوج می‌رساند، به حدی که می‌توان در نهضت جدید فقاقت نقش شیخ انصاری را با نقش شیخ طوسی در طلوع حرکت فقاقتی شیعه مقایسه کرد و از آن به بعد این مشعل به دست شاگردان شیخ اعظم به نسل‌های بعد تحویل شد و اکنون حوزه‌های علمیه شیعه در ایران و عراق وارثان این دوره‌های ارزشمند عالمان شیعی هستند که از عصر حضور تا عصر ما تداوم یافته که با افت و خیز و نیز تعارض و رقابت هم همراه بوده است.

او در ادامه به فرصت جدید اشاره و بیان می‌کند: حفظ رمق حوزه‌های علمیه توسط آیت‌الله حائری یزدی و سپس بازسازی حوزه‌های علمیه و نهاد روحانیت که توسط رضاخان منهدم شده بودند، به دست آیت‌الله‌العظمی بروجردی و به دنبال آن بهره‌گیری امام راحل از این سرمایه عظیم، با انهدام سیستم دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی ایران و طرد استکبار و غرس نهال حکومت اسلامی در ایران شرایط کاملاً جدید و بی‌سابقه‌ای را در ایران و منطقه و شاید جهان به وجود آورد.

## نوآوری‌های امام خمینی (ره) فقه را از حاشیه‌نشینی نجات داد

### کلیدی‌ترین عناصر فقهی امام (ره) توجه به زمان و مکان در اجتهاد است

هاشمی رفسنجانی می‌گوید: نوآوری‌های آیت‌الله‌العظمی امام خمینی (ره) در بیشتر زمینه‌های سیاسی و علمی و بخصوص فقهی، فقه را از حاشیه‌نشینی نجات داد و وارد متن زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه کرد و ابواب جدیدی به روی حوزه‌های علمیه باز کرد. در این میان باید به یکی از کلیدی‌ترین عناصر فقهی ایشان که توجه به زمان و مکان در اجتهاد است، اشاره ویژه داشت.

## بزرگان روحانی اجازه ندهند کج سلیقه‌ها، دوران اخباری‌گری یا تصوف انحرافی را تجدید کنند

او تأکید می‌کند: اکنون نوبت بزرگان روحانی و بدنه بسیار مهم و ارزشمند حوزه است که با انجام وظایف و بهره‌گیری از این موهبت الهی از امتحان الهی سربلند بیرون بیایند و با آزاداندیشی در چارچوب اصول اسلام ناب، ذخایر نهفته در این مکتب الهی انسان‌ساز و سعادت‌آفرین را استخراج نمایند و اجازه ندهند که افراد یا جریان‌های کج سلیقه، دوران اخباری‌گری یا تصوف انحرافی و غالی‌گری را تجدید کنند.

او در ادامه تذکر می‌دهد: باید مواظب بود که انجام این وظایف همراه با مشاجره‌ها، کشمکش‌ها، تکفیرها، تهمت‌ها، تفرقه‌ها و درگیری‌ها که معمولاً از دام‌های شیطان و پنجره‌های نفوذ کفر جهانی برای تضعیف خیزش اسلامی است، نباشد و با صبر، حوصله، بحث، استدلال، ادب و نزاکت عالمانه به اقناع خطاکاران پردازند. نگاهی به رویدادهای تلخ دوران مشاجرات اخباری‌ها و اصولی‌ها یا نزاع‌های غلات با معتدلان یا مشاجرات اصحاب رای و اصحاب نقل می‌تواند درس عبرت خوبی برای راه آینده ما باشد.

هاشمی رفسنجانی به نمونه‌هایی در این زمینه می‌پردازد و می‌گوید: گذشته از بی‌ادبی‌ها، گستاخی‌ها و فحاشی‌هایی که پیروان عوام این جریان‌ها علیه یکدیگر داشتند که قلم متعهد از نوشتن آنها عار دارد، در کلمات و نوشته‌های بزرگان و اعظام آنها هم مواردی هست که امروزه آنها را دور از شأن فقاقت یا محدثان می‌بینیم. اصحاب حدیث فقهای اصولی را متهم به بدعت‌گذاری و تبعیت اربابان قیاس و... می‌کردند و اصحاب فقاقت، اصحاب حدیث را به کوفه فکری و عدم برخورداری از عقل متهم می‌کردند.

مرحوم شیخ مفید و مرحوم سیدمرتضی که از استوانه‌های مکتب اهل بیت هستند، برای رد شیوه محدثان رساله‌های متعددی تألیف کردند. البته در اکثر موارد متانت همراه با صلابت بحث را مراعات کرده‌اند، ولی نمونه‌هایی از طغیان قلم هم دارند. مثلاً در کتاب «تصحیح الاعتقاد» که مورخان آن را از شیخ مفید می‌دانند و شرح کتاب استادش مرحوم صدوق است، گاهی عبارات تندی دیده می‌شود. مثلاً در رد نظر شیخ صدوق در موضوع «مشیت و اراده» می‌گوید: «... علت این خطای صدوق این است که او به ظواهر احادیث مختلف عمل می‌کند و حق و باطل احادیث را از هم جدا نمی‌کند که به احادیثی که حجت هستند، عمل کنند» و نتیجه می‌گیرد که: «این ضعف سرنوشت کسانی است که در اظهارنظر به تقلید از روایت پردازند.» عین عبارت چنین است: «والسبب فی ذالک انه عمل علی ظواهر الاحادیث المختلفه و لم یکن ممن یری النظر فتمیسیزین الحق منها و الباطل و یعمل علی ما یوجب الحججه و من یعمل فی مذهب علی الاقوال المختلفه و تقلید الروایه کانت حاله فی الضعف ما وصفناه...» این در حالی است که مرحوم مفید احترام زیادی نسبت به استاد خود شیخ صدوق قائل بود و می‌دانست آثار مرحوم صدوق سرمایه مهمی برای جمیع فقهاست.

این نمونه‌ها که نوشته شد، مربوط به دوران اوایل غیبت است که محدثان و فقها تا حدودی مکمل یکدیگر بودند و همگی در مقابل جریان‌های ضدشیعه قرار داشتند. اما وضع در دوره تقابل اخباری و اصولی که از اواخر قرن دهم هجری آغاز شد، از این بدتر است که نمونه‌های آن را در مشاجرات بزرگانی چون محمدامین استرآبادی و وحید بهبهانی می‌بینیم.

مایل نیستم موارد تند مشاجرات را بیاورم. خوانندگانی که مایل‌اند بیشتر بدانند، می‌توانند به این کتاب‌ها و رساله‌های «فی الرد علی اصحاب العدد» و «فی ابطال العمل باخبار الاحاد» سیدمرتضی مراجعه کنند که جملات تندی نسبت به محدثان، بخصوص محدثان قم دارد.

## به اصل اختلاف نظر و تفاوت مشرب اعتراضی ندارم

### حل اختلافات با روش قرآنی «جادلهم بالتی هی احسن» نردبان تکامل است

او تأکید می‌کند: به اصل اختلاف نظر و تفاوت مشرب اعتراضی ندارم و آن را حق صاحب نظران می‌دانم و اگر در حل اختلافات با روش قرآنی «جادلهم بالتی هی احسن» (سوره مبارکه نحل، آیه شریفه ۱۲۵) عمل شود، آن را نردبان تکامل می‌دانم. اعتراض به شیوه



برخورد با مخالف است و بیشترین اعتراض به عوام الناس و افراد متعصب نادان است که میدان مباحثه و محاوره را به میدان نزاع، خصومت، برخورد و اتهام و گناهان کبیره تبدیل کنند.

## هشت اختلاف مهم اخباری و اصولی

هاشمی رفسنجانی در ادامه به تشریح موارد اختلاف اخباری و اصولی می‌پردازد و می‌گوید: موارد اختلاف اخباری و اصولی فراوان است و بعضی‌ها تا چهل و سه مورد را احصاء کرده‌اند اما بسیاری از آنها جزئی و مصداقی است ولی موارد مهم آن حدود هشت اختلاف است:

۱- اجتهاد و تقلید؛ اخباری‌ها همه را مقلد معصومان می‌دانند و نه غیرمعصوم و تقلید از غیرمعصوم را به تعبیر مرحوم استرآبادی تخریب دین می‌دانند و فقها نیاز به اجتهاد را با توجه به تعارض بسیار در احادیث و وجود صحیح و غیرصحیح و عام و خاص و ناسخ و منسوخ و مطلق و مقید و ظاهر و صریح و شرایط زمان و مکان و تقطیع در احادیث و مجمل و مبین و عدم وجود نص معتبر در بسیاری از موارد و وجود موارد تقیه در روایات و موارد جدید مستحدث و مشکلات دیگر را ضروری می‌دانند و تعطیلی اجتهاد را مساوی با تعطیلی بسیاری از احکام می‌خوانند و با توجه به عدم امکان حل این مسایل توسط عوام، تقلید از مجتهدان جامع شرایط را ناگزیر می‌بینند.

۲- علم اصول فقه؛ اخباری‌ها می‌گویند: «چون علم اصول در زمان حضور ائمه در شیعه نبوده و پس از غیبت و عملاً از زمان ابن ابی عقیل برای فهم احکام به وجود آمد، نمی‌تواند حجت برای احکام باشد.» اما اصولیون می‌گویند: «اولاً بسیاری از مباحث علم اصول در زمان ائمه رایج بوده از قبیل: حکم مالانصّ فیه، تعارض ادله، استحسان، استصحاب، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص، افتاء و تقلید، حکم نقل حدیث به مضمون، حکم شهرات موضوعی، اصالت الصحّه، قاعده‌دید، اصله الحقیقه و... ثانیاً اگر در زمان حضور معصوم و شاگردان موثق و مستقیم آنها امکان تحصیل علم به احکام، وجود داشته و استفاده از علم اصول با این وسعت ضرورت نداشته، در زمان غیبت بخصوص در زمان‌های بسیار فاصله گرفته از زمان حضور، ضرورت آن با توجه به قطعیت ادامه احکام الهی در هر موضوع و مورد، کاملاً ضروری است.»

۳- حجیت ظن؛ اخباریون برای اثبات حکم خدا علم و یقین می‌خواهند و حصول علم را از ناحیه روایات می‌دانند و برای ظن در این عرصه حجیت قایل نیستند و اصولیون با اینکه اهمیت زیادی به تحصیل و یقین علم می‌دهند، آن را برای همه احکام ممکن نمی‌دانند و آنها که معتقد به حجیت ظن برای اثبات احکام هستند، می‌گویند: «باب علم برای همه احکام مسدود است و اشتغال ذمه هم در مورد احکام قطعی است و با فرض انسداد باب علم که با مقدماتی آن را اثبات می‌کنند، راهی جز عمل به ظن که ادله‌ای بر حجیت آن می‌آورند، نمی‌ماند.» بحث‌ها در این مورد زیاد و در دسترس محققان است.

۴- ادله احکام؛ اخباریون ادله حکم شرعی را منحصر به کتاب و سنت و حتی بعضی از آنها منحصر به سنت می‌دانند. چون معتقدند قرآن ظنی الدلاله است و علم به مفاد آن با استعانت از سنت مقدور است اما اصولیون ادله احکام را در کتاب، سنت، عقل و اجماع می‌دانند. گرچه در حجیت اجماع قیودی هم می‌گذارند و می‌گویند: «اگر قرآن ظنی الدلاله است، سنت هم در موارد غیر متواتر که اکثریت آن را تشکیل می‌دهد، ظنی الصدور و در بسیاری از موارد ظنی الدلاله است.»

۵- حجیت عقل؛ مسلک اخباری تمسک به حکم عقل بصورت مستقل در اثبات احکام شرعی را نمی‌پذیرد، اگرچه مواردی به حکم عقل تمسک کرده‌اند و گاهی آن را به ضمیمه سنت معتبر می‌دانند، ولی اصولیون با استدلال‌های فراوان حجیت حکم عقل را ثابت و روشن می‌کنند که بدون اعتبار دادن به عقل بسیاری از احکام شارع مقدس بر زمین می‌ماند.

۶- اصول عملیه؛ اصولیون با تفاوت‌هایی به اصول عملیه در فقه استدلال می‌کنند، مانند اصل برائت، استصحاب، اشتغال و تخییر و یک رشته اصول دیگر که به عنوان اصول لفظیه مورد استناد است، از قبیل اصله الحقیقه، اصله العموم، اصله الظهور. ولی اخباری‌ها بعضی از آن اصول را برای اثبات حکم خدا کافی نمی‌دانند. گرچه به بعضی از آنها از قبیل ظهور روایات استناد می‌کنند، ولی ظهور آیات را به خاطر شبهاتی که ذکر کرده‌اند، مشروط به تأیید روایت می‌پذیرند. بحث و اختلاف بین پیروان این دو مکتب از این بیشتر و فراوان‌تر است و خوشبختانه دانشجویان حوزه‌های علمیه در این گونه مباحث اطلاعات زیادی دارند و نیازی به پرگویی نیست.

۷- بدعت؛ متأسفانه اتهام بدعت در دین در اثر این اختلافات از سوی هر دو طرف نسبت به طرف مقابل نقطه ضعفی در اخلاق پژوهش، مباحثه و محاوره است و انتظار نیست که اعاضلم فقه و حدیث مرتکب چنین اموری شوند.

۸- در اینجا فرق گذاشتن بین بدعت مصطلح و افکار بدیع و به اصطلاح نوآوری می‌تواند وجه جمع باشد. تعریف‌های متعددی از بدعت توسط علمای شیعه و سنی شده، ولی نمی‌توان نوآوری‌هایی را که در محدوده اصول و مبانی دینی و با پشتوانه، دلیل، برهان، عقل و مستندات دینی باشد، بدعت ممنوع دانست. مثلاً مسایلی مستحدثه که هر زمانی پیش می‌آید و لازم است حکم دین درباره آنها مشخص شود. اگر با مبانی و ادله معتبر، حکمی برای آنها تعیین شود، گرچه از نظر لغوی بدیع است اما حکم بدعت ممنوع را ندارد.

## خوارج، سلفی‌ها و وهابی‌ها در تاریخ اسلام بیش از همه دیگران را متهم به بدعت در دین کرده‌اند

او می‌افزاید: در تاریخ اسلام خوارج و سلفی‌ها و وهابی‌ها بیش از همه دیگران را متهم به بدعت در دین کرده‌اند.

هاشمی رفسنجانی درباره احکام شرعی و مصالح و مفاسد نیز بیان می‌کند:

۱- به نظر فقها و متکلمان شیعه و معتزله احکام اسلامی متکی به مصالح و مفاسد عقلی و نفس‌الامری است و حسن و قبح نفس‌الامری و عقلی باعث مصالح و مفاسد است.

۲- اشاعره و جمعی از اخباری‌ها مصلحت و مفسده و حسن و قبح را معلول حکم شارع می‌دانند و نه علت و دلیل و باعث.

۳- فقها به آیه شریفه: فاقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبديل لخلق الله ذالک الدین القیم (سوره مبارکه روم، آیه شریفه ۳۰) استناد کرده‌اند و روایات معتبر فراوانی را برای اثبات نظرشان مورد اشاره قرار داده‌اند از جمله:

روایات فراوانی که در کتاب شریف «علل الشرایع» مرحوم صدوق (علیه‌الرحمه) جمع‌آوری شده. یکی از آن روایات مهم برخورد تند حضرت (رضاع) در جواب کسی که مدعی شده بود احکام الهی برای ایجاد تعبد در مکلفان است و نه برای مصالح و مفاسد موجود در متعلقات احکام که امام (ع) پس از چند استدلال می‌فرمایند: «... انا وجدنا کلماً احل الله تبارک و تعالی فیه صلاح العباد و بقائهم ولهم

اليه الحاجه التي لا يستغنون عنها و وجدنا المحرم من الاشياء لاجاه للعباد اليه و وجدناه مفسدا داعيا الى الفناء و الهلاك» (بحار الانوار، ج ٦ ص ٩٣)

مرحوم علامه حلي در شرح تجريد مي فرمايد: «احكام شرعي وابسته به مصالح است و مصالح با تغيير زمان و به اختلاف مكلفان مختلف مي شود و بنا بر اين ممكن است حكمي در مورد قومي در زماني مصلحت باشد و در زماني ديگر يا براي قومي ديگر مفسده باشد.»

صاحب كفايه نيز در بحث دوران امر بين اقل و اكثر ارتباطي مي گويد: «استناد به اين روايات در كتب فقهی از اولين دوره فقاہت از قبيل مبسوط و مختلف الشيعه و جواهر الكلام تا امروز معمول بوده و هست و خواهد بود.»

باتوجه به نظر عدليه كه اوامر و نواهي را تابع مصالح و مفسد موجود در «مامور به» يا «منهي عنه» مي دانند، احكام وجوب و حرمت شارع هم لطفی در حق رسالت عقل است. (كفایه الاصول، چاپ موسسه آل البيت، ص ٣٦٤)

آيت الله هاشمي رفسنجاني با تشریح روند تشكيل مجمع تشخيص مصلحت نظام در ايران به برخی نامه‌های تاریخی بين سران قوا و حضرت امام خميني (ره) در جریان نیاز به تشكيل چنین مرجعی اشاره و تاکید می کند: ضرورت استفاده از مصلحت و احكام حكومتي در بسیاری از موارد غير قابل انكار است. او جای یک کتاب و یک تألیف جامع و مستقل در كتب فقهی برای فقه حكومتي و احكام حكومتي و نقش مصلحت در تشخيص موضوعات شرعي و احكام شرعي را خالی می داند.

آيت الله اكبر هاشمي رفسنجاني در ادامه گفت و گو با شفقنا (پايگاه بين المللی همکاری‌های خبری شيعه) به روند تشكيل مجمع تشخيص مصلحت نظام در ايران و نامه نگاری‌های تاریخی در آن مقطع می پردازد و درباره مصلحت اظهار می کند: عنوان احكام حكومتي و احكام مصلحتی گرچه به اختلافات اخباری و اصولی هم مرتبط است ولی زمينه و قلمرو آن بسیار وسيع تر از اين بخش است.

او بيان می کند: یکی از موارد مهمی كه اهميت نقش و اعتبار عقل و عقلا را در تشریح و قانونگذاری و تبیین معارف اسلامی نشان می دهد، موارد فراوان اخذ به مصلحت اقوی هنگام تعارض با مصلحت ضعيف يا پرهيز از مفسده بزرگ هنگام تعارض با مفسده کوچک يا به طور کلی حفظ يا تقويت مصلحت اجتماعی يا حتی فردی است كه تمامی اینها موارد فراوانی در ابواب فقه دارند و بسیاری از فقهای معتبر فتوی به اخذ مصلحت اقوی و پرهيز از مفسده بزرگتر و يا توجه به مصالح داده اند. جلوتر از آن بحث مهم تعادل و ترجیح در علم اصول فقه است كه با ادله بسیاری از ادله احكام معتبر و بسیاری از آنها غير معتبر شناخته می شود.

### سند احكام حكومتي عمدتاً حكم عقل است

هاشمی رفسنجانی درباره احكام حكومتي بيان می کند: كمتر محقق اسلام شناسی از فراوانی احكام حكومتي در ابواب فقه بی اطلاع است و روشن است كه سند احكام حكومتي عمدتاً حكم عقل است كه به خاطر تشخيص مصلحت توسط فقيه جامع الشرايط متكي به نيابت از امام معصوم، حكمی صادر می كند و جالب است كه اجرای اين گونه احكام بر همه حتی فقهای ديگر لازم است. اين گونه احكام بر احكام رايج و جاری حاكم است؛ البته موقت و محدود به بقا و دوام مصلحت است.

## ضرورت استفاده از مصلحت و احکام حکومتی در بسیاری از موارد غیرقابل انکار است

او می‌گوید: امروز که به لطف خداوند و جهاد علما و مردم متدین و ایثار و جانبازی نیروهای مجاهد از شهدا، جانبازان، مفقودان، آزادگان و عموم رزمندگان جمهوری اسلامی بر مبنای مکتب اهل بیت در کشور عزیز و عظیم ایران شکل گرفته، ضرورت استفاده از مصلحت و احکام حکومتی در بسیاری از موارد بدیهی و غیرقابل انکار است.

هاشمی رفسنجانی در ادامه به تاسیس مجمع تشخیص مصلحت می‌پردازد و بیان می‌کند: تاسیس نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط امام راحل که در علم، تقوی، هوش و تدبیر ایشان جای تردید نیست و اظهاراتی که در این خصوص و نیز اعتبار احکام حکومتی حاکم اسلامی و اعتبار مصالح در صدور احکام شرعی، اجتماعی و سیاسی فرموده‌اند، زنده‌ترین سند برای این بحث من است. خوشبختانه همه این اسناد در مجموعه صحیفه نور امام و در آرشیوهای صوتی و تصویری موجود قابل دسترسی است.

او می‌افزاید: از سال ۱۳۶۰ که در اثر اختلافات غیرقابل حل بین مجلس و شورای نگهبان این بحث‌ها شروع شد، جواب امام به نامه من و نیز جواب ایشان به نامه آیت‌الله خامنه‌ای و سپس فرمان تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و سرانجام دستور بازنگری قانون اساسی و گنجاندن مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی (چهل روز قبل از رحلتشان) و مطالب مهمی که در این نامه‌ها آمده در اعتبار بخشیدن به این بحث حائز اهمیت بسیار است.

او در ادامه با استناد به منبع صحیفه امام، به نامه خود در مقام ریاست مجلس شورای اسلامی اشاره و متن آن را چنین نقل می‌کند: محضر شریف حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

چنانکه خاطر مبارک مستحضر است، قسمتی از قوانین که در مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد به لحاظ تنظیمات کلی امور و ضرورت حفظ مصالح یا دفع مفاسدی که برحسب احکام ثانویه به طور موقت باید اجرا شود و در متن واقع مربوط به اجرای احکام و سیاست‌های اسلام و جهاتی است که شارع مقدس راضی به ترک آنها نمی‌باشد و در رابطه با این گونه قوانین به اعمال ولایت و تنفیذ مقام رهبری که طبق قانون اساسی هم قوای سه‌گانه را تحت نظر دارند، احتیاج پیدا می‌شود. علی‌هذا تقاضا دارد مجلس شورای اسلامی را در این موضوع مساعدت و ارشاد فرمایید.

در ادامه حضرت امام (ره) به نامه هاشمی رفسنجانی چنین پاسخ می‌دهند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت و کلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن و باید تصریح شود که هریک از متصدیان اجرا از حدود مقرر تجاوز نمود، مجرم شناخته می‌شود.

هاشمی رفسنجانی ادامه می‌دهد: پس از آن در سال ۱۳۶۶ امام جمعه‌ی تهران مطالبی را درباره برداشت‌های مختلف از نظر امام (ره) در نماز جمعه تهران مطرح کردند و نامه‌ای هم از سوی امام جمعه تهران خدمت امام (ره) نوشته شد، امام (ره) در پاسخ ایشان فرمودند:

پس از اهدای سلام و تحیت، من میل نداشتم که در این موقع حساس به مناقشات پرداخته شود و عقیده دارم که در این مواقع، سکوت بهترین طریقه است و البته نباید ماها گمان کنیم که هرچه می‌گوییم و می‌کنیم کسی را حق اشکال نیست. اشکال بلکه تخطئه یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها. لکن صحیح ندانستم که جواب مرقوم شریف و تقاضایی که در آن شده بود را به سکوت برگزار کنم. لهذا آنچه را که در نظر دارم به طور فشرده عرض می‌کنم.

از بیانات جنابعالی در نماز جمعه اینطور ظاهر می‌شود که شما حکومت را به معنای ولایت مطلقه‌ای که از جانب خدا به نبی اکرم - صلی‌الله علیه و آله و سلم - واگذار شده و اَهمّ احکام الهی است و بر جمیع احکام شرعی الهیه تقدم دارد، صحیح نمی‌دانید. و تعبیر به آنکه اینجانب گفته‌ام حکومت در چارچوب احکام الهی دارای اختیار است بکلی بر خلاف گفته‌های اینجانب بود. اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) یک پدیده بی‌معنی و محتوا باشد. اشاره می‌کنم به پیامدهای آن که هیچ کس نمی‌تواند ملتزم به آنها باشد؛ مثلاً خیابان کشتی‌ها که مستلزم تصرف در منزلی است یا حریم آن است در چارچوب احکام فرعی نیست. نظام وظیفه و اعزام الزامی به جبهه‌ها و جلوگیری از ورود و خروج ارز و جلوگیری از ورود یا خروج هر نحو کالا و منع احتکار در غیر دو سه مورد و گمرکات و مالیات و جلوگیری از گرانفروشی، قیمت‌گذاری و جلوگیری از پخش مواد مخدره و منع اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی، حمل اسلحه به هر نوع که باشد و صدها امثال آن که از اختیارات دولت است، بنا بر تفسیر شما، خارج است، و صدها امثال اینها.

باید عرض کنم حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم است یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی حتی نماز و روزه و حج است.

حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند؛ حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند؛ حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک‌جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی یا غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن، مادامی که چنین است جلوگیری کند؛ حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است، در موقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست، موقتاً جلوگیری کند.

آنچه گفته شده است تاکنون یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است. آنچه گفته شده است که شایع است مزارعه و مضاربه و امثال آنها، با آن اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می‌کنم که فرضاً چنین باشد این از اختیارات حکومت است و بالاتر از آن مسایلی است که مزاحمت نمی‌کنم.

ان‌شاءالله تعالی خداوند امثال جنابعالی را که جز خدمت به اسلام نظری ندارید، در پناه خود حفظ فرماید.

## نامه سران قوا به امام (ره)

هاشمی رفسنجانی در ادامه نامه سران قوا به حضرت امام را بیان می‌کند:

محضر مقدس رهبر عظیم‌الشان حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی دامت برکات و جوده الشریف

در سایه اظهارات اخیر آن وجود مبارک از لحاظ نظری مشکلاتی که در راه قانونگذاری و اداره جامعه اسلامی به چشم می‌خورد برطرف شده و همانگونه که انتظار می‌رفت این راهنمایی‌ها مورد اتفاق نظر صاحب‌نظران قرار گرفت. مسأله‌ای که باقی مانده شیوه اجرایی اعمال حق حاکم اسلامی در موارد احکام حکومتی است. در حال حاضر لوایح قانونی ابتدا در وزارتخانه‌های مربوط و سپس در کمیسیون مربوط در دولت و سپس در جلسه هیأت دولت مورد شور قرار می‌گیرد و پس از تصویب در مجلس معمولاً دو شور در کمیسیون‌های تخصصی دارد که با حضور کارشناسان دولت و بررسی نظرات متخصصان که معمولاً پس از اعلام و انتشار به کمیسیون‌ها می‌رسد انجام می‌شود و معمولاً یک لایحه در چند کمیسیون به تناسب مطالب مورد بررسی قرار می‌گیرد و دو شور هم در جلسه علنی دارد که همه نمایندگان و وزرا یا معاونان وزارتخانه‌های مربوط در آن شرکت می‌کنند و به تناسب تخصص‌ها اظهار نظر می‌کنند و پیشنهاد اصلاحی می‌دهند و اگر کار به صورت طرح شروع شود، گرچه ابتدا کارشناسی دولت را همراه ندارد ولی در کمیسیون‌ها و جلسه عمومی همانند لوایح، کارشناسان مربوط نظرات خود را مطرح می‌کنند پس از تصویب نهایی شورای نگهبان هم نظرات خود را در قالب احکام شرعی یا قانون اساسی اعلام می‌دارد که در مواردی مجلس نظر آنها را تأمین می‌نماید و در مواردی از نظر مجلس قابل تأمین نیست که در این صورت مجلس و شورای نگهبان نمی‌توانند توافق کنند و همین‌جاست که نیاز به دخالت ولی فقیه و تشخیص موضوع حکم حکومتی پیش می‌آید گرچه موارد فراوانی از این نمونه‌ها در حقیقت اختلاف ناشی از نظرات کارشناسانه است که موضوع احکام اسلام یا کلیات قوانین اساسی را خلق می‌کند.

اطلاع یافته‌ایم که جناب‌عالی درصدد تعیین مرجعی هستید که در صورت حل نشدن اختلاف مجلس و شورای نگهبان از نظر شرع مقدس یا قانون اساسی یا تشخیص مصلحت نظام و جامعه، حکم حکومتی را بیان نماید. در صورتی که در این خصوص به تصمیم رسیده باشید باتوجه به این که هم‌اکنون موارد متعددی از مسایل مهم جامعه بلامتکلیف مانده سرعت عمل مطلوب است.

سیدعلی خامنه‌ای، عبدالکریم موسوی، میرحسین موسوی، سیداحمد خمینی، اکبر هاشمی رفسنجانی

## جواب امام(ره) به نامه سران

به گفته هاشمی رفسنجانی، امام به سران چنین پاسخ می‌دهند: گرچه به نظر اینجانب پس از طی این مراحل، زیر نظر کارشناسان که در تشخیص این امور مرجع هستند، احتیاج به این مرحله نیست لکن برای غایت احتیاط در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای محترم شورای نگهبان و حضرات حجج‌اسلام خامنه‌ای، هاشمی، اردبیلی، توسلی، موسوی خوئینی‌ها و جناب آقای میرحسین موسوی و وزیر مربوط برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد و در صورت لزوم از کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت‌های لازم رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع مورد عمل قرار گیرد. احمد در این مجمع شرکت می‌نماید تا گزارش جلسات به اینجانب سریعتر برسد. حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد.

امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام‌نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمانهای دور و نزدیک زیر سوال برد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند. از خدای متعال می‌خواهم تا در این مرحله حساس آقایان را کمک فرماید.

## دستور امام(ره) برای بازنگری در قانون اساسی

او در ادامه دستور امام(ره) برای بازنگری در قانون اساسی را یادآوری می‌کند:

جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران دامت افاضاته

از آنجا که پس از کسب ده سال تجربه عینی و عملی از اداره کشور اکثر مسوولین و دست‌اندرکاران و کارشناسان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده‌اند که قانون اساسی با اینکه دارای نقاط قوت بسیار خوب و جاودانه است، دارای نقایص و اشکالاتی است که در تدوین و تصویب آن به علت جو ملتهب ابتدای پیروزی انقلاب و عدم شناخت دقیق معضلات اجرایی جامعه کمتر به آن توجه شده است، ولی خوشبختانه مسأله متمیم قانون اساسی پس از یکی دو سال مورد بحث محافل گوناگون بوده است و رفع نقایص آن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر جامعه اسلامی و انقلاب ماست و چه بسا تأخیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب گردد و من نیز بنا بر احساس تکلیف شرعی و ملی خود از مدت‌ها قبل در فکر حل آن بوده‌ام که جنگ و مسایل دیگر مانع از انجام آن می‌گردید.

اکنون که به یاری خداوند بزرگ و دعای خیر حضرت بقیه‌الله روحی له الفداء، نظام اسلامی ایران راه سازندگی و رشد و تعالی همه جانبه خود را درپیش گرفته است، هیاتی را برای رسیدگی به این امر مهم تعیین نموده‌ام که پس از بررسی و تدوین و تصویب موارد و اصولی که ذکر می‌شود، تأیید آن را به آرای عمومی مردم شریف و عزیز ایران بگذارند.

الف) حضرات حجج اسلام والمسلمین و آقایانی که برای این مهم درنظر گرفته‌ام:

۱- حضرات حجج اسلام و المسلمین و آقایانی که برای این مهم درنظر گرفته‌ام: ۱- آقای مشکینی ۲- آقای طاهری خرم‌آبادی ۳- آقای مؤمن ۴- آقای هاشمی رفسنجانی ۵- آقای امینی ۶- آقای خامنه‌ای ۷- آقای موسوی نخست‌وزیر ۸- آقای حسن حبیبی ۹- آقای موسوی اردبیلی ۱۰- آقای موسوی خوئینی‌ها ۱۱- آقای محمدی گیلانی ۱۲- آقای خزعلی ۱۳- آقای یزدی ۱۴- آقای امامی کاشانی ۱۵- آقای جنتی ۱۶- آقای مهدوی کنی ۱۷- آقای آذری قمی ۱۸- آقای توسلی ۱۹- آقای کروی ۲۰- آقای عبدالله نوری، که آقایان محترم از مجلس خبرگان و قوای مقننه و اجرائیه و قضائیه و مجمع تشخیص مصلحت و افرادی دیگر و نیز پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به انتخاب مجلس انتخاب شده‌اند.

ب: محدوده مسائل مورد بحث:

- ۱- رهبری
- ۲- تمرکز در مدیریت قوه مجریه
- ۳- تمرکز در مدیریت قوه قضائیه
- ۴- تمرکز در مدیریت صدا و سیما به صورتیکه قوای سه‌گانه در آن نظارت داشته باشند.
- ۵- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی
- ۶- مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد.

۷- راه بازنگری به قانون اساسی

۸- تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی

ج: مدت برای این کار حداکثر دو ماه است.

\*\*\*

هاشمی رفسنجانی در ادامه توضیح می‌دهد: در اول کار امام به اکثریت مطلق و سپس به اکثریت دو سوم نمایندگان مجلس اجازه دادند که با کارشناسی عالمانه و به عنوان ضرورت و بصورت موقت و بدون نیاز به موافقت شورای نگهبان قانون بگذارند و حکم صادر نمایند. پس از آنکه مشکلاتی از این رهگذر بروز کرد، مجمع را با تعیین افرادی معین تأسیس کردند و سرانجام چهل روز قبل از رحلت جانگذازشان دستور گنجاندن مجمع تشخیص مصلحت را در قانون اساسی صادر کردند. گرچه این اقدامات عملی و توضیحی امام در تاریخ منحصر به فرد است، اما اصل این مطالب در کتب اکثر فقها در تاریخ فقه شیعه وجود دارد.

در ابواب قضاء، امر به معروف و نهی از منکر، ولایت و جاهای دیگر به تناسب موضوعات گوناگون احکام حکومتی اسلامی مورد بحث و استدلال است. در موارد تعیین زکات بر اموال خاص، تقیه یا نفی تقیه، تخریب ساختمان‌ها در موارد خاص، فروش اموال محتکران، مصادره اموال، رؤیت هلال، تعزیرات و ... بحث‌های قابل توجهی از بعد اختیارات حکومت اسلامی و ولی فقیه وجود دارد که نقش عقل و عقلا در تشخیص موضوع با حکم شرعی واضح است.

### جای یک کتاب برای احکام حکومتی و نقش مصلحت در تشخیص موضوعات شرعی خالی است

او به یک خلاء نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: متأسفانه جای یک کتاب و یک تألیف جامع و مستقل در کتب فقهی ما برای فقه حکومتی و احکام حکومتی و نقش مصلحت در تشخیص موضوعات شرعی و احکام شرعی خالی است.

شاید فقهای ادوار گذشته عذر موجهی به خاطر نبودن حکومت اسلامی یا عدم التزام دولت‌های مسلمان به اجرای نظرات فقها داشته باشند اما امروز آن عذرها نیست.

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: حکومت اسلامی بر مبنای مکتب اهل بیت تشکیل شده و مستقر گردیده و در قانون اساسی حاکمیت احکام اسلامی بر همه مقررات مورد تأکید قرار گرفته و با تأسیس شورای نگهبان، ضمانت اجرایی آن تأمین گردیده و با تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و ادله محکمی که امام راحل آیت‌الله العظمی خمینی(ره) اقامه کرده‌اند، راه‌حل مسایل جدیدالاحداث و مورد ضرورت و مصالح مرسله و سدّ ذرایع که در فقه اهل سنت مورد توجه و مقدمات واجب یا حرام شناخته و قانونی شده است.

او می‌گوید: انتظار این است که در تحقیقات، درس‌ها، مقالات و کتب اصولی و فقهی صادره از حوزه‌های علمیه این مسایل موشکافانه و عالمانه مورد بحث قرار گیرد و علوم دینی و تحصیل فقه به غنای لازم برسد.



آیت الله هاشمی رفسنجانی با اشاره به نوآوری‌های حضرت امام (ره) در صدور فتواهای جدید، طرح نظریه لزوم تشکیل حکومت اسلامی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حکم به حرمت تقیه، خارج ساختن اصل ولایت فقیه از کما و حالت ضعیف موجود در فتاوی گذشته، تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و فتوای معروف درباره شطرنج و موسیقی را نمونه‌هایی از ابداعات حضرت امام خمینی (ره) معرفی می‌کند.

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در جریان گفت و گوی مکتوب با شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) درباره نوآوری‌های امام خمینی (ره) اظهار کرد: ابداعات و نوآوری‌های نظرات و فتاوی امام (ره) آنقدر زیاد است که فهرست همه آنها در این مقاله نمی‌گنجد. یکی از مراجع محترم، اخیراً به اینجانب گفتند که در بررسی‌های خودشان به بیش از یکصد مورد نوآوری در فتاوی امام برخورد کرده‌اند.

هاشمی رفسنجانی در ادامه به موارد و نمونه‌هایی از نوآوری‌های بنیادی امام خمینی (ره) اشاره می‌کند:

۱- طرح نظریه لزوم تشکیل حکومت اسلامی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی: این اصل، موضوعی است که در طول تاریخ بعد از غیبت امام عصر (عج) کمتر به سابقه روشنی برای آن در نظرات فقها برخورد می‌کنیم و جالب اینکه امام در این مورد از سطح نظریه‌پردازی فراتر رفتند و برای عملی کردن آن جهاد عظیمی را سازمان دادند و با پشتکار ستایش‌انگیزی کار را به نتیجه رساندند و خط بطلان بر نظرات منفی بافانه‌ای که مبارزه را به «مشت و سندان» یا «بر آهن سرد کوفتن» تشبیه می‌کردند، کشیدند و به ابطال نظریه نادرست «هر پرچمی که قبل از ظهور امام عصر (عج) برای حکومت اسلامی بلند شود، پرچم ضلال است» همت گماردند.

۲- حکم به حرمت تقیه: امام (ره) در امر مبارزه نوآوری دیگری داشتند. ایشان برای تقویت مقاومت و جهاد حکم دادند که در راه مبارزه با رژیم مستبد و فاسد پهلوی و استعمار حاکم بر آن، تقیه ولو بلغ ما بلغ حرام است.

۳- خارج ساختن اصل ولایت فقیه از کما و حالت ضعیف موجود در فتاوی گذشته: این نظریه معمولاً در سطح امور حسبه مطرح بود و در میدان عمل کمتر اثری از آن به چشم می‌خورد. امام (ره) با تبدیل آن به محور حکومت اسلامی و تأسیس ساختارهای مناسب برای آن، این نظریه سیاسی شیعه را احیا نمودند و طرفه اینکه این امر را در حال تبعید از ایران و زندگی در کشوری که سایه استبداد بعث عراق آن را سیاه‌تر از استبداد سیاه ایران دوران پهلوی قرار داده بود و در حوزه بی‌رمق آن روز نجف اشرف آغاز کردند و با طرح فقیهانه آن عمق و جهت جدیدی به مبارزه دادند.

۴- تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: امام (ره) با اتکاء به ادله روشن فقهی و کلامی که اصلاً سابقه تاریخی نداشت، به تأسیس این مجمع اقدام کردند. لازم به ذکر است که با اینکه مبانی مجمع تشخیص مصلحت نظام همیشه در بحث‌های فقهی حوزه وجود داشت و اموری از قبیل تقدم مصلحت اقوی بر مصلحت ضعیف، دفع افسد به فاسد، محور قرار گرفتن مصالح نظام اسلامی برای فتواها در فقه متداول ما جایگاه شناخته‌ای دارد، اما امام با این نوآوری که در حقیقت احیای فقه راستین شیعه بود، بن‌بست اساسی را که در قانون‌گذاری نظام پیش آمده بود، باز کردند و راهی برای حل مشکل حکومت‌هایی که بخواهند بر محور عقیده و ایدئولوژی و اصول ثابت حرکت کنند، طراحی کردند.

نکته بسیار مهمی که نباید از آن غفلت کرد، آن است که امام در همین موضوع و در جواب نامه‌ای که به رییس‌جمهور و امام جمعه وقت نوشتند، نکته مهم و بدیعی را مورد تأکید قرار دادند. ایشان در جواب نامه سران قوا که پس از اطلاع از تصمیم امام مبنی بر تأسیس نهادی جهت حل بن‌بست موجود، خواستار سرعت عمل در آن شده بودند، نوشتند که در صورت انجام کارشناسی معتبر برای

تصویب قوانینی که ظاهراً مورد انتقاد فقهی بعضی از علما واقع می‌شود، احتیاجی به چنین نهادی هم نیست و همان کارشناسی مجوز تصویب قانون است، و تنها برای مراعات احتیاط بود که مجمعی برای تشخیص بهتر و کارشناسانه‌تر مسایل شکل گرفت.

۵- فتوای معروف درباره شطرنج و موسیقی: امام (ره) با بیان این مساله هم نوآوری کردند و هم بسیاری از مشکلات موجود را رفع کردند. این در حالی است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی که با جمعی از علما در زندان بودیم، بر سر موسیقی آنچنان مشکل داشتیم که آرم اخبار رادیو هم به نظر جمعی از آنها حرام شمرده می‌شد و هنگام نواختن آرم قبل از اخبار، صدای رادیو را می‌بستیم.

۶- امام درباره وسعت قلمرو فقه جملاتی بسیار مهم و تاریخی دارند که می‌تواند منشا تحول وسیعی در تحقیقات علوم دینی شود و فضای نامحدودی را قلمرو فقه قرار دهد.

جلد اول دایره المعارف فقه مقارن در صفحه ۶۵ جمله زیر را از امام نقل کرده است: «فقه؛ تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.» دایره المعارف این جمله را برای اثبات گستردگی قلمرو فقه آورده است و اگر دو جمله قبل از این جمله هم مورد توجه قرار گیرد؛ استدلال کاملتر است.

امام در پیام مهمی که در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۳ خطاب به مراجع، روحانیون، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات سراسر کشور داشتند، نوشتند: «در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است؛ حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹)

## ایران از صدر اسلام تاکنون مأوای طرفداران اهل بیت بوده است

### ایران بهترین موقعیت جغرافیای سیاسی کره زمین را دارد

او پیشنهاد می‌کند که خوانندگان این مطلب، پیام مهم امام (ره) را که چند ماه قبل از خاموش شدن مشعل وجودشان نوشته اند را نیز بخوانند و ادامه می‌دهد: نکته جالب در این پیام علاوه بر جامعیت آن، این است که امام این نظریه وسعت قلمرو فقه را بر اساس همان فقه سنتی و جواهری ارائه می‌دهند و بر همان اساس، فقه را پویا می‌بینند. توجه ویژه ای در این پیام در خصوص آسیب‌های وارده بر اسلام از ناحیه افراطیون سلفی و غالی و متحجران و مقدس نماهای خشک و منادیان جدایی دین از سیاست شده است. اکنون در کشور ایران که از صدر اسلام تاکنون مأوای طرفداران اهل بیت بوده و بهترین موقعیت جغرافیای سیاسی کره زمین را دارد و مجموعه‌ای از منابع طبیعی و ذخایر کانی موجود زمین را در خود دارد، با مردمی برخوردار از سطح بالای هوش، اولین حکومت بر اساس مکتب اهل بیت به نیابت از امام زمان حضرت صاحب‌الامر (عج) تشکیل یافته و ساختار نظامش را با محوریت نیابت از ولی عصر شکل داده و در پرتو آن نیروهای عالم و توانمندی در معارف اسلامی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها رشد یافته‌اند و جریان بالنده‌ای از تحقیق و تولید دانش را در اختیار دارد.

## حجت بر اهل درد تمام است

هاشی رفسنجانی می‌گوید: دعوت مکرر رهبر انقلاب برای توسعه کرسی‌های آزاداندیشی در فضای کشور طنین انداخته و مشتاقان زیادی از آن استقبال کرده‌اند و در مقابل هم هستند کسانی که دم از تحجر، جمود، سلفی‌گری و تقلید می‌زنند و با حسن نیت - اما همراه با اشتباه - حجاب پژوهش و تحقیق آزادمنشانه می‌شوند. در این شرایط حجت بر اهل درد تمام است. اگر از این فرصت که مثل همه فرصت‌ها مثل ابرها از فضای زندگی عبور می‌کند، بهره نگیریم، عذری در پیشگاه دعوت عام قرآن برای تفکر و جهاد فکری و انتخاب احسن از میان اندیشه‌های سازنده در همه زمینه‌ها و نشر دعوت قرآن برای جویندگان راه حق نداریم، بخصوص توسعه اعجاب‌انگیز ابزار اطلاع‌رسانی امکان نشر دعوت قرآن و سنت را آسان کرده، همانگونه که نشر دعوت به خلاف و انحراف را هم همراه جاذبه‌های خاص خودش رواج داده است.

آیت الله هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه راه کشف حق و دعوت به حق از طریق گفت‌وگوی خوب به دست می‌آید، یادآوری می‌کند که اگر آزاداندیشی و روشنفکری دینی سرمایه همه اطراف مذاکره باشد، می‌توان به حل بسیاری از مشکلات امیدوار بود. او که تعصب، لجاجت و یکدندگی را مانع دستاوردهای ارزنده در مذاکره می‌داند، معتقد است: اگر مناظره‌ها با هدف، شیوه و شرایط صحیح انجام نشود، می‌تواند عامل تفرقه، نزاع و خصومت شود.

## انجام گفت‌وگو لازمه آزاداندیشی است

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت‌وگو با شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) به شرایط گفت‌وگو و مذاکره و ملزومات آن پرداخته و بیان می‌کند: انجام گفت‌وگو لازمه آزاداندیشی است و مبادله افکار به شیوه‌های مختلف امکان تحقق دارد که مهمترین آنها گفت‌وگو یا با مذاکره و با مکاتبه است که در بحث‌ها به صورت‌های علوم مقارن، احتجاجات، مراجعات، میزگردها و مشابه آنها انجام می‌پذیرد. در اینجا به چند موضوع و سنت حسنه علمای اسلام در گذشته اشاره می‌کنم و انتظار دارم محققان عزیز به این نکات توجه مخصوص عنایت کنند: احتجاج، مناظره، مجادله و پرسش و پاسخ از سنت‌های جاریه ادیان آسمانی انجام احتجاج با مخالفان بوده و قرآن گواهی می‌دهد که همه انبیاء با مخالفان احتجاج و مجادله داشته‌اند. در خود قرآن آیات زیادی درباره ضرورت مجادله برای هدایت منحرفان آمده و به شیوه‌های گوناگون مطرح شده، ولی تأکید بر جدال احسن دارد که مفهوم و مصادیق آن روشن است و به چند نمونه اشاره شود:

— «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» (سوره مبارکه نحل، آیه شریفه ۱۲۵)

— «ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن» (سوره مبارکه عنکبوت، آیه شریفه ۴۶)

— «و تلک حجتنا آتیناها ابراهیم علی قومه» (سوره مبارکه انعام، آیه شریفه ۸۳)

برنامه احتجاج در سیره پیغمبر(ص) و ائمه(ع) و بزرگان آنقدر واضح و فراوان است که نیاز به استدلال ندارد و بدون استثناء تمامی معصومان اهل بیت فصلی از معارف اسلام را در احتجاجات بیان فرموده‌اند.

او می‌گوید: جای تعجب است که بعضی از صاحب‌نظران معتقد به عدم جواز مجادله و احتجاج هستند و به بعضی از روایات تمسک می‌کنند که مربوط به مورد خاص و فرد خاص و شرایط خاص است. می‌بینیم که مرحوم سیدمرتضی در این خصوص از استادش شیخ مفید توضیح می‌خواهد. سید می‌گوید: «به استاد مفید گفتیم که معتزله و حشویه می‌گویند اقدام شما در مناظره‌ها مخالف اصول و عملکرد امامیه است و استاد در جواب گفت: هم معتزله و هم حشویه و هم بعضی از خود افراد امامیه در این ادعا اشتباه می‌کنند و من

در دو کتاب «الکامل فی علوم الدین» و «الارکان فی دعائم الدین» ادله محکمی برای اثبات جواز و ضرورت مناظره و احتجاج و عمل بسیاری از بزرگان آورده‌ام.

علامه طبرسی مولف کتاب ارزشمند «احتجاج» در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «یکی از علل اقدام به جمع احتجاجات انبیاء و ائمه و اصحاب آنها این است که دیدم بعضی از اصحاب امامیه منکر جواز آن شده‌اند.»

هاشمی رفسنجانی در ادامه به فقه مقارن اشاره و بیان می‌کند: از نکات مهم علمای پیشتاز فقه امامیه فقه مقارن است که افتخارات و آثار مهمی برای اسلام به بار آورده است. از نمونه‌های مهم این سنت کتاب «خلاف» مرحوم شیخ طوسی است که موارد اختلافی فقهی مذاهب سنی و شیعه را مشخص کرده و دلیل نظرات شیعی را می‌گوید. این کتاب بعدها یکی از موضوعات مورد توجه فقها می‌شود و برای آن شرح و تفسیر و یا خلاصه و چیزهای شبیه آن نوشته می‌شود. این سنت بخاطر آثار خوبی که در توسعه علوم دینی به بار آورد، در زمینه‌های کلامی، فلسفی و اجتماعی هم رایج شد و خود تبدیل به یک علم (علم خلاف) شد.

### اگر علم خلاف با هدف حقیقت‌یابی دنبال شود، می‌تواند عامل وحدت باشد

او می‌افزاید: خوشبختانه در طول تاریخ اسلام این سنت با نشیب و فرازهایی ادامه یافت و امروز هم به عنوان یک رشته در بسیاری از دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. ولی حوزه‌های علمیه که مبتکر آن بوده‌اند، خیلی به این رشته علمی توجه ندارند. گرچه در خلال بحث‌های هرساله ممکن است اشاره‌ای هم به نظرات مخالف مذاهب دیگر بکنند. البته سوءاستفاده‌هایی هم از این میدان در جهت تفرقه در امت اسلامی شده و می‌شود. اما اگر این علم با هدف حقیقت‌یابی دنبال شود، می‌تواند عامل وحدت باشد. چون در موارد زیادی به زمینه‌های مشترک می‌رسیم و در مواردی هم دلیل نظرات مخالف پذیرفته می‌شود یا لاقلاً قابل توجه ارزیابی می‌شود و بر سوءنیت و تعصب حمل نمی‌شود. رسم مجالست، محاوره و مباحثه بین‌الائتینی یا جمعی امروز در همه مسایل مهم پذیرفته شده و به صورت میزگردها، همایش‌ها و کنفرانس‌ها و ... باعث پیشرفت علوم و حل مشکلات و نزدیک کردن نظرات می‌شود.

او می‌گوید: یکی دیگر از بزرگان فقها که توجه زیادی به فقه مقارن داشته، مرحوم آیت‌الله علامه حلی صاحب کتاب «مختلف الشیعه» است که در نیمه دوم قرن هفتم هجری می‌زیست. ایشان سه اثر مهم در فقه مقارن دارند که دو کتاب در مقایسه فقه شیعه با فقه مذاهب اهل سنت است. کتاب‌های «تذکره الفقها» و «منتهی المطلب» که دومی مفصل‌تر است و یک دوره کتاب فقه مقارن مخصوص مقایسه بین نظرات فقهای شیعه به نام «مختلف الشیعه» است که از باب طهارت تا دیات را پوشش می‌دهد که اخیراً با همت جامعه مدرسین بصورت خوبی تجدید چاپ شده است.

### آداب گفت‌وگو: جدال احسن

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: قرآن کریم صریحاً از پیغمبر(ص) و مسلمانان خواسته که در دعوت دیگران و دفاع از حق و مباحثه با اربابان ادیان دیگر مجادله احسن را انتخاب کنند. کلمه «احسن» همه شرط‌های گفت‌وگوی موفق و خوب را در بردارد و نیز خالی بودن مذاکره از موارد نادرست را که مانع پذیرش حقیقت می‌شود، می‌خواهد. در آیات و روایات و کلمات بزرگان و تجربه گفت‌وگوها، مجموعه‌ای از شرایط و موانع موجود است که به بیان چند نکته مهم که خود قرآن اشاره دارد، بسنده می‌کنم.

- ۱- مفهوم جامع احسن می‌تواند شامل لحن سخن، الفاظ، آهنگ صدا، حرکات دست و پا و ژست‌ها باشد.
  - ۲- محتوای کلام: عالمانه‌بودن، حق بودن، استحکام استدلال «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم»
  - ۳- عقیده و فکر و نیت صادقانه و برای حق و حقیقت و نه سلطه طلبی و کسب پیروزی ظاهری و کسب شهرت و برخورداری از عمل صالح و خالی بودن از تعصب‌های شخصی و تکیه بر مشترکات بر حق.
  - ۴- برخورداری از صبر، بردباری، تحمل و آشنایی به روانشناسی و ملاحظه حال طرف.
  - ۵- توجه به ابعاد عاطفی که در کنار حکمت آمده، (موعظه حسنه).
  - ۶۶- آشنایی به فنون محاوره‌های موفق که امروز رشته‌های از رشته‌های دقیق مراکز علمی است. قرآن نتیجه مجادله احسن را تبدیل دشمن به دوست و رفع اختلاف و کدورت معرفی می‌کند.
- و متن چند آیه:

— ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن  
— ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلموا منهم  
می‌بینیم که در طرف هم شرط‌هایی است، منجمله ظالم نبودن که تفسیر به عناد در مقابل حق شده که در سه آیه بعد (۴۹)  
می‌فرماید: «وما یجحد بآیاتنا الا الظالمون»

در مورد اهمیت تکیه بر مشترکات در همان آیه ۴۶۶ می‌فرماید: «وقولوا امناً بالذی انزل الینا و انزل الیکم و الهنا و الهکم واحد»  
در مورد نقش صبر و سعه صدر در حسن گفت‌وگو پس از آیه ۱۲۶۶ نحل در دو آیه پشت سرهم تأکید بر صبوری دارد «ولئن صبرتم  
لهو خیر للصابرین و اصبر و ماصبرک الا بالله ( آیات ۱۲۷ و ۱۲۸)

و نیز در سه آیه ۳۳، ۳۴ و ۳۵ سوره فصلت که هم دعوت و هم دفاع در راه خدا را مطرح می‌کند، صبر را مقوم و مکمل کار می‌داند.  
در این سه آیه یک اصل مهم دیگر برای متصدی دعوت و گفت‌وگو هم مطرح شده و آن صلاحیت نفسانی و عملی است:  
و من احسن قولاً ممن دعا الی الله و عمل صالحاً و قال اننی من المسلمین ولا تستوی الحسنه و لا السیئه اذفع بالتی هی احسن  
فاذالذی بینک و بینه عداوه کانه ولی حمیم ما یلقیها الا الذین صبروا و ما یلقیه الا ذو حظ عظیم  
شرط مهم مذاکره کننده موفق داشتن صلاحیت فاعلی است یعنی دارای صفات عالی انسان مبلغ راه حق  
او توضیح می‌دهد: خداوند نتیجه دعوت و دفاع را که روح مجادله در راه حق است، مشروط به صلاحیت داعی و مدافع و نیز داشتن  
هدف الهی آنچنان جدی می‌بیند که می‌فرماید دشمن تبدیل به دوست صمیمی (ولی حمیم) می‌شود. جالب است که مفسران «ذو حظ  
عظیم» را به صلاحیت فاعلی تفسیر کرده‌اند که شرط مهم مذاکره کننده موفق است که باید دارای صفات عالی انسان مبلغ راه حق  
باشد.

**راه کشف حق و دعوت به حق از طریق گفت‌وگوی خوب به دست می‌آید**

هاشمی رفسنجانی تاکید می‌کند: با این بحث فشرده درباره گفت‌وگوی هدف‌دار می‌توانیم نتیجه بگیریم که امروز راه کشف حق و دعوت به حق از طریق گفت‌وگوی خوب بدست می‌آید که شامل: مذاکره، مباحثه، میزگرد، مجادله، احتجاج و علوم مقارن، منجمله فقه، کلام، پرسش و پاسخ است. اگر آزاداندیشی سرمایه همه اطراف مذاکره باشد می‌توان به حل مشکلات امیدوار بود

### **تعصب، لجاجت و یکدندگی مانع دستاوردهای ارزنده است**

او می‌افزاید: اگر آزاداندیشی و روشنفکری دینی سرمایه همه اطراف مذاکره باشد و شروط لازم بر فضای بحث حاکم باشد، می‌توان امیدوار بود که بسیاری از مشکلات حل گردد و بسیاری از ابهام‌ها برطرف شود و بسیاری از خصومت‌ها تبدیل به دوستی گردد و در نتیجه راه خدا که همان حقیقت و راه حق است، آشکار شود. ولی مطمئناً تعصب، لجاجت و یکدندگی مانع این همه دستاوردهای ارزنده است.

**اگر مناظره‌ها با هدف، شیوه و شرایط صحیح انجام نشود، می‌تواند عامل تفرقه، نزاع و خصومت شود**  
هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: در اینجا تذکر یک نکته ضروری است که اگر مناظره‌ها با هدف، شیوه و شرایط صحیح انجام نشود، می‌تواند عامل تفرقه، نزاع و خصومت شود و هدف دعوت یا دفاع را تأمین نکند و دو مورد از مهمترین ارکان خود را که حکمت و موعظه حسنه است، نخواهد داشت.

### **تعلیم و تعلم محور بحث آزاداندیشی و روشنفکری است**

#### **اسلام آموزش را در رأس برنامه‌های انبیاء معرفی کرده است**

او در ادامه به مقوله آموزش می‌پردازد و به شفقنا می‌گوید: تعلیم و تعلم محور بحث آزاداندیشی و روشنفکری است و اسلام آن را در رأس برنامه‌های انبیاء معرفی کرده و در این میدان اسلام بیش از سایر ادیان تأکید دارد. در آیات فراوانی عبارت: «یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب و الحکمه و یزکیهم» (سور مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۲۹) با تفاوت‌هایی در الفاظ و تقدم و تأخر آمده است. (در سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۵۱، سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۴۸، همان سوره، آیه شریفه ۱۶۴ و سوره مبارکه جمعه، آیه شریفه ۲).

#### **آموزش در هر دو بخش تعلیم و تعلم با لجاجت و تعصب سازگاری ندارد**

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: آموزش در هر دو بخش تعلیم و تعلم با لجاجت و تعصب سازگاری ندارد و حقیقت‌جویی و حقیقت‌گویی رکن اصلی شناخت و دانش است. تعصب و تقلید کور و لجاجت و یکدندگی حجاب دانش و مانع پی‌بردن به حقیقت است و روشن ضمیری و حق‌پذیری و انصاف و حق‌گویی شرط معرفی و دریافت حقیقت است و این نقاط در همه علوم صدق می‌کند. او اظهار می‌کند: در این میان وقتی که آموزش مربوط به عقاید و افکار دینی و سرنوشت انسان و رابطه خدا و انسان و دنیا و آخرت می‌شود، حساسیت و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در اینجا دعوت به حق و دفاع از حق و حالت تسلیم در مقابل حق و صلاحیت عملی نقش بنیانی دارد. آیه «من احسن قولاً ممن دعا الی الله و عمل صالحاً و قال اننی من المسلمین» (سوره مبارکه فصلت، آیه شریفه ۳۳)

سه رکن مهم آموزش را در این میدان مورد توجه قرار داده است: ۱- هدف ۲- شایستگی عملی ۳- تسلیم بودن در مقابل حق و اگر این ارکان در هر دو طرف آموزگار و دانش‌آموز وجود داشته باشد، تحقق هدف قطعی است.

### وظایف حوزه‌های علمیه دینی، مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها بسیار خطیر است

هاشمی رفسنجانی از این بحث نتیجه می‌گیرد که وظایف حوزه‌های علمیه دینی، مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها بسیار خطیر است و غفلت از اصول و فروع آموزش و ندیده گرفتن «آداب المعلمین و المتعلمین» از نتیجه کار می‌کاهد و گاهی حرکت را به بی‌راهه می‌برد. او در ادامه به بحث ضرورت پرسش و پاسخ می‌پردازد و می‌گوید: امروز به لطف خدا مراجع و مراکز زیادی برای دریافت و پاسخ به سوالات و ایرادها در حوزه و جاهای دیگر و در اینترنت و مراکز آموزش‌های مجازی وجود دارد و آثار خوبی هم دارد. او می‌افزاید: نمونه خوب پرسش و پاسخ را در کتاب ارزشمند و آموزنده «المراجعات» تألیف سیدعبدالحسین شرف‌الدین موسوی می‌بینیم. این عالم مجاهد در زمان حساس حیات خویش شاهد تهاجم کفر جهانی به اسلام و میهن بوده و زمینه این تهاجم را در تفرقه و تنازع مسلمین و بخصوص پیروان مکتب اهل بیت و مذاهب اهل سنت دیده است. وی در سفری به مصر در سال ۱۳۳۹ هجری قمری با عالمی متعهد، دلسوخته و دردمند از اهل سنت، مرحوم علامه شیخ سلیم البشیری، رییس جامع الازهر ملاقات می‌کند. این دو عالم با مذاکرات طولانی پی به عوامل تفرقه و ضعف مسلمین می‌برند و با هم قرار می‌گذارند در یک سری پرسش و پاسخ عوامل اختلاف و تفرقه و تفاوت عقاید و اعمال را مطرح کنند و از این طریق مرهمی بر زخم‌های کهنه جهان اسلام بگذارند. باتوجه به تقدم سنی و علمی سیدشرف‌الدین مقرر می‌شود که علامه شیخ سلیم پرسشگر و علامه شرف‌الدین جوابگو و سوال و جواب‌ها مکتوب باشد و سپس برای هدایت جوامع اسلامی منتشر شود که مجموعه یکصد و دوازده نامه پرسش و پاسخ در این کتاب گرانسنگ آمده است.

شیخ الازهر در آخرین نامه (به شماره ۱۱۱۱) مطالبی می‌نویسد که خلاصه آن این است: «شهادت می‌دهم که در اصول و فروع منطبق با ائمه اهل بیت رسول هستید و شما خوب آن را ثابت کردید و جای شک نیست و تشکیک در آن مایه گمراهی است... من قبلاً در اثر شنیدنی‌های نادرست در اشتباه بودم و با توفیق دیدار و مذاکره و مکاتبه با شما هدایت شدم و با فلاح و نجات از این میدان بیرون آمدم و خداوند را براین نعمت شاکرم.»

در این کتاب که به صورت سؤال و جواب است، حرف سین نماینده اسم و مذهب سائل است. (سلیم و سنی) همانگونه که حرف شین نماینده اسم و مذهب جوابگوست (شرف‌الدین و شیعه) و علامه سیدشرف‌الدین در آخرین جواب (شماره ۱۱۲) از حق جویی، دقت نظر، صبر، حوصله، روشن ضمیری و پرهیز از تعصب و علایق شخصی و گروهی و کنجکاوی و سعه صدر سائل، علامه بشری تمجید می‌کند و با تعبیرهایی که عمدتاً از مختصات روشنفکر دینی است، ایشان را می‌ستاید و خدای را براین توفیق مشترک حمد می‌نماید. اولین نامه در ذی الحجه ۱۳۳۹ و آخرین نامه در جمادی‌الاولی ۱۳۳۰ هجری قمری نوشته شد. این مجموعه یک نمونه جالب، زیبا و آموزنده پرسش و پاسخ است و انتظار این است که این سنت حسنه امروز در بین علمای شیعه و سنی و بین خود علمای شیعه در مورد اختلاف نظرها با تکامل تکرار شود.

هاشمی رفسنجانی به خاطره مهم حسین راضی اشاره و بیان می‌کند: ایشان که به خواست شهید مجاهد آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر تعلیقات سودمندی بر این کتاب نوشته‌اند و به دستور ایشان چاپ شد، می‌گوید «در جمعه ماه رجب ۱۳۹۹ هجری قمری در حرم مطهر امام حسین (ع) خدمت آیت‌الله صدر رسیدم. ایشان از من به خاطر تعلیقه بر المراجعات تشکر کردند و در شب چهارشنبه بعد از آن جمعه، صدام این عالم مجاهد و خواهر عالمه ایشان بنت‌الهدی را دستگیر کرد و بعد از شکنجه‌های بسیار به شهادت رساند.»

آیت الله هاشمی رفسنجانی با اشاره به اینکه به آسانی نمی‌توانیم از توجهات ویژه قرآن به تعقل، تفکر و تفقه بگذریم، پایه اجتهاد را بها دادن به عقل و تفکر می‌داند و تاکید می‌کند که در شرایط امروز اتکای به عقل و تفقه لازمه اجتهاد است.

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت وگویی تفصیلی و مکتوب با شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) درباره اجتهاد در دوره معاصر و پیشینه اجتهاد بیان می‌کند: تفقه و اجتهاد امروز نزدیک‌تر از دوره‌های واسطه به صدر اسلام باشد؛ الان حرکتی را در جهت اصالت اجتهاد و عمق آن و نزدیک‌تر شدن به عصر تشریح می‌بینیم؛ البته در مقابل دست‌های زیادی در کار است تا نگذارند نتیجه مبارکی که از این نهضت جدید انتظار داریم گرفته شود ولی امیدواریم بر شیطنتها غلبه کنیم.

### اجتهاد در عصر بعثت هم بود

او با بیان اینکه اجتهاد در عصر بعثت هم بود ابرز تعجب می‌کند که هنوز بحث‌های طولانی می‌شود که در زمان پیامبر(ص) اجتهاد بود یا نبود. خداوند از مسلمانان گله می‌کند که چرا گروه‌هایی دنبال تفقه نمی‌روند! مگر تفقه چه بوده است مگر غیر از این است که عده‌ای تحقیق کنند و محتوای دین را بفهمند و به جامعه برگردند و وظیفه انبیا در آگاه کردن مردم را انجام دهند.

### بخشی از وظیفه انبیا تبشیر و انذار بود

هاشمی رفسنجانی با تاکید بر اینکه بخشی از وظیفه انبیا تبشیر و انذار بود اظهار می‌کند: قرآن می‌گوید که متفقین باید برگردند و مردم را انذار کنند. یعنی وظیفه پیامبر را در جامعه برعهده بگیرند. می‌دانیم که پیامبر(ص) برای همه و در همه جا حاضر نبودند تا مردم پاسخ همه سوالات خود را از ایشان بشنوند؛ حتما افرادی بودند که حرف‌های پیامبر(ص) را شنیدند آیات قرآن را می‌دیدند و معانی آنها را می‌فهمیدند و این معانی را به مردم منتقل می‌کردند. در یک تامل علمی نمی‌توان غیر از این را متصور شد. فکر می‌کنم به خاطر شدت بدیهی بودن نمی‌توان درباره آن بحث جدی کرد. مطمئنا اجتهاد بود. البته در زمانی که پیامبر(ص) حضور داشتند جبرئیل می‌آمدند و آیات قرآن دائما برای مردم نازل می‌شد مثل زمان ما و زمان بعد از پیامبر(ص) نبوده که احتیاجات مردم پیچیده به دست بیاید. مسایل با یک یا دو واسطه گفته می‌شد. خیلی راحت بود. ولی تحقیقا اجتهاد بود و خود پیامبر(ص) غیر از وحی و الهام براساس تشخیص خودشان در مفاهیم و محتوا اجتهاد و در مصادیق با افراد متعددی مشورت می‌کردند.

او نتیجه می‌گیرد: بنابراین آن عصر ضمن اینکه عصر تشریح است را می‌توانیم عصر اجتهاد هم به حساب بیاوریم. اجتهاد بدون تشریح نمی‌شد و تشریح تنها هم نمی‌توانست متکفل همه نیازهای فکری و عملی مردم باشد. بحث‌ها پس از رحلت پیامبر(ص) شروع شد.

### مشکلی که بعد از رحلت پیامبر(ص) ایجاد شد مساله محدود شدن تدوین بود

هاشمی رفسنجانی در ادامه به بحث مرجعیت اهل بیت (ع) اشاره و بیان می‌کند: مشکلی که بعد از رحلت پیامبر(ص) ایجاد شد مساله محدود شدن تدوین بود. این مساله مشکلات زیادی را در دوره‌های بعد به وجود آورد. الحمدلله بعدها این مشکل هم برطرف شد. در زمان خلفای راشدین عده محدودی از صحابه مرجع اصلی و شاگردان آنها مراجع دسته دوم برای جامعه بودند. مردم به افرادی مثل حضرت علی (ع)، عایشه، ابن عباس، ابن مسعود، ابن ثابت و خیلی از بزرگان صحابه مراجعه می‌کردند و احکام را از اینها می‌گرفتند و دین خود را با فتاوی آنها تنظیم می‌کردند.



او اظهار می‌کند: در همان زمان طبق روایات محکمی که شیعه و اهل سنت نقل کرده اند نظرات علی ابن ابی طالب(ع) در بین شخصیت‌های بزرگ اسلامی از همه نیرومندتر و مستحکم‌تر بود. فقط به دو سه نکته اشاره می‌کنم. در بین همین شخصیت‌هایی که گفتم بعد از پیامبر(ص) جزو مراجع بودند عایشه می‌گوید: «ان علیا اعلم الناس بالسنه» این جمله در منابع اهل سنت است که می‌گوید: «همانا علی بن ابی طالب بین مردم نسبت به سنت عالمترین علما بود.» یا ابن عباس که در آن زمان یکی از مراجع بزرگ بود می‌گوید: «اذا حدثنا ثقه عن علی بفتیة لاعدوها» یعنی اگر شخص ثقه‌ای فتوایی از حضرت علی(ع) برای ما نقل می‌کرد روی آن می‌ایستادیم و از آن تجاوز نمی‌کردیم.» یعنی حرف آخر را در این موارد علی ابن ابی طالب(ع) می‌زدند. یا عمر بن خطاب خلیفه دوم می‌گوید: «اقضانا علی» ۴ تمام این موارد را از منابع اهل سنت عرض می‌کنم و منابع شیعی خیلی وسیع‌تر می‌گوید. پس بزرگانی بودند که مرجع فکری مردم بودند. در قرن اول صحابه یا تابعین بودند. اختلافات مسلکی و مذهبی مانند قرن دوم زیاد نبود. دو مدرسه حدیث و رای بودند که هر کدام اشتراکاتی باهم و انتقاداتی به هم داشتند. چون دو شیوه و متد برای رسیدن به احکام و محتوای متون دینی بود.

### **دوره حضور ائمه در شیعه شبیه دوره تشریح است؛ دوره تشریح نیست دوره تشریح و تبیین است**

هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه در قرن دوم اجتهاد بین اهل سنت توسعه زیادی پیدا می‌کند ادامه می‌دهد: تا آنجا که بیش از صد مسلک فکری در شهرهای جهان اسلام بود که با هم درگیری فکری و بحث‌های طلبگی داشتند و همدیگر را نقد می‌کردند. این شیوه حدود ۲۰۰ سال یعنی قرن دوم و سوم ادامه داشت و در قرن چهارم وضع جدیدی ایجاد می‌شود. می‌خواهیم این وضع جدید را با نگاه مشترک به شیعه و سنی ببینیم؛ البته این قسمتی که عرض کردم مربوط به اهل سنت است و در بیان شیعیان مساله به گونه‌ای دیگر بود. شیعیان ائمه معصوم را مرجع اصلی می‌دانستند؛ البته خیلی از علمای اهل سنت هم ائمه معصوم بخصوص حضرت باقر(ع) و حضرت صادق(ع) را مرجع بزرگی می‌دانستند و به شاگردی آنها افتخار می‌کردند ولی شیعه در مرجعیت ائمه خیلی مستحکم‌تر ایستاده بود. شاگردان ائمه هم مثل زمان پیامبر(ص) واسطه ایصال نظرات ائمه(ع) بودند. دوره حضور ائمه در شیعه شبیه دوره تشریح است. دوره تشریح نیست دوره تشریح و تبیین است. اما با معصوم و بعدها با وسعت زیاد در شهرهای مختلف دنیای وسیع اسلامی از شرق گرفته تا غرب و از شمال گرفته تا جنوب با شاگردان ائمه سر و کار داشتند که در همه جا مدارس و ارتباطاتی داشتند و احکام را یا به وسیله روات صادق و یا مستقیماً از ائمه(ع) می‌گرفتند.

### **در دوره گسترش اجتهاد بیشتر توجه به متن حدیث بود**

او در ادامه به بحث گسترش اجتهاد می‌پردازد و می‌گوید: در این دوره بیشتر توجه به متن حدیث بود؛ البته قطعاً اجتهاد بود. چون روایات صریحی داریم که ائمه(ع) به شاگردان خود دستور می‌دادند که مثلاً در فلان مسجد بنشینید و برای مردم فتوا دهید. امام باقر(ع) به ابان بن تغلب می‌فرماید: «اجلس فی مسجد المدینه و افت للناس فانی احب ان امری فی شیعتی مثلک» یا می‌فرماید: «ما کلیاتی از اصول را به شما می‌گوییم و شما بین مردم تفریح فروع کنید و فروع اصول ما را استخراج کنید و به مردم بگویید.» قطعاً در دنیای شیعه هم اجتهاد بود اما نه با تفرقه‌ای مثل فراوانی اجتهاد در اهل سنت. در اهل سنت از لحاظ اجتهاد در این دوره احکام عقلی قیاسی اجتهادی و رای بیشتر است و کتاب‌های فقهی زیادی از آنان باقی مانده است. در این دوره سبک شیعه همان بود که گفتم. یعنی شیعیان ضمن اجتهاد در مسایل متکی به اظهارات معصومین عمل می‌کردند و مسایل علمی را از طریق متن روایت تبیین می‌کردند. وقتی به اصول اربعمائه شاگردان امام صادق(ع) نگاه می‌کنیم این گونه می‌فهمیم.

**انسداد همیشه نسبی است و هیچ وقت انسداد مطلق نبوده و نخواهد بود**

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: در پایان قرن سوم و شروع غیبت در شیعه و ایجاد شرایط جدید در اهل سنت وضع کاملاً جدیدی پیش می‌آید و اوضاع تقریباً معکوس می‌شود. در اهل سنت به خاطر افراطی که در مذاهب مختلف اجتهادی شده بود عکس‌العمل‌هایی از طرف حکومت‌ها اتفاق می‌افتد. چون آنها نمی‌توانستند آزادی اجتهاد را که گاهی آثار مهم سیاسی هم در آن بود تحمل کنند. خلفا راه آن را بستند و جلوی وسعت آن را گرفتند. یعنی به چهار مذهب معروف رسمیت دارند و بقیه را ممنوع کردند که ما این دوره را دوره انسداد - البته انسداد همیشه نسبی است و هیچ وقت انسداد مطلق نبوده و نخواهد بود - می‌شناسیم که در تاریخ تفقه اهل سنت خیلی طولانی شد.

### **محدثین شخصیت‌های بسیار بزرگوار بودند که انصافاً کارهای بزرگی کردند**

او می‌افزاید: برعکس شیعه کم‌کم از حالت حدیث‌گویی و متن‌روایت‌گویی وارد فضای جدیدی شد که تقریباً همین فضای اجتهادی است که امروز ما داریم. البته بعد از غیبت در شیعه هم دو مدرسه بود. یکی مدرسه حدیث که محدثین بودند و دیگر مدرسه فقها بود که به شکل دیگری عمل می‌کردند؛ مثل اخباریون و اصولیون قرون اخیر زیاد با هم درگیر نبودند. محدثین شخصیت‌های بسیار بزرگوار بودند که در ری، قم، بغداد و خیلی جاها فعالیت داشتند و کتاب‌های اصیل روایی که امروزه در اختیار ماست محصول کار آنهاست. انصافاً کارهای بزرگی کردند. فقها هم برای اینکه در عالم تشیع از لحاظ فقه و مدرسه در مقایسه با آنچه که اهل سنت داشتند احساس حقارت می‌شد شروع به کارهای فقهی از نوعی کرده‌اند که ما الان داریم. اگر چه علم اصول ریشه در زمان ائمه دارد ولی در این فضا تبیین و تدوین می‌شود و مبانی اجتهاد به وجود می‌آید و روی عقل زیاد تکیه می‌شود.

### **در شرایط امروز اتکای به عقل و تفقه لازمه اجتهاد است**

هاشمی رفسنجانی تأکید می‌کند: یکی از مسایل خیلی بزرگ ما در شرایط امروز اتکای به عقل و تفقه مهم و لازمه اجتهاد است. می‌دانید که قرآن بیش از صد بار در آیات متعدد عقلاً را مدح و کسانی را که در کارهایشان تعقل ندارند مذمت و سرزنش می‌کند.

### **تفکر در کنار تعقل جایگاه بلندی در قرآن دارد**

#### **به آسانی نمی‌توانیم از توجهات ویژه قرآن به تعقل، تفکر و تفقه بگذریم**

او در ادامه به تشریح پایگاه عقل در اجتهاد می‌پردازد و به شفقنا می‌گوید: تفکر در کنار تعقل جایگاه بلندی در قرآن دارد و تفقه که خاص‌تر از آن دو عنوان است یعنی آن دو مربوط به همه امور می‌شوند و تفقه در مسایل فکری عقیدتی و اسلامی جنبه تخصصی پیدا می‌کند. البته قرآن روی آن هم تکیه کرده است. به آسانی نمی‌توانیم از توجهات ویژه قرآن به تعقل تفکر و تفقه بگذریم.

### **پایه اجتهاد بها دادن به عقل و تفکر است**

هاشمی رفسنجانی با تأکید بر اینکه پایه اجتهاد بها دادن به عقل و تفکر است بیان می‌کند: این سرمایه عظیم که خداوند داده و رسالت انبیا این بود که «لیثروا لهم دفتان العقول» یعنی انبیا آمده‌اند تا گنج‌های عقلانیت را که در ویرانه‌ها خوابیده‌اند و انسان‌ها از آنها استفاده نکردند استخراج کنند.

او می‌افزاید: در کلمات ائمه (ع) و فقها با صراحت می‌بینیم که عقل را در کنار رسالت می‌گذارند. پیامبر عقل باطن و عقل پیامبر ظاهر است یعنی هم سنگ ذکر می‌شوند. اینها تعبیرات امروزی نیست. تعبیراتی است که در روایات ما مخصوصاً در وصایای امام کاظم (ع) به هشام آمده که یک متن مفصل ده تا پانزده صفحه‌ای است که هفتاد تا هشتاد درصد آن مزایای تعقل را برای هشام تعریف می‌کند. همین تعبیر معروف «ان الله علی الناس حجتین» که حجت عقل و حجت ظاهره که پیامبر باشد در آن وصیت نامه آمده است یعنی حضرت امام کاظم (ع) آن را تشریح می‌کند که پایه محکمی دارد.

## تدوین و گسترش فقه استدلالی

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: بعد از عصر حضور در عصر غیبت علمای پیشتاز شیعه وارد شدند و فقه را تدوین کردند و این نکته تاریخی خیلی جالب است که شیخ طوسی در مقدمه کتاب شریف «مبسوط» می‌گوید: «این کتاب بدین خاطر تصنیف شد تا معلوم شود شیعه به برکت احادیث وارده از ائمه بتواند مسائل را استنباط کند...» اگر امروز کتاب «مبسوط» را مطالعه کنید بعد از قرن‌ها با کتاب‌هایی که الان علمای ما می‌نویسند زیاد تفاوت ندارد. بنابراین فقاقت به معنای مصطلح در کنار حدیث در قرن چهارم در شیعه هم مورد توجه قرار گرفت.

## اهل سنت قرن‌ها محدود به چهار مذهب بزرگ خود بودند

او می‌افزاید: اهل سنت قرن‌ها محدود به چهار مذهب بزرگ خود بودند. دوره خلفا هم تمام شد و دوره بنی عباس هم تمام شد و به دوره عثمانی می‌رسند که در این دوره اولاً روی فقه حنفی تکیه اساسی می‌شود ثانیاً اجتهاد به گونه‌ای باز می‌شود که مجله بسیار نیرومندی را برای قضات تهیه کرده بودند که از فقها بودند. وقتی به آن مجله نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که در بحث مسایل خیلی باز برخورد می‌کردند. شبیه فقهای اهل سنت امروز هستند که اجتهاد باز و آزاداندیشی دارند. البته کم کم که عثمانی‌ها ضعیف شدند دوباره در سایر جاها سایر مذاهب یعنی آن چهار مذهب بعد از شکل‌گیری وسیع شدند. دوره انسداد آنها از این رهگذر می‌گذرد و به دوره افتتاح و کم‌کم به دوره نوآوری می‌رسند. باید دوره نوآوری آنها را به آقایان عبده و سیدجمال الدین اسدآبادی که با هم در مصر کار می‌کردند منسوب کرد. بعد از آن فقه اهل سنت تحول عمده‌ای پیدا می‌کند و روشنفکرانی به وجود می‌آیند. امروز نوآوری‌های اهل سنت در حوزه‌های مختلف خیلی قابل توجه است.

شیعه هم همین اوضاع را طی کرد. بعد از آنکه فقه در زمان شیخ طوسی به اوج می‌رسد شیخ شریطی مثل شرایط امروز امام (ره) در جامعه پیدا می‌کنند. مگر الان شرایط جامعه ما چگونه است اگر امام در مسایلی مطلب و نوشته‌ای داشته باشد معمولاً جامعه حرف‌های برخلاف ایشان را نمی‌پسندند. همه سعی می‌کنند در سخنان خود به گفتار و رفتار امام استدلال کنند.

هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه بعد از شیخ انصاری فقه شیعه همیشه رو به کمال بوده و نوآوری فقه در عصر مشروطه خود را در عالم سیاست نشان داده، معتقد است که سرکوب‌های رضاخان و آتاترک به فقه نو آسیب زده است. او با اشاره به اهمیت به روز بودن حوزه‌های علمیه و سرعت پیشرفت جهان و تکنولوژی و گسترش مسایل نوپیدا در جهان، این پرسش را مطرح می‌کند که واقعا حوزه‌های علمیه شیعه و سنی چه اندازه به دهها موارد از مسایل جدید پرداخته اند؟!

**در شرایطی که ما وارد فقه حکومتی شدیم باید کار محققانه‌ای کنیم**

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت وگویی تفصیلی و مکتوب با شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) پس از تشریح جایگاه عقل در اجتهاد به جایگاه علمای بزرگ و تاثیر دیدگاه‌های آنها در نظر دیگران اشاره و بیان می‌کند: امام یک فقیه بودند ولی حالتی است که نوعی تسلیم هم به دنبال آن است. یعنی وقتی امام در مساله‌ای نظر داشته باشند خیلی از شخصیت‌های علمی به خودشان جرات نمی‌دهند در مقابل نظرات امام نظرات صریحی مطرح کنند. شیخ طوسی هم چنین جایگاهی داشتند. یعنی از قرن چهارم تا قرون ششم و هفتم این حالت در حوزه‌های شیعه حاکم بود. نه اینکه تفقه نبود مدرسه تدریس نوشتن تحقیق و اجتهاد بود ولی محور حرف‌های شیخ طوسی بود و بر اساس نظرات ایشان کار می‌کردند. بالاخره در قرن هفتم محققانی پیدا می‌شوند و آن طلسم را می‌شکنند که نوآوری‌ها شروع می‌شود. قواعد شکل می‌گیرد که یکی از کارهای بسیار مهم است. فکر می‌کنم در شرایطی که ما وارد فقه حکومتی شدیم باید کار محققانه‌ای بکنیم.

### نیاز جدی به تاسیس قواعد فقه سیاسی و اجتماعی داریم

او با بیان اینکه قاعده سازی زیاد مرسوم نبود و چند قاعده در کل فقه حاکم بود بیان می‌کند: شهید اول در یک اقدام مقدس ابتکاری دست به قاعده سازی با استفاده از منابع تشریح می‌نماید و صدها قاعده را تاسیس می‌کند که در کتاب شریف القواعد و الفوائد موجود است و شهید ثانی در کتاب تمهید القواعد الفقهیه این نوآوری را عمق می‌بخشد که هر قاعده محور ده‌ها مساله می‌شود که فتاوی‌های متعددی از آن بیرون می‌آید. قواعدی مثل لاضرر لاجرح اصل اباحه اصل طهارت و امثال اینها که خیلی از آنها استفاده می‌شود. الان اگر به کتاب‌های فقهی نگاه کنید می‌بینید که اکثر فتاوا تحت یکی از قواعد می‌گنجد و امروز در سایه تاسیس حکومت اسلامی بر محور مکتب اهل بیت (ع) ما نیاز جدی به تاسیس قواعد فقه سیاسی و اجتماعی داریم. به هر حال محققان ما این بار در جیل عامل نجف و بعد از آمدن مغول و سرکوب شدن مراکز فقهی اسلامی در حله که با همت علمای آن روز شکل گرفت دوره خوبی را گذراندند که این مراکز سال‌ها به عالم اسلام خدمت کرده اند.

### دوره اخباری‌ها به فقه اهل بیت آسیب رساند

هاشمی رفسنجانی اظهار می‌کند: همانطور که در بین اهل سنت کسانی را می‌بینیم که روی روایت و حدیث بسیار جدی هستند و بودند و از اول دو مکتب حدیث و رای شکل گرفت در شیعه هم اخباری‌ها به وجود آمدند که در قرن ۱۱ با مرحوم استرآبادی طلوع می‌کنند.

اخباری‌ها با مقداری تعصب و خشکی بیشتر به مکتب محدثین برگشتند. کار عمده محدثین این بود که متون احادیث را در جوامع حدیث جمع کردند. اما اخباری‌ها احادیث را تبدیل به مکتبی کردند که با بسیاری از مسایل علم اصول مخالف است. چون مقداری از اصول استفاده می‌کردند. با استفاده از عقل در اجتهاد مخالفت می‌کنند با اینکه به ناچار در مواردی خودشان هم استدلال می‌کنند. دوره اخباری‌ها به فقه اهل بیت آسیب رساند همان گونه که اهل سنت هم برای رشد فقه خود در دوره انسداد آسیب دیدند.

این حالت ادامه داشت و اخباری‌ها در زمان صفوی‌ها حدود دو قرن بر همه چیز غلبه داشتند تا اینکه شخصیتی مثل وحید بهبهانی و دیگر شخصیت‌ها آمدند و دوره جدیدی را آغاز و اخباری‌ها را منزوی کردند و فقه را بر مبنای تعقل علم اصول درایت و روایت شکل دادند. این دوره جدیدی که این شخصیت‌ها آغاز کردند از دوره قبل از اخباری‌ها بهتر بود و منتهی به مرحوم شیخ انصاری شد که ایشان را در فقه مانند قله دماوند که اطرافش کوه‌های زیادی هستند یک قله بلند می‌بینیم.

### بعد از شیخ انصاری فقه شیعه همیشه رو به کمال بود

او یادآوری می‌کند که بعد از شیخ انصاری فقه شیعه همیشه رو به کمال بود گرچه فقها در زمان رضاخان پهلوی ضربه بزرگی خوردند. چون همه مدارس و حوزه‌ها تعطیل شدند و آسیب دیدند. منتها نجف روی پای خود ایستاد و کار حوزه‌های ایران در نجف ادامه پیدا کرد.

## نوآوری فقه در عصر مشروطه خود را در عالم سیاست نشان داد

### سرکوب‌های رضاخان و آتاترک به فقه نو آسیب زد

هاشمی رفسنجانی به دوره نوآوری اشاره و اظهار می‌کند: کم کم دوره جدیدی می‌رسد که دوره نوآوری است که دقیقا از دوره شیخ انصاری شروع می‌شود. برای اهل سنت هم از دوره عبده و سیدجمال الدین اسدآبادی شروع می‌شود. البته اسدآبادی شیعه بود منتها با اهل سنت همکاری‌های زیادی داشت و عبده شاگرد ایشان است. نوآوری آنها از آن دوره شروع شد. این دوره نوآوری با رژیم پهلوی ضربه خورد و بعد از رژیم پهلوی دوباره جان گرفت. نوآوری در عصر مشروطه خود را در عالم سیاست نشان داد. علمای نجف تهران و علمای بلاد در شیراز تبریز و خیلی جاها وارد میدان جدیدی شدند که فقه ما قبلا وارد آن میدان نمی‌شد. ولی توسط رضاخان سرکوب شد. در اهل سنت هم بود که در زمان آتاترک در ترکیه سرکوب شد و این سرکوب‌ها به فقه نو آسیب زد ولی بعد از این دوره‌ها نوآوری وارد فضای کاملا جدیدی می‌شود که بعد از شهریور ۱۳۲۰ است. در این دوره حوزه علمیه قم دوباره شکل می‌گیرد. دوران طفولیت و جوانی این حوزه حدود ۲۰ سال طول می‌کشد و در اواخر دهه سی و چهل به بلوغ می‌رسد.

### مهم ترین نوآوری امام (ره) بردن حوزه به سوی مسایل سیاسی است

هاشمی رفسنجانی در ادامه بار دیگر بر نوآوری‌های امام خمینی (ره) اشاره می‌کند و می‌گوید: در این دوره امام راحل وارد عرصه فقاقت نو می‌شود و نوآوری‌های بسیار عظیم اساسی و پایه‌ای برای ما دارد که باید چند نمونه آن را عرض کنم. مهم ترین نوآوری ایشان این است که حوزه را به سوی مسایل سیاسی می‌برد و اصلاح حکومت را وارد کردن توده‌های جامعه به میدان مبارزات سیاسی می‌داند.

### به تعبیر امام (ره) فقه اسلامی تئوری کامل و جامع اداره انسان و جامعه است از گهواره تا گور

او به دیدگاه امام درباره ولایت فقیه اشاره و به نقل از ایشان می‌گوید: «این موضوع یک مساله تشریفاتی برای رسیدگی به امور حسبی نیست. اداره همه امور کشور است» تعبیر امام در جلد ۲۱ صحیفه نور چنین است، «فقه اسلامی تئوری کامل و جامع اداره انسان و جامعه است از گهواره تا گور».

هاشمی رفسنجانی ادامه می‌دهد: همه چیز را شامل می‌شود. باید پرورش انسان و اداره جامعه در سایه فقه اسلامی شکل بگیرد. این حرف خیلی عمیق است. فقهای دیگر هم هیچ وقت این حرف را رد نکردند ولی هیچ کس با این صراحت وارد این فضا نشده است. درس‌های ولایت فقیه در نجف در حال تبعید یعنی در سخت ترین دوران بود. همه ما در ایران زندانی و ایشان در عراق تبعید بودند ولی در آن شرایط ولایت فقیه را درس می‌دادند.

او فتوای تاریخی تحریم تقیه در مبارزه با سلطه استکبار و استبداد را از دیگر نوآوری‌های امام (ره) می‌داند و یادآوری می‌کند که ایشان با قید ولو بلغ مابلق بسیاری از بی تفاوت‌ها را برای اصلاح جامعه متعهد نمود. امام بر محور ولایت فقیه نوآوری‌های بسیار زیادی در طول سال‌هایی که به عنوان رهبر انقلاب در ایران بودند، داشتند.

او در ادامه تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را نیز به عنوان یکی از نوآوری‌های امام برمی شمرد و با بزرگ و ریشه ای خواندن این تاسیس می‌افزاید: نمی‌توان در جامعه‌ای که می‌خواهد به عنوان اسلام اداره شود فقط با روایاتی که هزار و چند صد سال پیش و بخشی از آنها براساس شرایط آن زمان و برای جامعه محدود آن دوره صادر شده بدون اجتهاد و بدون توجه به عقل و بدون ملاحظه مفاسد و مصالح کارهای مهم انجام داد. مسایلی که در چند قرن حادث شده در آن زمان سابقه نداشته است و با این اقدام بسیاری از بن بست‌ها را باز کردند.

### **واقعا حوزه‌های علمیه شیعه و سنی چه اندازه به دهها موارد جدید جهان پرداخته اند!**

هاشمی رفسنجانی توجه ویژه به مسایل مستحدثه را از دیگر نوآوری‌های امام (ره) بیان و اظهار می‌کند: یکی بحث حقوق هوا که تا ۲۰۰ کیلومتر را شامل است و بحث فضا که از ۲۰۰ کیلومتر به بالاست در جامعه اسلامی و فقه ما مطرح بود کجا قواعدی درباره هوا و فضا آمده است الان اگر کتاب‌های حقوق بین الملل را بخوانید هزاران فرع می‌بینید که درباره همین موضوع با عناوین احکام فضا و احکام هوا مطرح است. مگر در حکومت اسلامی نباید به این مسائل مهم پرداخت. کی اعماق زمین تا عمق چند هزار متری با منابع زمین مطرح بود کی بحث اقیانوس‌ها آب‌های ساحلی و آب‌های بین‌المللی مطرح بود کی مسایل ذره مطرح بود کی مسایل بمب اتم مطرح بود کی مسایل جاسوسی ماهواره‌ای و اینترنت مطرح بود که الان همه دنیا را تحت پوشش خود قرار داده اگر الان حرفی را در اینجا بنویسد یک لحظه بعد این حرف را در آن طرف کره زمین می‌گیرند و روی آن تحلیل می‌کنند. واقعا حوزه‌های علمیه شیعه و سنی چه اندازه به دهها موارد از این گونه موضوعات پرداخته اند!

هاشمی رفسنجانی با اشاره به ضرورت پرداختن تخصصی فقه‌ها به هر یک از مسایل جدید جهان بیان می‌کند که نمی‌توان قبول کرد، یک نفر با علم به همه علوم در همه مسایل فتوا بدهد. او بر تخصصی شدن فقه و به دنبال آن تخصصی شدن تقلید تاکید و یادآوری می‌کند که در دوره تخصصی شدن رشته‌های فقهی، به شورایی شدن فقهی می‌رسیم.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت وگو با شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) به گسترش مسایل نوپیدا در جهان و ضرورت پرداختن فقه‌ها به مسایل جدید اشاره و بیان می‌کند: مسایل که یک جور نیست. همیشه زمان در حال پیشروی بود. مسایل مستحدثه آن به آن اتفاق می‌افتد. در این دوران طولانی باید اجتهاد با منابع کلی و اصولی که در اختیار داریم با عقل همان عقلی که بنا شد مسوولیت انبیا بیرون کشیدن آن از ویرانه‌های اغراض انسانی باشد، احیا شود.

او می‌افزاید: در مورد نوآوری‌های امام پیش از این صحبت کردم که انصافا خیلی زیاد است. مثل یک حکیم و طبیب حادث حرف‌های لازم را خیلی آرام در شرایط زمانی و مکانی خاص خود مطرح می‌کردند. به هر حال الان به اینجا رسیدیم یعنی فقهی که امروز علما و حوزه‌های ما دارند از این جهت قابل مقایسه با دوره‌های قبل نیست. وارد این فضا شده‌ایم.

### **فقه سیاسی در اعماق فقه ما هست اما خیلی باید عوض و بزرگ شود**

هاشمی رفسنجانی اظهار می‌کند: فقه سیاسی در اعماق فقه ما هست اما خیلی باید عوض و بزرگ شود. احکام سیاسی اداره کشور قانون گذاری قضا و قوانین دیگر در این شرایط ده‌ها برابر مطالبی که قبلا نوشته بودیم فروغ دارد. باید همه این فروع وارد فقه شوند و درباره آنها بحث کنیم. ممکن است خیلی از قوانین با مواردی که امروز در دنیا هست منطبق باشد. قوانینی که الان دنیا برای جامعه بین الملل می‌گذارد کم کم حالت عمومی به خود می‌گیرند. یعنی حاکمیت جهانی کم کم دارد بر حاکمیت ملی جوامع در سراسر دنیا غلبه می‌کند. معنای جهانی شدن این است که قدرت دولت‌های محلی به نفع اداره جهانی کم شود. در کشتیرانی هواپیمایی تجارت

حقوق بشر و قوانین بین‌المللی شاهد رشد روز افزون سازمان‌های بین‌المللی و کم شدن قدرت جوامع محلی هستیم که احکام آنها اجرا می‌شود. اسلام که دین جهانی است و محدود به زمان و مکان نیست قطعاً در این حرکت اصول دارد. باید وارد این فضا شویم که حوزه‌ها کم‌کم در حال ورود به این فضا هستند.

### موسوعه نویسی از کارهایی است که امروز باید انجام دهیم

او که معتقد است حوزه‌ها مدتی است که به این فکر افتاده اند، یکی از جلوه‌هایش را همین موسوعه نویسی‌ها می‌داند و می‌گوید: وقتی عبدالناصر تصمیم گرفت برای جهان اسلام حرکت جدیدی کند یکی از کارهای بزرگ مصر این بود که موسوعه عبدالناصر را طراحی کردند که نیمه تمام ماند. اخیراً دیدم که کویته‌ها در این موضوع از ما هم جلو زدند و در حال تنظیم یک موسوعه عظیم فقهی هستند. تازگی‌ها دیدم در حوزه‌های قم و مشهد حرکات خوبی برای موسوعه نویسی و رفتن به طرف فقه مقارن خوبی شده است. این از کارهایی است که باید امروز انجام دهیم. تاسیس دانشگاه مذاهب اسلامی یک گام عملی مهم در این جهت بود.

هاشمی رفسنجانی بیان کرد: باید امروز دانشگاه‌های متعدد فقه مقارن را در همه مناطق کشور در مناطق اهل سنت و در مراکزی مثل حوزه علمیه قم تهران و مشهد داشته باشیم. تقاضای زیادی هم از سراسر دنیا هست. این کار باید توسعه پیدا کند.

او با اشاره به تنظیم دائره‌المعارف فقه مقارن از سوی حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی می‌گوید: آیت‌الله مکارم در مقدمه کتاب با صراحت توسعه تخصصی شدن ابواب فقه در طول تخصصی بودن علوم دیگر اسلامی را یک پدیده مبارک می‌شمارند و از تخصصی شدن تقلید به موازات تخصصی شدن ابواب فقه استقبال می‌کند. این یک کار بسیار مهم در حوزه هاست. هم اهل سنت و هم شیعیان باید این کار را بکنند. باید فقه مقارن را مقایسه‌ای درس بدهیم و درس بخوانیم که در آن شرایط ممکن است فتاوی‌ای ما در خیلی از موضوعات فرق کند. وقتی شروع یک مساله را ببینیم که از کجا چرا و چگونه شروع شد و چه به آن دامن زد فتوا شکل دیگری می‌گیرد.

### نگاه دوباره به ارث زن و اصلاح مواردی

هاشمی رفسنجانی در ادامه این بحث به موضوع ارث زنان می‌پردازد و می‌گوید: یک بار به خاطر مساله ارثی که در خانواده‌ای به وجود آمده بود فکر کردم این حکمی که الان هست که همسران بعد از فوت شوهران از زمین ارث نمی‌برند و فقط از اعیان و منقول ارث می‌برند با توجه به ظاهر قرآن جای تامل دارد. قرآن که این را نمی‌گوید. در قرآن آمده که اگر مردی فوت کرد زنش یک چهارم را می‌گیرد. ظاهر قرآن که غیر از این است. این حکم و قانون از کجا پیدا شد؟ بررسی کردم و دیدم یکی از ریشه‌های این حکم - احتمالاً و نه قطعی - به مساله‌ای برمی‌گردد که در زمان فوت پیامبر (ص) اتفاق افتاد که یکی از همسران پیامبر به خاطر مالکیت یکی از حجره‌هایی که در آن زندگی می‌کرد، آن مسایل را مطرح کرد. از همان زمان کم کم تعصبی بین شیعه و سنی در موضوع مالکیت زمین پیدا شد؛ البته دلایل عرفی دیگری از قبیل مشکلات مالکیت مشترک بر زمین به خاطر معمول بودن تعدد زوجات که در مواردی از قبایل متخاصم هم بودند نیز وجود دارد. بعدها این تبدیل به فتوا شد که خیلی‌ها آن فتوا را می‌دادند و عمل می‌شد. موضوع را دنبال کردم و در سفر به قم با بعضی از مراجع صحبت کردم و دیدم آنها هم می‌گویند: «احتیاط می‌کنیم». یا می‌گویند: «باید مصالحه کنند». با رهبری صحبت کردم و گفتم این چه دلیلی دارد تعدادی روایت داریم که ناظر به هر دو طرف است. رهبری دستور دادند در جلسه‌ای که شب‌های پنجشنبه با علما دارند بحث کنند. آیت‌الله شاهرودی بحث را آماده کردند و به جلسه بردند که این فتوا در بسیاری از زوایا اصلاح شد.

### خاصیت فقه مقارن این است که بالاخره به حقیقت می‌رسیم

## موضوعی که ۱۴ قرن حقوق زنان را در ارث تضييع می‌کرد تاحدی به خاطر یک مساله خاص تاریخی بود

او از همین مثال استفاده و بیان می‌کند: یک مساله به این مهمی که در طول ۱۴ قرن حق خانم‌ها را برای برخورداری از ارث شوهران ضایع می‌کرد شاید تا حدی به خاطر یک مساله خاص تاریخی بود. شاید بتوانید موارد زیادی را از این نوع مسایل پیدا کنید. فکر می‌کنم خاصیت فقه مقارن این است که خاستگاه مسایل و سیر تاریخی آنها و چگونگی دخالت قدرت‌ها و جریان‌ها در آنها پیدا می‌شود و بالاخره به حقیقت می‌رسیم.

### بحث تخصصی شدن اجتهاد در دوران نوآوری، جدی است

هاشمی رفسنجانی در ادامه به کارهایی که در حوزه‌ها باید انجام شود، اشاره و بیان می‌کند: در دوران نوآوری، بحث تخصصی شدن اجتهاد جدی است. با توجه به وجود آمدن دهها فصل و باب جدید در روابط انسان‌ها و جوامع و تمامی کشورها نظام اسلامی نمی‌تواند در آن مسایل بی‌نظر و بی‌تفاوت باشد.

### یک مجتهد نمی‌تواند به تنهایی در همه ابواب مورد نیاز فقهی جامعه و مردم متخصص باشد

او ادامه می‌دهد: الان همه می‌فهمند که یک مجتهد نمی‌تواند به تنهایی در همه ابواب مورد نیاز فقهی جامعه و مردم متخصص باشد. هیچ کس قدرت این کار را ندارد. مرحوم شیخ بهایی تعبیر بسیار جالبی دارد که جزو جامع ترین علمای تاریخ ماست و عمده علوم زمان خود را می‌دانست. خودش می‌گوید: «هرجا در مقابل ذی فنون قرار گرفتم پیروز شدم ولی هرجا در مقابل ذی فن قرار گرفتم شکست خوردم.» یعنی کسی که در یک فن صاحب مهارت است در بحث‌ها مرا که صاحب فن‌های متعدد هستم، شکست می‌داد.» این تجربه شیخ بهایی است. می‌گوید: «غلبت کل ذی فنون و غلبت من کل ذی فن»

### نمی‌توان قبول کرد که یک نفر با علم به همه علوم در همه مسایل فتوا بدهد

هاشمی رفسنجانی این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه می‌توانیم در عمر ۳۰ یا ۴۰ ساله تحصیل همه علوم دنیا را در حقوق بین الملل، حقوق کودک، حقوق زن، حقوق معلولین، حقوق جامعه و دهها رشته دیگر در حد متخصصان یاد بگیریم؟ در حالی که هرکدام آنها در حد یک تخصص بسیار بالاست که هر کدام چند رشته جدا و گرایش در زیرمجموعه خود دارند. واقعا نمی‌توان قبول کرد که یک نفر با علم به همه علوم در همه مسایل فتوا بدهد.

### اگر فقه تخصصی را پذیرفتیم، تقلید تخصصی را هم باید بپذیریم

او می‌افزاید: در دوره حکومت اسلامی داریم به طرف فقه تخصصی می‌رویم. اگر نمی‌خواهیم حکومت اسلامی باشد مثل گذشته می‌توان مسایل را به گونه‌ای طی کرد ولی اگر بخواهیم در همه امور مردم دخالت کنیم، باید با فقه تخصصی باشد. اگر فقه تخصصی را پذیرفتیم تقلید تخصصی را هم باید بپذیریم یعنی لازم نیست مقلدین در همه امور از یک مجتهد تقلید کنند. می‌توانند بررسی کنند که مثلا مجتهد متخصص در قضا، دفاع، مسایل اخلاقی، مسایل اقتصادی و غیره کیست تا در هریک از مسایل از بهترین‌های همان موضوع تقلید کنند.

### شورای نگهبان باید شورایی باشد که بتواند نظر تخصصی بدهد



هاشمی می‌گوید: اگر یکی از شرایط تقلید، تقلید از اعلم است، قطعاً متخصص اعلم از غیرمتخصص است. وقتی می‌خواهید به دکتر بروید برای تشخیص‌های اولیه به دکتر عمومی می‌روید ولی وقتی قرار شد علاج اساسی کنید، پیش دکتر متخصص می‌روید چون او بهتر از هر دکتری می‌داند. اگر این دو موضوع را پذیرفتیم باید شورای فقهی را بپذیریم. وقتی به سیاست می‌رسیم و می‌خواهیم جامعه را اداره کنیم لازمه مدیریت جامعه اداره همه جامعه است. شورای نگهبانی که برای نظارت بر قوانین مجلس تشکیل شده باید شورایی باشد که همه تخصص‌ها را یا خودش داشته باشد یا متخصص همان موضوع در مباحث پیش اعضای شورای نگهبان نشسته باشد تا بتواند نظر تخصصی بدهد.

## در دوره تخصصی شدن رشته‌های فقهی، به شورایی شدن فقهی می‌رسیم

### توجه به عقل، توجه به اجتهاد است

او با تاکید بر اینکه لامحاله در دوره تخصصی شدن رشته‌های فقهی به شورایی شدن فقهی می‌رسیم اظهار می‌کند: پایه اصلی همه این مسایل عقل است یعنی توجه به عقل، توجه به اجتهاد است. اجتهادی که در چارچوب انجام شود. منابع و مبانی ما در قرآن و سنت هستند.

هاشمی رفسنجانی با تاکید بر اینکه باید فقه مقارن را جدی بگیریم، معتقد است که شورای فقهی برای مسایل عمده مدیریتی کشور یکی از ضروریات زمانه است.

### اهل سنت و هم شیعه باید مرجعیت علمی اهل بیت (ع) را بپذیرند

اکبر هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت و گوی مکتوب و تفصیلی با شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) به بحث مرجعیت علمی اهل بیت (ع) پرداخته و می‌گوید: در مساله‌ای که باز فقه مقارن مطرح می‌کند پیشنهاد دیگری دارم که باید علمای شیعه و سنی منصفانه درباره این پیشنهاد قضاوت کنند. طبق روایت متواتر ثقلین که پیامبر فرمودند: «کتاب الله و عترتی» یعنی اینها مرجع شما خواهند بود. با این حدیث این دو تا روز قیامت و لب حوض کوثر با هم خواهند بود. پس هم اهل سنت و هم شیعه باید مرجعیت علمی اهل بیت (ع) را بپذیرند. نمی‌گویم انحصاری باشد. باید به عنوان یک مرجع مطمئن که در زمان حضرت علی (ع) و زمان امام صادق (ع) این گونه بود به اهل بیت توجه کنیم.

### اگر فقه مقارن باشد تحقیقا مرجعیت اهل بیت یکی از مراجع قابل اتکا خواهد بود

او بیان می‌کند: علمای اهل سنت در کتاب هایشان این روایات را آورده اند و ما هم که معتقدیم باید یکی از مراجع علمی ما در بحث فقه مقارن روایاتی باشد که از اهل بیت (ع) به ما رسیده است. البته باید با علم روایت و درایت به روایات صحیح برسیم. چون روایات ناصحیح در اخبار ما و اهل سنت زیاد است. فرزند حسن البنا در مصر که یک عالم و شخصیتی معتبر است نظر داده بود که در صحیح بخاری و مسلم ۶۵۳ حدیث غیرقابل اطمینان وجود دارد. در حالی که از صحاح معتبر اهل سنت اند و کتاب‌های خوبی هم هستند. ایشان در تحقیقات خود به این نکته رسید. ما هم اگر کتاب‌های مهم مثل بحارالانوار و حتی کتب اربعه را نگاه کنیم مطمئناً احادیث غیرقابل قبول فراوانی در آن می‌بینیم. الان نمی‌گوییم باید به هر حدیثی تمسک کنیم. اما اگر فقه مقارن باشند و علمای ما با هم بنشینند و بحث کنند تحقیقا مرجعیت اهل بیت یکی از مراجع قابل اتکا خواهد بود و خود اهل سنت نقل کرده اند. احادیثی مثل حدیث ثقلین و چند حدیث دیگر.

هاشمی رفسنجانی می‌افزاید: در همان روزهای جوانی ام که در قم به درس‌های آیت‌الله بروجردی می‌رفتم ایشان در یکی از جلسات درس گفتند، «به جای مجادله با برادران اهل سنت بر سر خلافت باید بر سر مرجعیت اهل بیت بحث کنیم که مال امروز است. باید با هم به توافق برسیم که اگر چنین شود به درد جامعه می‌خورد.»

### **توجه به عقل آن هم به خواست قرآن در اجتهاد جدی گرفته شود**

او تاکید می‌کند که توجه به عقل آن هم به خواست قرآن در اجتهاد جدی گرفته شود که الحمدلله الان جدی گرفته می‌شود.

### **به تخصص در علوم اسلامی و رشته‌های مختلف فقهی بها دهیم**

او ادامه می‌دهد: لازم است به تخصص در علوم اسلامی و ابواب و رشته‌های مختلف فقهی بها دهیم و برای هر رشته‌ای تخصصی در حوزه‌ها به وجود بیاید؛ البته این تخصص‌ها موقعی مفید است که شخص متخصص دارای اجتهاد مطلق باشد.

### **فقه اسلامی تئوری کامل و جامع اداره انسان و جامعه از گهواره تا گور است**

هاشمی رفسنجانی می‌گوید: هم اکنون و از قرون گذشته نوعی تخصص در علوم دینی مربوط به فقاہت وجود دارد. البته معمولاً ۱۵ علم لازمه اجتهاد مطلق فقهی به حساب می‌آید که در حوزه ادبیات و علوم عقلی و علوم نقلی دسته بندی شده: در ادبیات: ۱ - آشنایی به زبان عربی ۲ - علم صرف ۳ - علم نحو و بلاغت شامل: ۴ - بیان ۵ - معانی ۶ - بدیع در علوم عقلی: ۱ - علم منطق ۲ - فلسفه ۳ - علم کلام در علوم نقلی: ۱ - علم تفسیر ۲ - علم حدیث ۳ - علم درایه ۴ - علم رجال ۵ - علم اصول فقه ۶ - خود علم فقه اما در زمان ما و حتما در آینده بسیاری از علوم دیگر هم لازمه استنباط و اجتهاد شده و بخصوص در فرض حاکمیت اسلام و ضرورت اجرای نظام اسلامی که با توجه به جامعیت و شمول کامل احکام اسلامی بر همه شئون زندگی به تعبیر جالب امام: «فقه اسلامی تئوری کامل و جامع اداره انسان و جامعه از گهواره تا گور است.»

### **فقه مقارن را جدی بگیریم**

### **شورای فقهی برای مسایل عمده مدیریتی کشور از ضروریات زمانه است**

او با تاکید بر اهتمام به فقه مقارن تاکید می‌کند که فقه مقارن را جدی بگیریم. اینها از نوآوری‌های ما نیست. می‌دانید که شیخ طوسی و سیدمرتضی فقه مقارن می‌نوشتند. الان کتاب‌های فقه مقارن ما مال آنهاست و ما دنبال روی آنها هستیم.

هاشمی رفسنجانی می‌گوید: تخصصی شدن اجتهاد، تخصصی شدن تقلید در بعضی از مسایل، شورای فقهی برای مسایل عمده مدیریتی کشور و همراهی علمای اهل سنت و شیعه در دانشگاه‌ها میزگردها اجلاس‌ها و همایش‌ها از ضروریات زمانه است. باید در دانشگاه‌ها کلاس‌های مخلوط از دانشجویان شیعه و سنی با استادان شیعه و سنی تشکیل شود که اگر این اقدامات را داشته باشیم می‌توانیم به وحدت جهان اسلام امید ببندیم و می‌توانیم به ظرفیت اسلام برای اداره جهان بشریت اتکا کنیم که از اهداف بزرگ رسالت پیامبر(ص) و خاتمیت دین و انقلاب اسلامی و حتی خواست مسلمانان و علمای شیعه و سنی است.

هاشمی رفسنجانی با تشریح نقش علمای جبل عامل در تاریخ تشیع ایران و تاثیرگذاری این علما بر حکومت صفویه و عمق علمی بخشیدن به اقدامات آنها، تاکید می‌کند که موقعیت جدید ایران مسوولیت بزرگی بر دوش ما می‌گذارد که باید آنها را بشناسیم و از مکتب اهل بیت (ع) درست استفاده کنیم.

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت وگویی تفصیلی و مکتوب با شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه)، پس از توضیحات مفصل درباره فقه مقارن و تخصصی و اهمیت آن در عصر کنونی، به شخصیت تاثیرگذار شیخ بهایی و علمای جبل عامل می‌پردازد و با عالم ذوفنون خواندن شیخ بهایی بیان می‌کند: برای شناخت شیخ بهایی اول باید زمان مکان و شرایط آن روز را بشناسیم و وضع زادگاه ایشان جبل عامل در جنوب لبنان را بشناسیم که خوشبختانه امروز هم تاریخ ساز است و نقطه داغ سیاست جهانی است.

او که ایران تشیع را وامدار حرکت صفوی می‌داند به روزگار شیخ بهایی اشاره می‌کند و می‌گوید: زمان تولد و رشد و خدمت شیخ بهایی در طلیعه به وجود آمدن دولت رسمی در کل خاک ایران در کنار دولت رسمی خلافت عثمانی است که این برای عثمانی‌ها پدیده بدی بود. آنها نمی‌خواستند در ایران دولت تشیع در برابر آنها که تکیه اصلی شان روی تسنن بود و به مبانی مذهبی فرقه‌ی خودشان اهمیت هم می‌دادند، شکل بگیرد و خداوند کمک کرد در ایران که اکثریت مردمش محب اهل بیت (ع) بودند و در تمام مدت تاریخ بعد از اسلام - جز در دوران آل بویه - تحت ستم منزوی مهجور و مظلوم بودند به حق خودشان رسیدند و ایران اهل بیت شکل گرفت.

### صفویه با هوشیاری و اطلاع از روحیه حب اهل بیت(ع) برای تاسیس مکتب اهل بیت اقدام کرد

هاشمی رفسنجانی اظهار می‌کند: ایرانی‌ها جزو سابقین مکتب اهل بیت بودند و به همان دلیل ما علی ابن ابی طالب (ع) را در دوران خلافتشان در کوفه می‌بینیم که در آنجا کوفیان خیلی کمک کردند. تعبیراتی که حضرت علی (ع) در مورد مردم کوفه در یکی از خطبه‌ها می‌کند تعبیرات خوبی است. وقتی می‌خوانم بی صفای خودمان را می‌بینم که در شعارهایمان معمولاً «ما اهل کوفه نیستیم» گفته می‌شود. از جمله در نماز جمعه خودمان هم گفته می‌شود کوفیان این حق را دارند که از ما مطالبه کنند. در غربت علی ابن ابی طالب آنها پیشتاز بودند. حرف‌های حضرت علی (ع) را وقتی به کوفه می‌آیند و پیغام می‌دهند - اگر قبلاً نخواندید - بخوانید چون واقعا خواندنی است. همان‌ها بودند که در لشکر مختار بودند و می‌دانیم که در لشکر او عربی کمتر صحبت می‌شد و فارسی صحبت می‌کردند. به هر حال مردم ایران از قدیم در خدمت اهل بیت (ع) بودند و بعضی‌ها تفسیر می‌کنند - تفسیر درستی هم است - که صفویه با هوشیاری و با اطلاع از روحیه حب اهل بیت (ع) برای تاسیس مکتب اهل بیت اقدام کردند. آنها از زمینه مردمی استفاده کردند و هوشیارانه و خوب هم استفاده کردند منتها تقویت هم کردند و شرایطی هم فراهم شد.

او اظهار می‌کند: وجود قدرت شیعی در ایران و قدرت خلفای عثمانی در سایر مناطق باعث شد که شیعیان در قلمرو عثمانی از جمله در جبل عامل تحت فشار قرار بگیرند. جبل عامل تقریباً همین منطقه‌ای است که در جنوب لبنان در نقطه داغ سیاست منطقه‌ای و جهانی شده است. همین جزین نبطیه صور و ... که چند کیلومتر در چند کیلومتر هم بیشتر نیست. مردم بسیار ارزشمندی هم در آنجا هستند و بودند و واقعا به نظر من این نقطه قابل بررسی است. همیشه مهم بوده و مقداری از آن را در رابطه با شیخ بهایی عرض می‌کنم.

هاشمی رفسنجانی می‌گوید: قدری ریشه یابی کردم که چطور شد در همه این مناطق، جبل عامل به این صورت شکل گرفت و به وجود آمد. به احتمالی رسیدم ولی هنوز کارم تمام نشده و آن این است که ابتکار آن متعلق به حضرت اباذر است. می‌دانید که اباذر در دوران خلافت عثمان به شام تبعید شده بود؛ البته بعضی از مورخین معتقدند که تبعید نشده بلکه با اختیار و توصیه پیامبر(ص) به آنجا رفته یعنی پیغمبر(ص) به او گفته بودند شرایطی است که لازم است شما در شام باشید. در این مورد هم نظر روشنی ندارم که تبعید بوده یا اختیاری یا هر دوی آنهاست. شاید خود اباذر می‌خواستند به شام بروند و این شرایط را عثمان فراهم کرد. وقتی ایشان به منطقه

شام می‌آید نقطه فعالیت خودش را در همین جبل عامل قرار می‌دهد. مردم آنجا به ایشان می‌گروند و بذر تشیع را عمیقا با اطلاعات دسته اولی که از علی (ع) و مخالفان علی داشت، کاشت و هنوز آن نهالی که او غرس کرد دارد بار می‌دهد و ان شاءالله در آینده بیشتر خواهد شد.

### باید ریشه اهمیت جبل عامل را در صدر اسلام و در ابوذر پیدا کنیم

او بیان می‌کند: اگر بخواهیم اهمیت آن را بفهمیم باید در نامه‌ای ببینیم که معاویه به عثمان نوشته است. معاویه نامه‌ای به عثمان می‌نویسد که اگر احتیاجی به منطقه شامات دارید ابوذر را از اینجا برگردانید تا در آنجا نباشد. تعبیرش این است که او صبح و شام مردم را دور خودش جمع می‌کند و از فضایل علی (ع) و دوستان علی (ع) و از عیوب خلفا و مخالفان علی (ع) می‌گوید. یک جمله کوچک است و یک نامه دو سه سطری است که معاویه نوشته است اما خیلی حرف دارد. وقتی نامه به دست عثمان می‌رسد ابوذر را احضار می‌کند. وقتی ابوذر می‌خواهد برود بدرقه ابوذر یک صحنه تاریخی بسیار حساس می‌شود. باز احتیاج به تحقیق دارد. متأسفانه ما این نقاط اساسی تاریخ را به دلیل اینکه در ویرانه‌های تبلیغات بنی امیه و بنی عباس گم شده و پیدا نیست، خوب نمی‌دانیم. چیزهایی در تاریخ هست اما باید کار کنیم و باید تحقیقاتمان را بیشتر کنیم و اینها را بسیار بررسی کنیم. شاید اطلاعات بیشتری به دست بیاوریم. در آن بدرقه مردم حرف‌هایی می‌زنند و ابوذر هم حرف‌هایی دارد. خیلی خواندنی است. خودتان در سیر تواریخ و روایات پیدا کنید. در سنت و شیعه هم از اینها فراوان است. البته وقتی ابوذر به مدینه برمی‌گردد استقبال مردم مدینه عثمان را می‌ترساند و او را منزوی می‌کند و بعد ایشان به ربه تبعید می‌شود. پس می‌خواهم بگویم باید ریشه جبل عامل را در صدر اسلام و در ابوذر پیدا کنیم.

### نقش علمای جبل عامل

هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه با آمدن شهید اول یعنی با جلوه کردن شهید اول در جبل عامل این منطقه به یک مرکز عظیم علمی تبدیل شد اظهار می‌کند: جای بسیار کوچکی است؛ چند کیلومتر در چند کیلومتر و در محاصره شهرهای دیگری که تعصب سنی گری شان باعث می‌شد که مسلمان‌های شیعه را در آنجا اذیت کنند. نمونه آزارشان را هم عرض می‌کنم. ولی این مرکز آن قدر علم پرور و دانش پرور است و انسان‌های بزرگی را تربیت کرده که ما امروز سر سفره آنها نشسته ایم و هنوز در حوزه‌های دینی آثار علمی آنها تدریس می‌شود و جزو بهترین هاست و این شیخ بهایی یکی از آن دست پرورده هاست. البته ایشان در آنجا رشد نکرد و در جوانی به ایران آمد اما بالاخره در خدمت علمایی بودند که با او آمده بودند و قبل از او آمدند. آن روح همچنان در پرورش او و شرایطی که در وجودش خلق شده بود شیخ بهایی را شیخ بهایی می‌کند.

او ادامه می‌دهد: در اعیان شیعه جمله‌ای دیدم که برایم خیلی جالب بود. مطالب جالب زیادی دارد؛ چون صاحب اعیان شیعه خودش در آنجا بوده و بیش از دیگران به این مسایل پرداخته است. ایشان می‌گوید: «وقتی برای تشییع جنازه دختر شهید ثانی رفتیم دیدم ۷۰ مجتهدی که صاحب حکم بودند و کرسی داوری داشتند و جامع شرایط بودند در تشییع جنازه شرکت کرده اند.» اگر ما در حوزه قم هفتاد مجتهد را در یک جا جمع کنیم چیز عجیبی نیست. بالاخره دریایی از علما و فضالاست اما اینکه در آن زمان در آن منطقه کوچک ساحل مدیترانه و در محاصره متعصبان عثمانی ۷۰ مجتهد در مراسم دفن یک زن عالمه حضور پیدا می‌کنند باید برای ما خیلی معنادار باشد.

### جبل عامل برای شیعه یک سرپل و جایگاه اساسی بود

## علمای جبل عامل باعث شدند حرکت سیاسی سطحی صفوی عمق علمی پیدا کند

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: به هر حال این جبل عامل خاری بود در چشم آن سیاستی که با سیاست ایران ناسازگار بود. برای آنها نقطه چرکین بود و برای شیعه یک سرپل و جایگاه اساسی بود. آنها فشار را زیاد کردند. نحوه به شهادت رسیدن شهید ثانی واقعا تآثرآور است. فقط به این بهانه که ایشان قضاوتی به نفع یک شیعه در برابر یک سنی کرده بود. مراغه‌ای بین یک شیعه و یک سنی روی داده بود و ایشان به نفع شیعه حکم داد. محکوم رفت و سعایت کرد و قاضی عثمانی را که آمادگی داشت شهید ثانی را از بین ببرد تحریک کرد و این قاضی صاحب لمعه را تعقیب کرد. ایشان در آن لحظه در باغ انگوری که خودش داشت مشغول نوشتن لمعه بودند؛ کتابی که همه ما می‌خوانیم و آن را خوب بلدیم؛ داشت آن را می‌نوشت که ایشان را تحت تعقیب قرار دادند و قاضی او را احضار کرد. می‌دانست که رفتار آنها با ایشان بسیار خشن است و متواری شد و سر از مکه درآورد. در مکه به دستور حکومت مرکزی او را گرفتند، زندان کردند. گویا هنگام نماز عصر در حرم گرفتند. البته در مورد هیچ کدام از موارد نمی‌توان به صورت قطعی حرف زد ولی در بیشتر کتاب‌ها این گونه آمده است. او را به استانبول آوردند. قبل از اینکه وارد دربار شود او را شهید کردند. سرش را جدا کردند و بدنش هم ناپیدا بود. گویا گروهی از ترکمن‌های شیعه که در آنجا بودند در خواب دیدند که نوری از آسمان به نقطه‌ای می‌تابد و برمی‌گردد. وقتی پیگیری کردند پیکر شهید ثانی را پیدا کردند و در آنجا قبه و بارگاهی ساختند. نمی‌دانم این قبه و بارگاه الان هست یا نه. منظورم این است که این جور با شیعیان و با علما رفتار می‌کردند تا حوزه را به هم بریزند. پدر شیخ بهایی و شیخ بهایی که کودک بود از طرف ایران دعوت شدند و آنها هم به ایران آمدند. عده زیادی هم آمدند حقیقتا آنها باعث شدند که حرکت سیاسی سطحی صفوی عمق علمی پیدا کند.

## اگر تلاشی علما نبود معلوم نبود تشیع این قدر در ایران ریشه دار شود

او تاکید می‌کند: اگر تلاش این علما نبود و حوزه اصفهان به آن عظمت نمی‌رسید معلوم نبود که تشیع این قدر در ایران ریشه دار شود. بالاخره حکومت‌ها می‌آیند و می‌روند همان گونه که آنها هم رفتند. بعد از آنها هم افشاریه زندیه و قاجاریه آمدند و رفتند و همه هم آثاری دارند اما آنچه که برای ما ماند تلاش علماست و در بین علما نیز افرادی مثل محقق کرکی از همین جبل عامل آمدند که هم موقعیت بسیار نیرومند کشوری داشت و هم شیخ الاسلام بود. شیخ الاسلام عالی‌ترین مقام دینی آنجا بود. ایشان بود که اجازه حکومت را به صفوی‌ها داده بود. صفوی‌ها این تفکر را داشتند که حق حکومت با امام زمان (عج) است و در زمان غیبت باید اجازه حکومت بگیرند و ایشان این اجازه را داده بود تا آنها حکومت کنند.

محقق کرکی کارهای زیادی کرده است. به عنوان شیخ الاسلام به قزوین می‌رود و امام جمعه قزوین را معرفی می‌کند. هنوز هم باید ریشه آن را در حوزه علمیه قزوین که تا اواخر خیلی خوب و عمیق بود و شخصیت‌های بزرگی هم در آنجا به وجود آمده بودند ببینیم. در هرات هم علی رغم آن همه بادهای مسمومی که بر آنها گذشته، تشیع و اهل بیت هنوز در هرات قوی هستند. باید این حالت را به خاطر حضور موقت پدر شیخ بهایی که نمی‌دانم چند سال در آنجا بودند و خود شیخ - بدانیم. احتمالا ارتباطشان با مشهد به دلیل حضور طولانی آنها در هرات باشد.

او با تاکید بر اینکه علمایی مثل شیخ حر عاملی نقش برجسته‌ای در تاریخ تشیع دارند می‌افزاید: امروز چقدر از سفره دانش و آثاری که ایشان گذاشته اند استفاده می‌کنیم و با کتاب‌های ایشان چقدر تحقیق برای ما آسان شده است. علمای بزرگی مثل صاحب مدارج صاحب معالم و دو شهید اول و ثانی که الان آثارشان بین ما هست واقعا نقاط برجسته تاریخی جبل عامل در تشیع سرنوشت ساز و مهم است. با متفرق کردن علمای جبل عامل که «تفرقوا ایادی سبا». اینها به هر جایی رفتند آنجا را آباد کردند. حوزه بحرین در اثر

این هجرت قوی شد. هند به دلیل این هجرت قوی شد. ایران این علما را به دلیل حکومت شیعی از همه جا بیشتر جذب کرد و بهره بیشتری برد. نجف با آمدن آنها تقویت شد؛ به گونه‌ای که حوزه آنجا را آنها در دوره جدید مرکز ثقل حوزه‌های علمیه تشیع کردند؛ البته نجف در آن مقطع از حله هم ارتزاق می‌کرد. آنها را آنجا هم کوچ دادند یعنی آن قدر بر علما و شیعیان جبل عامل و جنوب لبنان فشار آوردند که دیگر این شخصیت‌ها نمی‌توانستند بمانند. یک نمونه آن را در تاریخ عرض می‌کنم ولی ده‌ها نمونه دارید. فردی در تاریخ آنجا به نام احمد جزار پاشاست که حاکم عثمانی است. این حاکم عثمانی فراز و نشیب زیادی داشت. انسان خیلی خشن و سفاک و در عین حال بسیار نیرومند بود. اگر تاریخ حکومتش را مطالعه کنید متوجه می‌شوید که در آن دوران شبیه رضاخان در این دوره است که کارهای متفاوتی از خود نشان می‌داد. این حاکم به دلیل کار بزرگی که کرد عثمانی‌ها با اینکه می‌خواستند عزلش کنند عزلش نکردند و به او قدرت دادند و او از این قدرتش علیه شیعه استفاده کرد و این کار بزرگش بود!

### **شیعه روز به روز نیرومندتر شد**

او ادامه می‌دهد: ناپلئون که مصر را گرفته بود و به فکر انتقال استانبول پایتخت عثمانی‌ها بود برای رسیدن به استانبول می‌بایست از طریق فلسطین و شامات عبور می‌کرد و به عکا می‌رسید. مرکز حاکمیت جزار در یک قلعه محکم در عکا بود. دو ماه لشکر ناپلئون را پشت دروازه قلعه خود نگهداشت. سرانجام ناپلئون به مصر برگشت و به استانبول نیامد. این کار برای او موقعیت بسیار خوبی ایجاد و از صلاح الدین ایوبی هم نیرومندتر جلوه کرد. از این وجهتش استفاده کرد و خواست ریشه شیعه را در شامات از بین ببرد. جشن کتاب سوزان گرفت. در تاریخ می‌نویسند که هفت روز کتاب‌ها و کتابخانه‌ها و آثار علمای جبل عامل را در عکا می‌سوزاندند. این رفتار را با شیعه در آنجا کردند ولی به لطف خداوند و حقانیت مکتب اهل بیت و پشتیبانی ایران که آن روز سهم بزرگی داشت و امروز هم آن نقش را ایفا می‌کند شیعه روز به روز نیرومندتر شد.

### **موقعیت جدید ایران مسوولیت بزرگی بر دوش ما می‌گذارد**

**باید از مکتب اهل بیت (ع) درست استفاده کنیم**

**نگذاریم مکتب اهل بیت (ع) به افراد معینی منحصر شود**

هاشمی رفسنجانی از این بحث چنین نتیجه می‌گیرد: موقعیت جدید ایران مسوولیت بزرگی بر دوش ما می‌گذارد که باید آنها را بشناسیم و از مکتب اهل بیت درست استفاده کنیم و نگذاریم در دنیا مظلوم بماند و به افراد معینی منحصر شود.

### **جبل عامل حق بزرگی بر وضع فعلی حوزه‌ها و کشور شیعی ایران دارد**

او تاکید می‌کند: پس جبل عامل حق بزرگی بر وضع فعلی حوزه‌ها و حکومت مذهبی و روحانیت ما و کشور شیعی ایران دارد. همین علما قبل از آن هم می‌گذاشتند. در تاریخ مراعه‌ها مازندران خواندم و می‌خوانیم که حکمای مراعه‌ها که شیعه بودند گویا از شهید اول تقاضا می‌کنند که ایشان یا خودش بیاید یا نماینده‌ای بفرستند که حکومت اینها را کاملاً دینی و مذهبی و شیعی اداره کند. تا این حد از جبل عامل استفاده می‌کردند اما حوزه اصفهان با آمدن آنها و با بروز علمای ایرانی و تربیت شاگردان بزرگ بسیار قوی شد که هنوز شاگردان آن حوزه نورافشانی می‌کنند.

هاشمی رفسنجانی با ابراز امیدواری نسبت به فراهم شدن یک حوزه نیرومند اسلامی برای آینده طولانی، بر ضرورت تخصصی شدن اجتهاد تاکید و با بیان اینکه نباید به گونه‌ای باشد که حوزه علمیه از علوم روز دنیا چیزی نداند، یادآوری می‌کند که اگر در هر رشته‌ای از فقه تخصص‌ها در حوزه‌ها به وجود بیایند، در هر موضوعی صاحب‌نظر خواهیم داشت و باید در حوزه برای همه رشته‌ها مجتهد صاحب یک تخصص داشته باشیم.

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در گفت و گوی مکتوب و تفصیلی با شفقنا (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه) با اشاره به نقش علمای جبل، به نقش شیخ بهایی در حوزه اصفهان می‌پردازد و بیان می‌کند: آیت‌الله بروجردی که از حوزه اصفهان به نجف رفته بودند بعداً که آمده بودند یک وقتی در محضری که با دیگران خدمتشان بودیم و با دیگران صحبت می‌کردند از حوزه اصفهان تعریف می‌کردند و می‌گفتند، نتوانستیم در نجف اطلاعات دینی بیشتر از آنچه در اصفهان به دست آوردیم، اضافه کنیم. واقعا حوزه اصفهان این گونه بود. بسیاری از فحول علمای تشیع در این مدت با واسطه یا بی واسطه به حوزه اصفهان مربوط می‌شوند و شیخ بهایی در آن مقطع نقش بسیار زیادی در درخشش حوزه اصفهان داشته است؛ البته یک مقدار مقاطع مبهم در زندگی ایشان هست. از جمله چیزهایی که به نظر من خیلی عجیب است و شاید هم طبیعی باشد این است که ایشان اولاد ندارد. همیشه فکر می‌کردم که چرا اسمی از اولاد و خاندانشان در تاریخ ما نیست. ظاهراً ایشان اصلاً اولاد ندارد. به هر حال شیخ بهایی را که اول کارش بود در مقطعی به جای محقق کرکی شیخ الاسلام اصفهان می‌کنند. شیخ الاسلام اصفهان در زمان صفویه یعنی عالی‌ترین مقامی که بر همه امور مذهبی و عملاً امور سیاسی کشور حاکمیت دارد. ایشان مدتی این کار را انجام می‌دهد. نمی‌دانم چرا ایشان به فکر افتادند که مهاجرت کنند. با آن موقعیت ممتاز و با آن مسوولیت‌های بزرگ و آن کارهایی که انسان در چنین شرایطی می‌تواند انجام بدهد و خدماتی که می‌تواند انجام بدهد یکباره همه چیز را گذاشت و مهاجرت کرد. مثل محمود غزنوی که مهاجرتش معروف است. البته می‌تواند دلایل خوبی داشته باشد منتها محققان باید دلیل آن را روشن و ثابت کنند. عجیب است که این نکات چگونه در تاریخ ما مخفی مانده و چرا تا به حال معلوم نشده یا شده و ما نتوانستیم پیدا کنیم.

او ادامه می‌دهد: ایشان سالها گشتند و به مکه، مدینه، شام، بعلبک و جبل عامل رفته و در نجف و گویا در اسلامبول بوده و با حوزه‌ها و شخصیت‌های مختلف به صورت ناشناس بحث می‌کرد. آیا به دلیل اشتیاقی که به علم و تنوع علمی داشته ترجیح داده که به طور موقت کارها را برعهده دیگران بگذارد و برود خودش را تقویت کند! دستاورد جدیدی بی‌آورد مطمئناً دستاوردهایی که از این سفر آورده مهم هستند. من الان نمی‌دانم. اما قطعاً باید این را پیدا کنیم. شوخی نیست که کسی با این مقام و این شخصیت و این قدرت علمی یکباره اداره حوزه‌ها و علما همه را رها کند و دوره گرد شود. بعد هم که برمی‌گردد دستاوردش در یک نامه و در یک گزارش کامل پیدا نشود! باید باشد. حتماً باید اینها را پیدا کنیم. شاید در غارتی که افغانه در اواخر دوران صفویه در اصفهان کردند اینها را از بین برده باشند. شاید در افغانستان یا جاهای دیگر باشد. باید اینها را پیدا کنیم.

## مجهولات تاریخی خیلی زیاد است

هاشمی رفسنجانی می‌گوید: در دوره خودمان هم مجهولات تاریخی خیلی زیاد است چه برسد به صدر اسلام. وقتی به زمان پیغمبر(ص) و بعد از پیغمبر(ص) به زمان ائمه (ع) برمی‌گردیم آنچه که می‌دانیم قطره‌ای است از یک اقیانوس و آنچه که نمی‌دانیم بسیار زیاد است. یک بار در اجلاس ائمه جمعه گفتیم، پیغمبر(ص) ۴۰۰ یا ۵۰۰ خطبه نماز جمعه در دوران زندگی شان خواندند. این خطبه‌ها کجاست اگر هر خطبه نیم صفحه هم باشد باید در حد یک کتاب باشد. در صورتی که حتماً پیغمبر(ص) مسایل روز را در خطبه‌ها می‌گفتند. چون گفتن مسایل روز جزو وظایف ایشان مخصوصاً در خطبه‌های نماز بود. این خطبه‌ها کجا هستند خطبه‌های ۵ سال دوران خلافت حضرت علی (ع) کجاست ایشان که حاکم ميسووط الید آن زمان بودند.

او معتقد است: به هر حال پیروزی انقلاب اسلامی شرایط جدید را برای ما فراهم کرد و باید از این شرایط جدید خیلی استفاده کنیم. یکی از کارهای خیلی بزرگ ما این است که حوزه‌های علمیه محققان ما دنبال کشف مرموزها و مدفون‌های گنج‌های تاریخ بروند که واقعا الان برای شناخت دین اسلام و قرآن بسیار نیاز داریم که این کار را انجام بدهند. به هر حال مطمئنا شیخ بهایی بعد از این همه هجرت و بعد از این همه زحمت مسافرت و گمنامی دستاوردهایی داشتند که باید مشخص شود. بالاخره شیخ الاسلام اصفهان هر جا می‌رفت می‌بایست کل مردم آن منطقه دورش حلقه می‌زدند اما او اهل این حرف‌ها نبود و لابد گمنام می‌رفت. سرانجام دوباره به اصفهان برگشت و جای خالی خود را دوباره پر و حوزه‌ها را تقویت کرد. آثار حوزوی ایشان و شاگردانش معروفند. شخصیت‌هایی که اسم می‌بریم خیلی فراوانند. اما ایشان در دوره طولانی از حدود سال ۹۸۵ که وارد این بخش‌ها می‌شود تا سال ۱۰۳۰ غیر از مقطع سفرش دایما فعال بود و دایما کارهای بزرگ می‌کرد. باید کارهایش را قطعا پیدا کنیم.

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: ایشان آن قدر عظمت دارد که وقتی در اصفهان فوت می‌کند مرحوم علامه مجلسی در آثار خود می‌نویسد «من به نماز در مراسم فوت مرحوم شیخ بهایی مشرف شدم» بعد می‌گوید «وقتی من برای نماز رفتم همه طلبه‌ها و فضلا شرکت کرده بودند و حدود ۵۰ هزار نفر از مردم در مراسم تشییع جنازه جمع بودند». خیلی مهم است که برای تشییع جنازه شخصیتی که هم سیاسی بوده و هم در خدمت حکومت بوده و با حکومت کار می‌کرد و هم حوزوی بود در شهری مثل اصفهان آن زمان ۵۰ هزار می‌آیند. نمی‌توانیم بگوییم علامه مجلسی عراق می‌کند. چون آدم خیلی دقیقی است و حرف‌هایش را خوب ضبط می‌کرد و با توجه می‌نوشت. ضمن اینکه این جمله خطابه نیست بلکه نوشته‌ای است که در تاریخ مانده است. جمع شدن ۵۰ هزار نفر مطلب قابل توجهی است و نفوذ و محبوبیت شیخ را می‌رساند. همین جمله جای خالی اش را بعد از فوت نشان می‌دهد. اینکه جنازه ایشان را به دلیل جایی که در اینجا داشتند به مشهد آوردند طبیعی است. آن موقع بسیار رسم بوده و این کارها را می‌کردند.

او با اشاره به اینکه می‌خواهد دو سه نکته مهم از حرف‌های ایشان را بگوید تا نتیجه درستی از حرف‌های ایشان بگیریم می‌افزاید: همه ما می‌دانیم که ایشان از علمای جامع الاطراف بودند. علم و فنی را در زمان ایشان نمی‌شناسیم که شیخ بهایی آن را نداند یا در مورد آن ننویسد. از فقه اصول ادبیات فارسی عربی منطق فلسفه ریاضی حساب مهندسی و حتی علوم غریبه که گاهی اشارات منفی به آنها دارد که فهرست کاملی از کارهایش را داریم اما ابتکاری از ایشان در این نوشته هاست. چون یک نمونه از آن را خودم دیدم می‌خواهم عرض کنم که می‌تواند تاریخی باشد. یعنی همان کاری که در ساختن مسجد چهارباغ یا مدرسه چهارباغ اصفهان شد. آنجا باتلاق بوده و امکان اینکه در یک باتلاق چنین ساختمان با عظمتی ساخته شود در آن زمان نبود. شیخ بهایی طرحی ریخته و با ذغال هیزم سوخته‌ها و کربن پوشش دو متری روی باتلاق درست کرده و آن ساختمان عظیم را ساخته که تا الان مانده است. این تکنیک الان هم در اروپا و در آمریکا استفاده می‌شود. نمی‌دانم چه جور بود. در زمان ریاست جمهوری به جنوب ورامین رفته بودم تا مسیر اصفهان به مشهد را ببینم. آن موقع معمولا از آن مسیر به مشهد می‌آمدم. از جایی مثل جنوب گرمسار رودهایی که از تهران به ورامین می‌روند به شکل یک رودخانه به کویر می‌روند.

در آنجا یک باتلاق بسیار سخت است که همین الان هم عبور از این باتلاق به خصوص در روزهای بارانی تقریبا غیرممکن است. با اینکه الان آبها مهار شدند و آب کمی از آنجا می‌رود. به من گفتند «شیخ بهایی در آن زمان جاده قابل اعتمادی در این باتلاق ساخته بود که امروز نتوانستیم بسازیم». در زمان من این جاده نبود و الان نمی‌دانم این جاده هست یا نه. گفتم «ببینید چگونه است» گفتند «با پرده‌ای از زغال این جاده را ساخته است». خودم به آنجا رفتم و گفتم، تراکتور و بیل بیاورید و زمین را درباتلاق بکنید. وقتی کردند دیدیم به جایی رسیدیم که ماده سیاهی شامل زغال و... آنجا ریخته و با آن پرده‌ای که هست آب به بالا نفوذ نمی‌کند و بالای جاده خشک می‌ماند. همین کار را در مسجد آنجا انجام داده بود. بعد از سالها و شاید دهها سال و چند قرن اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها آمدند و این را دیدند و مستشرقین خبر دادند که در آنجا به این تکنیک عمل شد. این کار چیزهای زیادی به ما می‌فهماند. شیخ بهایی که ذاتا



مهندس یا شخصی نبود که عمرش را بر سر این مسایل بگذارند. این نشانه هوش و نبوغ ایشان است. با این نبوغ و فنون و این علوم قضاوتی کرده که آن امروز خیلی به درد ما می‌خورد بخصوص در این مقطع برای آدمهای حوزه می‌خواهم عرض کنم. دانشگاهها در این مورد خیلی مشکلی ندارند آنها راه را پیدا کرده اند و دارند می‌روند.

هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: شیخ بهایی با این همه علومش می‌گوید، «من هر جا با افراد ذی فنون مواجه شدم بر آنها غلبه کردم. چون همه بودند و ایشان قوی‌تر از آنها بود اما هر جا با کسی مواجه شدم که با یک علم آشنایی داشت، شکست خوردم غلبت کل ذی فنون و غلبت من کل ذی فن. یعنی از هر «صاحب یک فن» شکست خوردم ولی در مقابل همه صاحبان فنون در بحث پیروز شدم.

### ضرورت تخصص در علوم اسلامی

او مخاطبش را حوزه‌ها قرار می‌دهد و می‌گوید: اینکه انسان جامع علوم باشد و همه چیز را بداند خیلی خوب است برای آثارش هم خوب است اما برای اداره یک کشور آنجایی که می‌خواهیم با دین و افکار فقهی کشور را اداره کنیم نمی‌توان با افکار جامع الفنون‌ها کشور را اداره کرد. باید در هر علم و رشته‌ای متخصصان درجه یک داشته باشیم. همین کاری که دانشگاهیان می‌کنند. دانشگاهها یک دوره اطلاعات عمومی و یک علوم پایه دارند و بعد به دوره‌ای می‌رسند که وارد تخصص می‌شوند. وقتی به تخصص رسیدند گرایش‌های مختلفی دارد و یک آدم می‌رود و سال‌ها زحمت می‌کشد و صاحب تخصص می‌شود و وقتی انسان با او مواجه می‌شود می‌بیند او همه چیز را در مورد بخش خودش می‌داند و خیلی راحت می‌تواند اظهار نظر کند. در عمل هم همه مردم این را می‌دانند.

او ادامه می‌دهد: ما در علم پزشکی به چه کسی مراجعه می‌کنیم؟ به پزشک اطفال برای بچه‌هایمان مراجعه می‌کنیم یا به پزشک معمولی برای مغز و اعصاب می‌خواهیم به چه کسی مراجعه کنیم؟ برای قلب به چه پزشکی مراجعه می‌کنیم؟ باید به کسی مراجعه کنیم که خوب می‌داند. این که عقل و حکم قطعی عقل است بنابراین تا وقتی که حوزه‌ها حکومتی نیست می‌توانیم هر کاری بکنیم و خودمان را قوی کنیم اما وقتی می‌خواهیم حوزه استراتژی و احکام حکومت را اداره کند و عقیده داریم که علمای ما باید در مقابل مجلس بنشینند و جلوی هر حکمی را در هر موضوع خلاف شرع از مجلس درآمد بگیرند. اگر بخواهیم این کار را بکنیم آنها باید در آن موضوع تخصص داشته باشند. همین جوری که نمی‌توانیم کلی گویی کنیم. یک متخصص یا یک گروه متخصص می‌نشینند و به نتیجه‌ای می‌رسند که یک کار کارشناسی است. یکی از ویژگی‌های امام این بود که به کارشناسی خیلی اهمیت می‌دادند. یادتان است که امام یک بار گفتند، «اگر دو سوم مجلس چیزی را تصویب کردند شورای نگهبان حق ندارد آن را رد کند». مجلس کارشناسی می‌کند کار فقهی که نمی‌کند. کارشناسان می‌نشینند و تصمیم می‌گیرند. آن زمان به خاطر اصرار مجلس بر اجرای مصوبات و ادله شورای نگهبان بر مغایرت آن مصوبات با شرع یا قانون اساسی مشکلاتی به وجود می‌آمد در چند نوبت به بن بست می‌رسیدیم که امام (ره) مجمع تشخیص مصلحت را تاسیس کردند تا در این مورد بین آنها داوری شود. مجمع هم ترکیبی از علما و متخصصان و آدم‌های با تجربه است و این جوری عمل می‌کند.

او می‌افزاید: من فکر می‌کنم این یک بخش مسلم تاریخی و دینی و بدیهی عقل است و در میانی فقهی ما هم هست. شما تقلید را برای دو قشر عالم و جاهل چگونه در جامعه ترویج می‌کنید چرا تقلید از اعلم را واجب می‌دانید برای اینکه باید از عالم‌تر بیرسند. این حکم عقل و بدیهی است و همه ما قبول داریم.

**نباید به گونه‌ای باشد که حوزه علمیه از علوم روز دنیا چیزی نماند**

**تخصصی کردن علوم در حوزه یک ضرورت است**

هاشمی رفسنجانی بار دیگر با تاکید بر ضرورت تخصصی شدن اجتهاد بیان می‌کند: اگر ما در هر رشته‌ای از فقه تخصص‌ها را در حوزه‌ها به وجود بیاوریم می‌توانیم در هر موضوعی صاحب‌نظر داشته باشیم. البته اینها کافی نیست. باید در همه علوم دنیا که به اداره کشور مربوط می‌شود تخصص داشته باشیم. نباید به گونه‌ای باشد که حوزه علمیه از علوم روز دنیا چیزی نداند. نمی‌گوییم یک مجتهد همه اینها را بداند آن وقت می‌شود که اگر خیلی هم نابغه باشد در مقابل ذی فن شکست می‌خورد. باید در حوزه برای همه رشته‌ها مجتهد صاحب یک تخصص داشته باشیم. البته باید بعد از طی مراحل اولیه در حوزه باشد. یعنی خواندن یکی دو دوره خارج برای همه لازم است بعد از آن باید تفکیک شود و حوزه کلاس داشته باشد و آن فرد امتحان بدهد و به آن کلاس برود و متبحرترین فرد روزگار شود. همان کاری که در دانشگاه‌ها می‌کنند.

او می‌گوید: این یک کار من در آوردی نیست. دانشگاهها در این زمینه بهتر از ما کار می‌کنند. هنوز می‌خواهیم در حوزه با سنت قدیمی زندگی کنیم. به نظر می‌رسد که تخصصی کردن علوم در حوزه یک ضرورت باشد. از یک ضرورتی حرف شیخ بهایی که یکی از جامع‌ترین، عالم‌ترین و نابغه‌ترین شخصیت‌های علمی کشور است، استفاده می‌کنم و عرض می‌کنم " غلبت ذی فنون و غلبت ذی فن " مسوولان حوزه‌های علمیه انتظار داریم این کار را بکنند و رشته‌های تخصصی را جدا کنند. عالم متخصص برای هر رشته‌ای بگذارند. البته طلبه‌ها باید مجبور شوند یک دوره عام را بگذرانند؛ مثل دانشگاه‌ها امتحان بدهند و وقتی رساله تخصصی شان را نوشتند آن وقت به آنها پایان نامه تحصیلی بدهید مجموعه اینها می‌توانند شورای فقهی تشکیل بدهند که مسایل کشور را حل کنند.

هاشمی رفسنجانی در پایان اظهار می‌کند: تحقیقا بدانید که اگر بخواهیم حکومت اسلامی و مکتب اهل بیت برای قرن‌ها حاکم بماند باید این کار را بکنیم و هر چه هم تاخیر کنیم ضرر می‌کنیم. الان هم وقتی است که برای این کار به اندازه کافی نیرو امکان و تجربه داریم و می‌توانیم از زیر مجموعه آن ۵۰ کتاب فقهی که معمولا می‌خوانیم و هر کدامشان چندین زیر مجموعه دارند رشته‌های تخصصی درست کنیم. ان شاءالله یک حوزه نیرومند اسلامی برای آینده طولانی و برای این انقلاب اسلامی فراهم کنیم.

انتهای پیام/